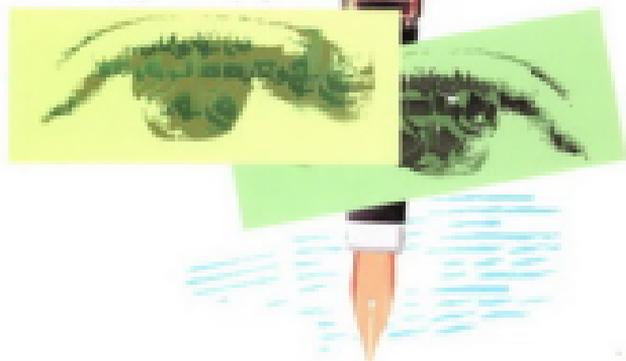




# هنرهای مفاتیح

محمد رضا نصاری



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



دفتر برنامه ریزی  
و فن آوری آموزشی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## مفاهيم علم نحو (٢)



مركز بحوث ودراسات  
محمود رضا عصاري



مؤسسه تحقیقات و پژوهش  
اساتذہ کرام بنیادی  
واپسہ بہ جامعہ اسیوط العالمیہ

عصاری، محمودرضا، ۱۳۴۴	سرشناسه: ۳۴۶۸۴
مفاهیم علم نحو (۲) / محمودرضا عصاری.	عنوان و نام پدیدآور:
قم: جامعه المصطفیٰ <small>علیه السلام</small> العالمية، ۱۳۸۸	شخصیات نشر:
۱۶۰ ص	شخصیات ظاهری:
۲۲۰۰۰ ریال: 978-964-195-103-2	شابک:
978-964-195-104-9	شابک دوره:
۱۷۹	فروست:
فپا	وضعیت فهرست نویسی:
زبان فارسی - - نحو	موضوع:
جامعه المصطفیٰ <small>علیه السلام</small> العالمية	شناسه افزوده:
۱۳۸۸ ع ۸ / ۶۵۶ / PJ ۶۱۵۱	رده بندی کنگره:
۴۹۲/۷۵	رده بندی دیویی:
۱۸۵۷۶۲۲	شماره کتاب شناسی ملی:

مفاهیم علم نحو (۲)

مؤلف: محمودرضا عصاری

چاپ اول: ۱۳۸۸

ناشر: انتشارات بین المللی المصطفیٰ علیه السلام

صفحه آرایشی: سبحان پرهیزکار یادگار

چاپ: امیران ● قیمت: ۲۲۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۲۰۰۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

● قم، میدان شهدا، خیابان حجتیه، روبه روی مدرسه حجتیه فروشگاه انتشارات بین المللی المصطفیٰ علیه السلام. تلفکس: ۰۲۵۱۷۷۳۰۵۱۷

● قم، بلوار محمد امین، سه راه سالاریه، جنب جامعه العلوم، فروشگاه انتشارات بین المللی المصطفیٰ علیه السلام. تلفن: ۰۲۵۱ ۲۱۳۳۱۰۶ فکس: ۰۲۵۱ ۲۱۳۳۱۴۶

www.miup.ir , www.eshop.miup.ir

E-mail: Admin@miup.ir, Root@miup.ir

## سخن ناشر

برنامه‌ریزی آموزشی باید امری پویا و متناسب با دگرگونی‌هایی باشد که در ساختار دانش و رشته‌های علمی پدید می‌آید. دگرگونی‌های اجتماعی، نیازهای نوظهور فراگیران و مقتضیات جدید دانش، اطلاعات و مهارت‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های نوری را فرا می‌خواند که پاسخ‌گویی به آنها، ایجاد رشته‌های جدید تحصیلی و تربیت نیروهای متخصص را ضروری می‌نماید. گسترش فرهنگ‌های سلطه‌گر جهانی و جهانی شدن فرهنگ در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی، مشکلات و نیازهای نوظهوری را پیش‌رو گزارده است که رویارویی منطقی با آنها، در پرتو آراستن افراد به اندیشه‌های بارور، ارزش‌های متعالی و رفتارهای منطقی امکان‌پذیر است که در قالب موقعیت‌های رسمی آموزشگاهی با ایجاد رشته‌های جدید و گسترش دامنه آموزش‌ها و مهارت‌ها و تربیت سازمان‌یافته صورت گیرد.

بالندگی مراکز آموزشی در گرو نظام آموزشی استوار، قاعده‌مند و تجربه‌پذیر است که در آن، برنامه‌های آموزشی، متن‌های درسی و استادان، ارکان اصلی به‌شمار می‌آیند و بالندگی برنامه‌ی آموزشی، به هماهنگی آن با نیاز زمان، استعداد علم‌آموزان و امکانات موجود، وابسته است؛ چنان‌که استواری متن‌های درسی به ارائه تازه‌ترین دست‌آوردهای علم در قالب نوترین شیوه‌ها و فن‌آوری‌های آموزشی است.

حوزه‌های علوم دینی، به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی‌اند. جامعة المصطفیٰ ع العالمیة

به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت تعلیم و تربیت طلبان غیرایرانی را بر عهده دارد، به پی‌ریزی دفتر برنامه‌ریزی و فن‌آوری آموزشی اقدام کرده است.

این دفتر با ارج نهادن به تلاش‌های صورت گرفته و خوشه‌چینی از خرمن دانش عالمان گران‌قدر، بر آن شد تا با بهره‌گیری از شیوه‌های جدید آموزشی و تازه‌ترین دست‌آوردهای علمی، به تهیه متن‌های آموزشی پردازد که تدوین و نشر بیش از نود متن درسی در موضوع‌های گوناگون علوم دینی، حاصل این تلاش است.

نوشتار حاضر که در سرفصل ادبیات عرب، مطابق سه واحد درسی دروس پایه برای دوره کارشناسی، با عنوان مفاهیم علم نحو (۲) نگارش یافته است، به تحلیل و بررسی برخی از مسائل مربوط به این ماده درسی می‌پردازد. این اثر، حاصل تلاش علمی و درخور تقدیر آقای محمودرضا عصار (دام توفیق) است که از ایشان و فرزندان دیگر که در به ثمر رسیدن این اثر بذل عنایت کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

در پایان، اربابان فضل و معرفت را به یاری خواننده، چشم امید به نقد و نظر آنان دوخته‌ایم.



انتشارات بین‌المللی المصطفی ﷺ

دفتر برنامه‌ریزی و فن‌آوری آموزشی

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## فهرست

.....	مقدمه	۹
.....	کلیات	۹
.....	۱. شأن هذا العلم	۹
.....	غايته	۹
.....	تحليل	۹
.....	پژوهش	۹
.....	تمرین	۹
.....	۲. الكلام و الجملة	۹
.....	یادآوری	۹
.....	پژوهش	۹
.....	تمرین	۹
.....	۳. اقسام الجملة: خيرية و انشائية	۹
.....	تحليل	۹
.....	پژوهش	۹
.....	تمرین	۹
.....	۴. انقسام للاسم: الاسم معرفة و نكرة (۱)	۹
.....	پژوهش	۹
.....	تمرین	۹
.....	۵. الاسم معرفة و نكرة (۲)	۹
.....	المعرف بال التعريف	۹
.....	پژوهش	۹
.....	تمرین	۹



مرکز تحقیق و توسعه در علوم اسلامی



- ٩ ..... ٦. الاسم معرفة و نكرة (٣)  
 ٩ ..... الاسماء الموصولة  
 ٩ ..... تحليل  
 ٩ ..... تمرين
- ٩ ..... ٧. الاسم معرفة و نكرة (٤)  
 ٩ ..... العلم و المضاف لمعرفة  
 ٩ ..... تحليل  
 ٩ ..... تمرين
- ٩ ..... ٨. الاعراب و البناء  
 ٩ ..... يادأورى  
 ٩ ..... الاعراب التقديرى  
 ٩ ..... مواضع الاعراب التقديرى  
 ٩ ..... تحليل  
 ٩ ..... تمرين
- ٩ ..... ٩. علامات الاعراب: اصلية و فرعية  
 ٩ ..... پژوهش  
 ٩ ..... تمرين
- ٩ ..... ١٠. باب مالا ينصرف (١)  
 ٩ ..... پژوهش  
 ٩ ..... تمرين
- ٩ ..... ١١. باب مالا ينصرف (٢)  
 ٩ ..... پژوهش  
 ٩ ..... تمرين
- ٩ ..... ١٢. الاسماء الستة  
 ٩ ..... تمرين
- ٩ ..... ١٣. اعراب الفعل (١)  
 ٩ ..... أن الناصبة المصدرية  
 ٩ ..... يادأورى  
 ٩ ..... تحليل  
 ٩ ..... پژوهش  
 ٩ ..... تمرين
- ٩ ..... ١٤. اعراب الفعل (٢)  
 ٩ ..... الادوات الشرطية الجازمة  
 ٩ ..... و هى على اقسام؛ منها



مركز بحوث و دراسات في العلوم الإسلامية

- ..... ۹ تحلیل
- ..... ۹ پژوهش
- ..... ۹ تمرین
- ..... ۹ ۱۵۔ اعراب الفعل (۳)
- ..... ۹ مواضع اقتران الجواب بالفاء
- ..... ۹ تحلیل
- ..... ۹ تمرین
- ..... ۹ ارکان
- ..... ۹ چکیدہ مباحث ارکان
- ..... ۹ ۱۶۔ اعراب فاعل
- ..... ۹ یادآوری
- ..... ۹ رتبه الفاعل
- ..... ۹ انواع العامل
- ..... ۹ پژوهش
- ..... ۹ تمرین
- ..... ۹ ۱۷۔ الاشياء التي تنوب عن الفاعل
- ..... ۹ پژوهش
- ..... ۹ تمرین
- ..... ۹ ۱۸۔ الجملة الاسمية
- ..... ۹ اقسام الخبر و احكامها
- ..... ۹ یادآوری
- ..... ۹ تحلیل
- ..... ۹ پژوهش
- ..... ۹ تمرین
- ..... ۹ ۱۹۔ مسوغات الابتداء بالنكرة
- ..... ۹ یادآوری
- ..... ۹ و من مسوغاته
- ..... ۹ پژوهش
- ..... ۹ تمرین
- ..... ۹ ۲۰۔ احكام المبتدء و الخبر
- ..... ۹ مرتبة المبتدء و الخبر
- ..... ۹ تحلیل
- ..... ۹ پژوهش
- ..... ۹ تمرین



مرکز تحقیقات و تعلیمات اسلامی

٢١. الحروف المشبهة بالفعل (١).....

يادأورى.....

أن.....

يجب فتح همزة «ان» فى مسائل.....

تحليل.....

پڑوہش.....

تمرین.....

٢٢. الحروف المشبهة بالفعل (٢).....

مواضع كسر همزه إن:.....

يجب الكسر فى مسائل:.....

تحليل.....

تمرین.....

٢٣. تخفيف الحروف المشبهة بالفعل (إن و أن).....

«ان» المخففة.....

تحليل.....

أن المخففة.....

لكن المخففة.....

تمرین.....

٢٤. لا النافية للجنس.....

يادأورى.....

اعراب اسم «لا».....

تطبيق مباحث مربوط به تركيب لانغى جشش بر امثله.....

تمرین.....

٢٥. الافعال الناقصة (١).....

يادأورى.....

الافعال الناقصة.....

تحليل.....

تمرین.....

٢٦. الافعال الناقصة (٢).....

الافعال الناقصة؛ متصرفة و غير متصرفة.....

تحليل.....

تمرین.....

٢٧. افعال المقاربة.....

احكام افعال المقاربة.....

تحليل.....



پنجاب حکومتی تعلیمی ادارے

۹	پژوهش
۹	تمرین
۹	۲۸. ادوات النفی (المشبهة بلیس)
۹	یادآوری
۹	ان المشبهة بلیس
۹	تحلیل
۹	پژوهش
۹	تمرین
۹	قیود
۹	چکیده مباحث قیود
۹	تذکر
۹	۲۹. المفعول به (۱)
۹	یادآوری
۹	العامل فی المفعول به
۹	مرتبة المفعول به
۹	پژوهش
۹	تمرین
۹	۳۰. المفعول به (۲)
۹	اصناف الفعل
۹	تحلیل
۹	افعال القلوب
۹	تمرین
۹	۳۱. افعال القلوب
۹	تعليق افعال القلوب:
۹	تحلیل
۹	پژوهش
۹	تمرین
۹	۳۲. الاشتغال
۹	تمرین
۹	۳۳. المنادی
۹	احرف النداء:
۹	اعراب المنادی:
۹	تمرین



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

٣٤. المندوب .....  
 تمرين.....
٣٥. المفعول المطلق.....  
 العامل في المفعول المطلق.....  
 النيابة عن المصدر.....  
 تحليل.....  
 تمرين.....
٣٦. المفعولُ فيه.....  
 يادأورى.....  
 ما ينصب على الظرفية من اسماء المكان.....  
 اقسام الظرف.....  
 تمرين.....
٣٧. المفعولُ له.....  
 يادأورى.....  
 شرايط نصب المفعولُ له.....  
 يشترط في المفعولُ له:  
 احكام المفعولُ له.....  
 تحليل.....  
 تمرين.....
٣٨. المفعولُ معه.....  
 تحليل.....  
 تمرين.....
٣٩. الحال (١).....  
 يادأورى.....  
 احكام الحال.....  
 للحال احكام.....  
 و تقع جامدة في مسائل.....  
 تحليل.....  
 پژوهش.....  
 تمرين.....
٤٠. الحال (٢).....  
 تعريف ذى الحال و تنكيره.....  
 رتبة الحال:  
 پژوهش.....  
 تمرين.....



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های آموزشی

۹	..... ۴۱. الحال (۳)
۹	..... الجملة الحالية
۹	..... يشترط في الجملة الواقعة حالاً
۹	..... الرابطة في الجملة الحالية
۹	..... پژوهش
۹	..... تمرین
۹	..... ۴۲. التمييز (۱)
۹	..... یادآوری
۹	..... اقسام التمييز الميّن للذات
۹	..... التمييز الميّن للذات على اقسام:
۹	..... تحليل
۹	..... پژوهش
۹	..... تمرین
۹	..... ۴۳. التمييز (۲)
۹	..... اقسام التمييز المفسر ابهام النسبة
۹	..... ان التمييز المفسر ابهام النسبة يكون:
۹	..... تحليل
۹	..... تمرین
۹	..... ۴۴. الاستثناء (۱)
۹	..... تعريف الاستثناء
۹	..... تحليل
۹	..... حکم اعراب المستثنا في الاستثناء المتصل
۹	..... پژوهش
۹	..... تمرین
۹	..... ۴۵. الاستثناء (۲)
۹	..... الاستثناء المنقطع
۹	..... اعراب المستثنا في المنقطع
۹	..... تمرین
۹	..... ۴۶. الاستثناء (۳)
۹	..... الاستثناء المفرغ
۹	..... تحليل
۹	..... تمرین
۹	..... ۴۷. الجار و المجرور (۱)
۹	..... یادآوری
۹	..... معاني حروف الجر



انتمایکلیتوریج اسلامی

۱. اللام ..... ۹
۲. عن ..... ۹
۳. الكاف ..... ۹
۴. حتى ..... ۹
- تمرین ..... ۹
۴۸. الجار و المجرور (۲) ..... ۹
- اقسام حروف الجر ..... ۹
- پڑوہش ..... ۹
- تمرین ..... ۹
۴۹. الجار و المجرور (۳) ..... ۹
- اعراب المجرور بحرف الجر الزائد ..... ۹
- حذف المتعلق ..... ۹
- تحلیل ..... ۹
- پڑوہش ..... ۹
- تمرین ..... ۹
۵۰. الاضافة (۱) ..... ۹
- یادآوری ..... ۹
- الاضافة ..... ۹
- پڑوہش ..... ۹
- تمرین ..... ۹
۵۱. الاضافة (۲) ..... ۹
- تقسیم الاسم من ناحية وقوعه مضافاً و عذم وقوعه: ..... ۹
- تقدير المضاف اليه ..... ۹
- تمرین ..... ۹
- توابع ..... ۹
- «چکیدہ مباحث توابع» ..... ۹
- تذکر ..... ۹
۵۲. النعت ..... ۹
- یادآوری ..... ۹
- اقسام النعت ..... ۹
- تحلیل ..... ۹
- تمرین ..... ۹
۵۳. التأكيد ..... ۹
- یادآوری ..... ۹
- تبصرہ ..... ۹



وزارت تعلیم و تربیت  
حکومت سندھ

۹	الفاظ التأكيد المعنوی.....
۹	للتأكيد المعنوی سبعة الفاظ.....
۹	تمرین.....
۹	۵۴. البديل.....
۹	یادآوری.....
۹	اقسام البديل.....
۹	تحليل.....
۹	حكم البديل من حيث التعريف و التنكير:.....
۹	تمرین.....
۹	۵۵. عطف البيان.....
۹	تحليل.....
۹	تمرین.....
۹	۵۶. عطف النسق (۱).....
۹	یادآوری.....
۹	عطف النسق.....
۹	تمرین.....
۹	۵۷. عطف النسق (۲).....
۹	حروف العطف: «لا»، «لكن».....
۹	تحليل.....
۹	تمرین.....
۹	۵۸. عطف النسق (۳).....
۹	العطف على الضمير المتصل المرفوع.....
۹	العطف على الضمير المجرور.....
۹	تمرین.....
۹	مفردات و جعل.....
۹	۵۹. حروف العامل و غير العامل.....
۹	یادآوری.....
۹	انواع الحروف.....
۹	تحليل.....
۹	تبصره.....
۹	پژوهش.....
۹	تمرین.....
۹	۶۰. الحروف غير العامل (۱).....
۹	تمرین.....



مرکز تحقیقات و پژوهش در علوم اسلامی



- ٩ ..... ٦١. الحروف غير العامل (٢) .....  
 ٩ ..... لولا  
 ٩ ..... لولا على وجوه منها:  
 ٩ ..... تحليل  
 ٩ ..... پژوهش  
 ٩ ..... تمرين
- ٩ ..... ٦٢. الحروف غير العامل (٣) .....  
 ٩ ..... تحليل  
 ٩ ..... تبصره  
 ٩ ..... تمرين
- ٩ ..... ٦٣. الحروف غير العامل (٤) .....  
 ٩ ..... لا الزائدة  
 ٩ ..... تأتي «لا»  
 ٩ ..... تحليل  
 ٩ ..... تمرين
- ٩ ..... ٦٤. المفردات (١) .....  
 ٩ ..... كم الاستفهامية  
 ٩ ..... اعراب كم  
 ٩ ..... تمرين
- ٩ ..... ٦٥. المفردات (٢) .....  
 ٩ ..... تمرين
- ٩ ..... ٦٦. اذا الشرطية .....  
 ٩ ..... احكام اذا الشرطية  
 ٩ ..... تمرين
- ٩ ..... ٦٧. اعراب الجمل (١) .....  
 ٩ ..... الجمل التي لها محل من الاعراب  
 ٩ ..... من هذه الجمل  
 ٩ ..... تمرين
- ٩ ..... ٦٨. اعراب الجمل (٢) .....  
 ٩ ..... الجمل التي ليس لها محل من الاعراب:  
 ٩ ..... نكاتى دربارہ موارد فوق  
 ٩ ..... تمرين



مرکز تحقیقات و پژوهش زبان و ادبیات فارسی

## مقدمه

بدون تردید، یکی از مهم‌ترین ابزار لازم برای درک و شناخت عمیق معارف اسلامی و متون دینی، «آشنایی با مباحث ادبی» است. در این راستا «علم نحو» که به بررسی ساختار جمله و اجزای آن می‌پردازد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

علمی که به ابتکار امیرالمؤمنین علی علیه السلام پایه‌ریزی شد و در طول زمان اندیشمندان بزرگ، در توسعه و تبیین آن تلاش‌های ارزنده‌ای کرده‌اند و هرکدام در جایگاه خود در خور استفاده است. «شکر الله مساعیهم و جزاهم خیر الجزاء».

با عنایت به جایگاه ادبیات عربی در بدنه علوم اسلامی و فهم متون، به‌طور طبیعی، بخشی از برنامه‌ریزی آموزشی اختصاص به دروس صرف و نحو دارد. در این راستا، از استاد محترم، جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای محمودرضا عصار (زید عزه) که از استادان با تجربه و مسلط به مباحث ادبی است، درخواست شد تا بر اساس سرفصل‌های مربوط و واحد اختصاص یافته به آن، نسبت به تدوین نحو ۲، اقدام کند، بدین‌وسیله از زحمات ارزشمند ایشان تقدیر و سپاس‌گزاری می‌کنیم.

امید است با تدبیر استادان محترم و تلاش دانش‌پژوهان، این اثر، زمینه مناسبی برای رشد علمی طلاب فراهم.

از ویژگی‌های این کتاب، بهره‌گیری از منابع ارزشمند ادبی است تا محصلان با متون کهن نیز آشنا شوند. بخش تحلیل مباحث و پژوهش به‌منظور تقویت فعالیت ذهنی دانش‌پژوهان تنظیم شده است.

ستون یادآوری، مباحثی است که در نحو۱ به طور گسترده از آن بحث شده است و مرور آن پیش از شروع درس جدید، ضروری است.

لازم به یادآوری است که مسئولیت تألیف کتاب با استاد محترم، حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای محمود رضا عصارى (زید عزه) بوده است، اما در طی چند مرحله تدریس، از دیدگاه‌های اصلاحی و تکمیلی استادان محترم نیز استفاده شده است که از همه آنها، به ویژه استاد محترم جناب حجة الاسلام و المسلمین هادی کاتبی (زید عزه) قدردانی می‌شود.

انتظار می‌رود استادان محترم، دیدگاه‌های اصلاحی و پیشنهادی خود را در جهت تکمیل این اثر، به گروه علمی تربیتی زبان و ادبیات عربی مدرسه عالی امام خمینی (ره)، ارائه کنند.

سید حمید جزایری

مدیر گروه علمی تربیتی زبان و ادبیات عربی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## كليات

- ☑ شأن هذا العلم
- ☑ الكلام و الجملة
- ☑ اقسام الجملة (خبرية و انشائية)
- ☑ انقسام الاسم (الاسم معرفة و نكرة)
- ☑ اعراب و بناء
- ☑ علامات الاعراب (اصلية و فرعية)
- ☑ باب ما لا ينصرف *مركز تحقيقات كميوتير علوم اسلامی*
- ☑ الاسماء الستة
- ☑ اعراب الفعل
- ☑ ادوات الشرط الجازمة
- ☑ مواضع اقتران الجواب بالفاء



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## شأن هذا العلم

النحو دعامة العلوم العربية و قانونها الاعلى ولن تجد علماً منها يستقل بنفسه عن النحو او يستغني عن معونته. هذه العلوم النقلية (على عظيم شأنها) لاسبيل الى استخلاص حقايقها بغير هذا العلم الخطير، فهل ندرك كلام الله تعالى و نفهم دقائق التفسير و احاديث الرسول ﷺ و اصول العقائد و ادلة الاحكام و غيرها الا بالهام النحو و ارشاده؟ ولذا قالوا: «إن الائمة من السلف و الخلف اجمعوا قاطبة على انه شرط في رتبة الاجتهاد و ان المجتهد لو جمع كل العلوم لم يبلغ رتبة الاجتهاد حتى يعلم النحو»<sup>۱</sup>

مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

غايته

غايته الاستعانة على فهم كلام الله و رسوله و الاحتراز عن الخطأ في الكلام.<sup>۲</sup>

تحليل

با دقت در مطالب بالا، می توان دریافت که علم نحو در دو محور کاربرد دارد:

اول: فهم مقاصد دیگران.

دوم: نگارش یا بیان جمله یا جملات درست.

۱. رک: عباس حسن، النحو الوافي، ج ۱، ص ۱.

۲. رک: صبان، حاشية الصبان، ج ۱، الجزء الاول، ص ۱۵.

### پژوهش

آیا می‌دانید که این دو محور، چگونه از عبارات بالا فهمیده می‌شود؟

### تمرین

از علم نحو، چگونه در فهم معنای عبارات زیر، استفاده می‌کنید؟

۱. ﴿جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ﴾<sup>۱</sup>.
۲. ﴿أَبْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ﴾<sup>۲</sup>.
۳. ﴿أَنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾.



مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

---

۱. انعام، آیه ۶۱.

۲. بقره، آیه ۱۲۴.

## الكلام و الجملة

### یادآوری

۱. به الفاظی مانند «زید»، «ضرب» و «فی» کلمه گفته می‌شود که برای رساندن معنایی وضع شده است.
  ۲. کلمه بر سه قسم است: اسم و فعل و حرف. اسم و فعل بر معنای جداگانه‌ای دلالت دارند، ولی حرف بر معنای غیرمستقل دلالت می‌کند.
  ۳. جمله آن است که معنایی مانند اخبار از چیزی یا بیان احساس یا خواسته‌ای را می‌رساند، مانند: «ذهب زید» و «إضرب».
  ۴. جمله بر دو قسم است: اسمیه و فعلیه. جمله اسمیه آن است که اولین رکن آن اسم باشد و جمله فعلیه آن است که اولین رکن آن فعل باشد، مانند: «ما زید قائماً»، «ایاک نعبد».
- الكلام هو القول المفید بالقصد و الجملة عبارة عن الفعل و فاعله «كقمام زید» و المبتدء و خبره «كزید قائم» و نحوهما و بهذا يظهر لك انهما ليسا مترادفين و ان الجملة اعم من الكلام.
- و بعبارة اخرى الفرق بين الجملة و الكلام ان الجملة ما تضمن الاسناد سواء كانت مقصودة مستقلاً أو لا الكلام كان مقصوداً مستقلاً فكل كلام جملة و لا ینعكس فصلة الموصول كانت جملة و ليست كلاماً!



### پژوهش

۱. با مراجعه به آموخته‌های خود، جملاتی مانند صلهٔ موصول را که به آنها کلام گفته نمی‌شود، ذکر کنید.
۲. به این‌گونه جملات، جملات غیرمستقل نیز می‌گویند آیا می‌دانید چرا؟

### تمرین

در عبارات زیر، کلام و جمله غیرمستقل را تعیین کنید؟

۱. ﴿لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ﴾<sup>۱</sup>.
۲. ﴿وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ﴾<sup>۲</sup>.
۳. ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا﴾<sup>۳</sup>.
۴. ﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ﴾<sup>۴</sup>.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱. نساء، آیه ۴۳.

۲. انفال، آیه ۲۶.

۳. فرقان، آیه ۵۱.

۴. روم، آیه ۴۸.

### اقسام الجملة: خبریة و انشائية

انقسم الجملة الى نوعين: خبر و انشاء و ضابط ذلك أنه إما ان يحتمل التصديق و التكذيب أولاً فان احتملها فهو الخبر نحو «قام زيد» و الأ فهو الانشاء و الانشاء إما طلب نحو «إضرب» و «لا تضرب» و «هل جاءك زيد» و إما غير طلب كقولك لعبدك «انت حر» و قولك لمن اوجب لك النكاح: «قبلت هذا النكاح».



#### تحليل

با دقت در مطالب بالا و تطبیق بر مثال‌ها، می‌توانید تعریفی دقیق‌تر برای جملات خبریه و انشائیه دریابید. جمله خبریه، جمله‌ای است که به قصد خبردادن از چیزی بیان شده است، مانند «قام زيد» که از ایستادن زيد خبر می‌دهد و جمله انشائیه، جمله‌ای است که گوینده به وسیله آن معنایی را ابراز و اظهار می‌کند و به قصد حکایت از چیزی نیاورده است، مانند «اضرب» که در آن گوینده طلب خود را از مخاطب اظهار کرده است. آیا می‌دانید چرا این تعریف دقیق‌تر است؟

#### پژوهش

چگونه می‌توان دریافت که جمله اسمیه‌ای همچون «انت حر» انشاء است نه اخبار؟

### تمرین

جملات زیر را از جهت خبر یا انشاء بودن تحلیل کنید:

۱. ﴿إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا﴾<sup>۱</sup>.
۲. ﴿إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ﴾<sup>۲</sup>.
۳. ﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ﴾<sup>۳</sup>.
۴. عجبت لمن يقنط و معه الاستغفار.<sup>۴</sup>



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. آل عمران، آیه ۱۹۳.

۲. اعراف، آیه ۲۰۶.

۳. انفال، آیه ۲۴.

۴. عبدالواحد آمدی تمیمی، غررالحکم، ص ۵۵۳.

### انقسام للاسم: الاسم معرفة و نكرة (۱)

المعرفة اسم يدل على شيء واحد معين و النكرة بخلافها و المعارف هي الضمير مثل انا و العلم مثل محمد و اسم الاشارة مثل هذا و اسم الموصول مثل الذي و المعرّف بال في مثل الكتاب و القلم و المضاف الي معرفة مثل «بيتك» فالضمير اسم جامد يدلّ على متكلّم او مخاطب او غائب فالمتكلّم مثل انا، نحن، والتاء، و الياء و نا و المخاطب مثل «انت» و «الكاف» و فروعهما و الغائب مثل هو و الهاء و فروعهما و اسم الاشارة اسم يعين مدلوله تعييناً مقروناً بإشارة حسيّة اليه كأن ترى عصفوراً و انت تشير اليه «هذا عصفور» و الغالب ان يكون المشار اليه شيئاً محسوساً كالمثال السابق و قد يكون شيئاً معنوياً كان تتحدث عن مسئلة و تقول «هذه مسئلة تطلب التفكير» و من اسماء الاشارات «هنا» و «ههنا» للمكان القريب و «هناك» للمتوسط و «هنالك» و ثمّ للبعيد و سيأتي توضيح غيرهما من المعارف.

#### پژوهش

آيا می دانید که مقصود از مرجع یا مفسر ضمیر چیست؟

۱. با توجه به این که در برخی از مباحث نحو مانند: مبتدا و خبر، نعت، حال، ... احکام اسم معرفه و نکره متفاوت است بنابراین لازم است تا با تقسیم بندی اسم به معرفه و نکره و اقسام معرفه آشنا شویم.

تمرین

جملات زیر را ترکیب کرده، اسمای معرفه را تعیین و توضیح دهید؟

۱. ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ﴾<sup>۱</sup>

۲. ﴿وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾<sup>۲</sup>

۳. ﴿فَذَانِكَ بُرْهَانٍ مِّنْ رَبِّكَ﴾<sup>۳</sup>

۴. ﴿هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ﴾<sup>۴</sup>



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱. نحل، آیه ۱۰۷.

۲. عنکبوت، آیه ۵۹.

۳. قصص، آیه ۳۲.

۴. آل عمران، آیه ۳۸.

## الاسم معرفة و نكرة (٢)

### المعرّف بال التعريف

المعرّف بال التعريف: و هو كلمة كانت في اول امرها نكرة ثم صارت بعد ذلك معرفة بسبب دخول «أل» عليها ثم، ال نوعان عهدية و جنسية فالعهدية يشار بها الى معهود ذهني او ذكرى او حضوري فالاول كقولك «جاء القاضي» اذا كان بينك و بين مخاطبك عهد في قاض «خاص» و الثاني كقوله تعالى: ﴿فِيهَا مَصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي رُجَاةٍ﴾<sup>١</sup> و الثالث كقوله تعالى: ﴿أَضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ﴾<sup>٢</sup> و الجنسية قسمان لأنها اما ان تكون استغرافية او مشاراً بها الى نفس الحقيقة فالاول كقوله تعالى: ﴿وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾<sup>٣</sup> اي كل فرد من افراد الانسان و الثاني نحو ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا﴾<sup>٤</sup> اي من هذه الحقيقة.<sup>٢</sup>

### پژوهش

آيا «الحسن»، «المدينة» (شهر معروف در عربستان) معرّف به أل است؟ چرا؟

١. النور، آية ٣٥.

٢. شعراء، آية ٦٣.

٣. النساء، آية ٢٨.

٤. ابن هشام، شذور الذهب، ص ٧٩.

### تمرین

جملات زیر را ترکیب کنید و نوع «أل» را در آنها تحلیل کنید؟

۱. ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ﴾<sup>۱</sup>.
۲. ﴿وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ﴾<sup>۲</sup>.
۳. ﴿أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا \* فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ﴾<sup>۳</sup>.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

---

۱. العصر، آیه ۲.

۲. یوسف، آیه ۱۳.

۳. مزمل، آیه ۱۵ و ۱۶.

### الاسم معرفة و نكرة (٣)

#### الاسماء الموصولة

الاسم الموصول ما يدل على معين بواسطة جملة تذكر بعده و تسمى هذه الجملة صلة الموصول نحو: «رأيت الذي صلى قاعداً» والاسماء الموصولة قسمان: خاصة و مشتركة. الاسماء الموصولة الخاصة هي التي تفرد و تثني و تجمع و تذكر و توث حسب مقتضي الكلام نحو: الذي للمفرد المذكر و «التي» للمفردة الموثثة و... و الاسماء الموصولة المشتركة هي التي يلفظ واحد للجمع فيشترك فيها المفرد المثنى و الجمع و المذكر و الموثث نحو «مَنْ» للعاقل و «ما» لغيره.<sup>١</sup>

#### تحليل

١. «صلة»، جملة توضيح دهندة موصول است و مانند همه جملات توضیح دهندة، محتاج يك رابط است كه بين صله و موصول ارتباط برقرار كند. همان طور كه جمله «خبر»، «نعت» و «حال» نیز محتاج رابط هستند.
- رابط در «صلة» ضمیری است كه به موصول بر می گردد.
٢. همان طور كه خبر، نعت و حال می توانند شبه جمله، یعنی ظرف یا جار و مجرور باشند، در صله نیز چنین است كه متعلق به افعال عموم است؛ مانند: «جاء الذي في الدار».

١. مصطفی غلایینی، جامع الدروس، ج ١، ص ١٢٠ - ١٣٢.



تمرین

جملات زیر را ترکیب کنید و معارف موجود در آنها را تحلیل کنید.

۱. ﴿وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾<sup>۱</sup>.

۲. ﴿لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا

يُنْفِقُونَ حَرَجٌ﴾<sup>۲</sup>.

۳. ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً

يَرْجُونَ تَجْرَةً لِنُفُسِهِمْ﴾<sup>۳</sup>.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. آل عمران، آیه ۲۹.

۲. توبه، آیه ۹۱.

۳. فاطر، آیه ۲۹.

## الاسم معرفة و نكرة (٤)

### العلم و المضاف لمعرفة

اسم العلم هو ما يختص بواحد دون غيره من بين افراد الجنس نحو: «ابراهيم، عبدالله» و المضاف لمعرفة و هو خاتمة المعارف «كلامي» و «غلام زيد».<sup>١</sup>

### تحليل

١. فرق عَلم با بقیه معارف در این است که بقیه معارف، به کمک قرائنی مثل (ال) یا صله یا اشاره حسنی دلالت بر معین می کنند، به خلاف عَلم.
  ٢. ترکیب اضافی بدین دلیل باعث معرفه شدن مضاف می شود که مضاف با تعلق به مضاف الیه، نوعی تعیین پیدا می کند. همان طور که در ترکیب «غلام زيد»، اسم نکره «غلام» با تعلق به «زيد» معین شده و معرفه است.
- بنابراین، در ترکیب هایی چون «غير زيد» و «مثل عمرو» که تعلق مضاف به مضاف الیه هیچ گونه تعیینی ایجاد نمی کند، مضاف نیز معرفه نمی شود.

### تمرین

جملات زیر را ترکیب کرده، و معارف آنها را تحلیل کنید:

١. ﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ﴾.<sup>٢</sup>

١. ر.ک: حاشية الصبان، ج ١، جزء ١، ص ١٢٧؛ شذور الذهب، ص ١٨٥.

٢. آل عمران، آیه ١٧٥.

۲. ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ﴾<sup>۱</sup>
۳. ﴿نَعْمَلَنَّ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ﴾<sup>۲</sup>
۴. ﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾<sup>۳</sup>



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

۱. ہود، آیت ۲۳.

۲. فاطر، آیت ۳۷.

۳. سجدہ، آیت ۲۵.

## الاعراب و البناء

### یادآوری

۱. معرب کلمه‌ای است که آخر آن در نقش‌های مختلف، مانند فاعل بودن یا مفعول بودن یا غیر آنها تغییر کند و مبنی آن است که آخر آن بدون تغییر باقی بماند.

۲. کلمات مبنی عبارتند از:

حروف، افعال ماضی و امر مخاطب معلوم، صیغه‌های ۶ و ۱۲ مضارع، ضمائر، اسمای اشاره، اسمای شرط، اسمای استفهام، اسمای موصول.

برخی از اسمای متفرقه، مانند «اذ»، «حیث»، اسم «لا»ی نفی جنس، مثل: «لارجل فی الدار»، منادا، مثل: «یا زید».

۳. مبنیات در صورتی که در جمله نقشی داشته باشند، دارای اعراب محلی اند.

الاعراب هو تغییر العلامة التي في آخر اللفظ بسبب تغير العوامل الداخلة عليه و فائدته انه رمز الى معنى معين كالفاعلية و المفعولية و غيرهما و المعرب هو اللفظ الذي يدخله الاعراب ؛

و البناء هو لزوم آخر اللفظ علامة واحدة في كل احواله و المبنی هو اللفظ الذي دخله البناء.

### الاعراب التقديری

الاعراب التقديری علامة اعرابية لا تظهر على الحرف الاخير من اللفظ المعرب بسبب ان ذلك الحرف الاخير حرف علة لا تظهر عليه الحركة الاعرابية كالألف في مثل «ان الهدى هدى الله».

## مواضع الاعراب التقديری

۱. تقدّر الحركات الثلاث اي الضمة و الفتحة و الكسرة على آخر اسم المقصور مثل المصطفى.
۲. تقدّر الحركات الثلاث على آخر الاسم المضاف لياء المتكلم مثل هذا كتابي.
۳. تقدّر الضمة و الكسرة على آخر الاسم المنقوص مثل القاضي.
۴. تقدّر الضمة و الفتحة على آخر الفعل المعتل بالألف مثل لن يخشي.
۵. تقدّر الضمة على آخر الفعل المعتل بالواو أو الياء، مثل: يدعو و يرمي<sup>۱</sup>.

## تحليل

۱. از مطالب بالا درمی یابیم که علت تقدیر حرکات اعراب آن است که حرف آخر کلمه، حرکت نمی پذیرد. بنابراین می توان گفت: همان طور که اعراب تقدیری در کلمات وجود دارد، «بناء تقدیری» نیز وجود دارد.

به مثال «لافتی فی الدار» توجه کنید. اسم لای نفی جنس مبنی بر فتح است و چون «الف» در آخر کلمه «فتی» حرکت نمی پذیرد، حرکت فتحه بنائی را در حرف «الف» فرض یا تقدیر می گیرند.

۲. به مثال های «لن ترضی» و «لافتی» توجه کنید. کلمه «ترضی» معرب و کلمه «فتی» مبنی است و حرکات تقریری دارند (چرا؟). برای تشخیص نوع حرکت تقدیری (ضمه، فتحه یا کسره) از «قیاس» کمک می گیرند؛ یعنی در نظر می گیرند که اگر به جای کلمه «ترضی» فعل «تضرب» و به جای «فتی» کلمه «رجل» بود، چه حرکتی را قبول می کردند؛ آن گاه همان حرکت را برای فعل «ترضی» یا اسم «فتی» در تقدیر می گیرند؛ آیا می توانید این مطلب را در ترکیب «یا هدی» عملی کنید؟

## تمرین

جملات زیر را ترکیب کنید و بناء و اعراب و بناء تقدیری کلمات را تحلیل کنید:

۱. ﴿أَضْرِبْ بَعْضَكَ الْحَجَرَ﴾<sup>۲</sup>.

۱. النحو الوافی، ج ۱، ص ۶۹، ۸۰ و ۱۷۹.

۲. البقره، آیه ۶۰.

٢. ﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>١</sup>.
٣. ﴿أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى﴾<sup>٢</sup>.
٤. ﴿يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ﴾<sup>٣</sup>.
٥. ﴿ثُمَّ كَانَ عِلْقَةً فَمَخْلَقًا فَسَوَىٰ \* فجعل منه الزوجين الذكور والأُنثى \* أليس ذلك بقدرٍ علىٰ أن يُحْيِيَ التُّوتَى﴾<sup>٤</sup>.



مركز تحقيقات کتب و پژوهش‌های اسلامی

---

١. الانعام، آیه ١٦٢.
٢. البقره، آیه ٥.
٣. طه، آیه ١٠٨.
٤. قیامة، آیه ٣٨ تا ٤٠.

## علامات الاعراب: اصلية و فرعية

انواع الاعراب اربعة رفع و نصب و جرّ و جزم و الاصل في هذه الانواع الاربعة ان يُدلّ على رفعها بالضمة و على نصبها بالفتحة و على جرّها بالكسرة و على جزمها بالسكون تسمى بالعلامات الاصلية و خرج عن هذا الاصل ابواب:

الاول: المثنى كالزيدان و الهندان فانه يرفع بالالف و يجرّ و ينصب بالياء المفتوح ما قبلها نحو «جاء الزيدان» و «رأيت الزيدين» و «مررت بالزيدين»؛

الثاني: جمع المذكر السالم كالزيدون فانه يرفع بالواو و يجرّ و ينصب بالياء المكسور ما قبلها نحو «جاء الزيدون» و «رأيت الزيدون» و «مررت بالزيدون»؛

الثالث: ما جمع بالف و تاء مزيدتين كهندات فانه ينصب بالكسرة نحو «خلق الله السموات»؛  
الرابع: الافعال الخمسة و هي كل فعل مضارع اتصل به الف الاثني او واو الجماعة او ياء المخاطبة فاتها ترفع بثبوت النون نيابة عن الضمة و تنصب و تجزم بحذفها نيابة عن الفتحة و السكون نحو «وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ»<sup>١</sup> و «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا»<sup>٢</sup>.

الخامس: الفعل المعتل الاخر كـ «يغزو» و «يخشي» و «يرمي» فانه يجزم بحذف الحرف الاخير؛

السادس: باب مالا ينصرف و سيأتي ذكره؛

السابع: الاسماء الستة و سيأتي ذكرها.<sup>٣</sup>

١. البقرة، آية ٨٤.

٢. البقرة، آية ٢٤.

٣. ر.ك: شذور الذهب، بحث «خرج عن الاصل في الاعراب...».

### پژوهش

آنچه در بحث اعراب تقدیری گذشت، مربوط به حرکات تقدیری بود. آیا می‌توانید بحث اعراب تقدیری را به افعال خمسه و غیر آن‌که به وسیله حرکت، اعراب نمی‌گیرند توسعه دهید؟

### تمرین

اعراب کلماتی که در زیر آنها خط کشیده شده تحلیل کنید؟

۱. ﴿وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾<sup>۱</sup>
۲. ﴿وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ﴾<sup>۲</sup>
۳. ﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ﴾<sup>۳</sup>
۴. ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾<sup>۴</sup>



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

۱. الاعراف، آیه ۹۵.

۲. القصص، آیه ۷۷.

۳. آل عمران، آیه ۱۳.

۴. البقره، آیه ۱۸۸.



### باب ما لا ينصرف (١)

الاسم المعرب على نوعين: نوع يستوفي حركات الاعراب و التثوين «كزيد» و «رجل» و يسمى المنصرف و نوع يختزل عنه التثوين و يحرك بالفتح في موضع الجر فلا يستوفي حركات الاعراب كلها كـ «زكرياء» و يسمى غير المنصرف. يقال جاء زكرياء، رأيت زكرياء، مررت بزكرياء ثم اقتصر النحاة على وضع علامات مضبوطة تميز الاسم غير المنصرف فمن الاسم المعرب نوع يمنع صرفه حين توجد فيه علامة واحدة و نوع يمنع صرفه بشرط أن توجد فيه علامتان معاً.

و اليك النوع الاول أي الذي يمنع صرفه لوجود علامة واحدة و هو قسمان:

١. ما يكون مشتملاً على الف التانيث المقصورة أو الممدودة نحو «ذكري» و «زكرياء».

٢. ما يكون على وزن صيغة منتهي الجموع و هي كل جمع تكسير بعد الف تكسيره حرفان او ثلاثة أحرف بشرط أن يكون اوسط هذه الثلاثة حرفاً ساكناً نحو معابد و احاديث.<sup>١</sup>

### پژوهش

آيا كلمات «ماء» و «اشياء» غير منصرفند؟ چرا؟

١. ر.ك: عباس حسن، النحو الوافي، ج ٤، ص ١٩٤ الى ١٩٨ و زمخشرى، المفصل لى صنعة الاعراب، ص ٢١.

### تمرین

جملات زیر را ترکیب کرده، اعراب کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده است را تحلیل کنید:

۱. ﴿وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup>.

۲. ﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ﴾<sup>۲</sup>.

۳. ﴿يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ﴾<sup>۳</sup>.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

---

۱. هود، آیه ۱۲۰.

۲. توبه، آیه ۲۵.

۳. البقره، ۶۹.

## باب مالا ينصرف (٢)

هذا النوع الثاني من الباب اي الذي يمنع صرفه لوجود علتين معاً و منه ما يمنع للعلمية مع:

١. التانيث نحو فاطمة و حمزة و زينب؛
  ٢. العجمة و هذا يتحقق بشرط ان يكون رباعياً فاكثر نحو «ابراهيم» بخلاف نوح قال الله تعالى: ﴿وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ﴾<sup>١</sup> و ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا﴾<sup>٢</sup>.
  ٣. الالف و التون الزائدتين نحو: عمران و عثمان.
- تتميم: كل مالا ينصرف اذا اضيف او دخلته اللام دخلته الكسرة في حالة الجر نحو ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ﴾<sup>٣</sup> و ﴿وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسْجِدِ﴾<sup>٤</sup>.

## پژوهش

با مراجعه به قرآن كريم بنويسيد آيا اسماء ملائكه غير منصرفند؟ دليل خود را بيان كنيد.

١. النساء، آية ١٢٥.

٢. نوح، آية ١.

٣. رك: عباس حسن، النحو الوافي، ج ٤، ص ٢٢٥ و ٢٣٠؛ كتاب الهداية، ص ٤٢.

٤. الواقعة، آية ٧٥.

٥. البقرة، آية ١٨٧.

### تمرین

در عبارات زیر کلمات منصرف و غیر منصرف را تعیین کرده، دلیل خود را بیان کنید.

۱. ﴿فَقَدْ كَذَّبْتَ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ﴾<sup>۱</sup>
۲. ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾<sup>۱</sup>
۳. ﴿وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ ۗ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ﴾<sup>۲</sup>
۴. ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ﴾<sup>۱</sup>



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

---

۱. حج، آیه ۴۲.  
۲. معارج، آیه ۴۰.  
۳. البقره، آیه ۱۰۲.  
۴. البقره، آیه ۳۴.

## الاسماء الستة

مما خرج عن الاصل الاسماء الستة و هي «ذو» بمعنا صاحب، اب، اخ، حم، هن و فم  
 بغير ميم فانها ترفع بالواو نيابة عن الضمة و تنصب بالالف نيابة عن الفتحة و تخفض  
 بالياء نيابة عن الكسرة قال الله تعالى: ﴿رَبِّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ﴾<sup>١</sup> و ﴿كَانَ ذَا مَالٍ﴾<sup>٢</sup> و ﴿إِلَى  
 ظِلِّ ذِي تَلْتَلٍ شُعْبٍ﴾<sup>٣</sup> و شرطها ان تكون مضافة الي غير ياء المتكلم كقوله تعالى:  
 ﴿وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ﴾<sup>٤</sup> و ﴿إِن أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾<sup>٥</sup> و ﴿أَرْجِعُونَا إِلَىٰ أَبِيكُمْ﴾<sup>٦</sup>  
 ولو اضيفت هذه الاسماء الي ياء المتكلم كسرت او اخرها لمناسبة الياء و كان اعرابها  
 بحركات مقدرة قبل الياء كقوله تعالى: ﴿إِنَّ هَذَا أَخِي﴾<sup>٧</sup>.

١. الرعد، آية ٦.

٢. القلم، آية ١٤.

٣. المرسلات، آية ٣٠.

٤. القصص، آية ٢٣.

٥. يوسف، آية ٨.

٦. يوسف، آية ٨١.

٧. رك: شذور الذهب، صص ٦٧ - ٦٩.

٨. ص، آية ٢٣.

### تمرین

در عبارات زیر نوع اعراب کلمات (اصلی و نیابی) را روشن کنید:

۱. ﴿فَقَاتِلْ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ﴾<sup>۱</sup>.

۲. ﴿يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ \* وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ﴾<sup>۲</sup>.

۳. ﴿إِنَّ رَبَّنَا لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّذُنَا عِقَابٍ أَلِيمٍ﴾<sup>۳</sup>.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

---

۱. روم، آیه ۳۸.

۲. عبس، آیات ۳۴ و ۳۵.

۳. فصلت، آیه ۴۳.

## اعراب الفعل (۱)

## أن الناصبة المصدرية

## یادآوری

فعل مضارع معرب، با توجه به جایگاه آن، سه نوع اعراب در جمله می‌پذیرد:

۱. رفع: در صورتی که عامل نصب و جزم قبل از آن نباشد؛ مانند: «يَنْصُرُ».
۲. نصب: در صورتی که یکی از عوامل نصب‌دهنده، فعل مضارع قبل از آن باشد. عوامل نصب‌دهنده فعل مضارع عبارتند از: «ان، لن، كي، اذن» مثال: «إِنْ يَنْصُرُ».
۳. جزم: در صورتی که یکی از عوامل جزم‌دهنده، فعل مضارع قبل از آن باشد. عوامل جزم به دو تقسیم می‌شوند:

الف) عوامل جزم‌دهنده یک فعل: «لام امر، لای نهی، لم، لَمَّا»؛

ب) عوامل جزم‌دهنده دو فعل: «ان شرطیه و اخوات آن».

۱. انها اذا دخلت على المضارع نصبته و خلصت زمنه للاستقبال كالشأن في كل نواصبه،

نحو: «خير لك ان تقبل الحق»؛

۱. در ارتباط با هر کلمه معرب چند سوال مطرح است:

الف) چه اعرابی دارد؟

ب) علامت اعراب چه می‌باشد؟

ج) عامل اعراب کلمه چیست؟

مباحث مربوط به علامت اعراب در درس قبل بیان شد و از این درس به بعد به شناسایی عوامل اعراب و مباحث پیرامون آن پرداخته می‌شود.

۲. تقع «ان» في موضعين: احدهما: الابتداء نحو: ﴿وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ﴾<sup>۱</sup> الثاني بعد لفظ دال علي معني غير اليقين نحو: ﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا﴾<sup>۲</sup>
۳. يُضْمَرُ «ان» بعد حروف منها: اللام الجارة نحو: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ﴾<sup>۳</sup> وبعد فاء السببية العاطفة بشرط ان يستقبلها النفي او الطلب نحو: «لا يغضب العاقل فيفقد صواب الرأي» و «ادرس فتتجح»<sup>۴</sup> و «لا تسبها كل البسط فتقور ملوماً مخذولاً».

### تحليل

با دقت در مثال‌های مربوط به فاء درمی‌یابیم که این فاء در جایی واقع می‌شود که مضمون جمله ما قبل سبب مضمون جمله ما بعد باشد. در مثال اول، «غضب عاقل» سبب «از دست دادن رأی درست» بوده و در مثال دوم، «درس خواندن مخاطب» سبب «موفقیت او» معرفی شده است.

### پژوهش

آیا می‌دانید چرا در آیه شریفه ﴿قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾<sup>۵</sup> فعل «يكون» مرفوع است؟

### تمرین

عبارات زیر را ترکیب کنید و مطالبی را که آموخته‌اید در آنها پیاده کنید:

۱. ﴿وَلَا تَطْفُوا فِيهِ فَيَجِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي﴾<sup>۶</sup>.
۲. ﴿فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ، كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ﴾<sup>۷</sup>.
۳. ﴿وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ﴾<sup>۸</sup>.

۱. النساء، آیه ۲۵.

۲. البقره، آیه ۲۱۶.

۳. النحل، آیه ۴۴.

۴. ر.ک: عباس حسن، النحو الوافی، ج ۴، ص ۲۶۶، ۳۳۱ و ۳۳۴؛ مغنی اللیب، ج ۱، ص ۴۲.

۵. آل عمران، آیه ۵۹.

۶. طه، آیه ۸۱.

۷. قصص، آیه ۱۳.

۸. بقره، آیه ۱۸۴.



## اعراب الفعل (٢)

الادوات الشرطية الجازمة

و هي على اقسام؛ منها

١. ما وضع للدلالة على مجرد تعليق الجواب على الشرط و هو حرف كـ «إن» قال الله تعالى:  
﴿وَإِنْ تَعُودُوا تَعُدُّوا﴾<sup>١</sup>

٢. ما وضع للدلالة على من يعقل ثم ضمن معنى الشرط و هو «من» نحو ﴿مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا حُجِّرْ بِهِ﴾<sup>٢</sup>

٣. ما وضع للدلالة على ما لا يعقل ثم ضمن معنى الشرط كـ «ما» نحو ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ

حَيْرٍ يَعْلَمَهُ اللَّهُ﴾<sup>٣</sup>

٤. ما وضع للدلالة على الزمان ثم ضمن معنى الشرط كـ «متى» نحو «متى تقم اقم».

٥. ما وضع للدلالة على المكان ثم ضمن معنى الشرط كـ «أين» نحو ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا

يُذَرِكُكُمْ الْمَوْتُ﴾<sup>٤</sup>

١. الانفال، آية ١٩.

٢. النساء، آية ١٢٣.

٣. البقرة، آية ١٩٧.

٤. النساء، آية ٧٨.

٥. ر.ك: شذور الذهب، ص ٣٢٩ - ٣٥١.

## تحلیل

در این تحلیل، به چگونگی ترکیب و تعیین اعراب ادوات شرط می‌پردازیم:  
 قسم اول مربوط به حروف شرط است و چون حروف نقش نمی‌گیرند، یعنی فاعل، مفعول به و ... واقع نمی‌شوند. بنابراین محلی از اعراب هم نخواهند داشت. اما اقسام دیگر همه اسم هستند و از این رو، محلی از اعراب دارند. همان‌طور که از متن بالا فهمیده می‌شود، این اسما یک معنای اصلی و یک معنای تضمینی دارند؛ یعنی ابتدا برای معانی‌ای چون عاقل، غیر عاقل، زمان یا مکان وضع شده و سپس معانی شرط پیدا کرده‌اند. بنابراین ترکیب این اسما با اسما دیگر که دلالت بر عاقل، غیر عاقل یا ... می‌کند، فرق ندارد؛ مثلاً ترکیب «مَنْ» در جمله با ترکیب کلمه «زید» که بر عاقل دلالت دارد، متفاوت نیست. پس در مثال «مَنْ قام اکرمته»، اعراب «مَنْ» مانند «زید» در مثال «زید قام» است و هر دو مبتدا هستند. به مثال‌های دیگر و تطبیق آنها بر جملات ساده توجه کنید:

۱. ما رأیتَ رأیتَهْ مانند القلمَ رأیتَ



مفعول به

۲. متى قمتَ قمتُْ مانند اليومَ قمتَ

مفعول فیه

مفعول فیه

## پژوهش

آیا می‌دانید عامل در اسما شرط چیست؟

## تمرین

جملات زیر را ترکیب کنید:

۱. ﴿أَيْنَمَا تُقِفُوا أَخِذُوا وَقْتِكُمْ نَفِيلاً﴾.

۲. ﴿وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾<sup>۱</sup>

۳. ﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا﴾<sup>۲</sup>

۴. ﴿مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ﴾<sup>۳</sup>



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

---

۱. الطلاق، آية ۱.

۲. البقرہ، آية ۱۴۸.

۳. اعراف، آية ۱۸۶.

## اعراب الفعل (٣)

مواضع اقتران الجواب بالفاء

كلّ جزء يمتنع جعله شرطاً فالفاء لازمة له.

فتدخل الفاء على الجواب ان كان جملة اسمية نحو: ﴿مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ﴾<sup>١</sup>او جملة طلبية<sup>٢</sup> نحو: ﴿إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي﴾<sup>٣</sup> و نحو: «ان مات زيد

فيرحمه الله»

او فعلاً جامداً نحو: «من يطلق لسانه يدم الناس فليس له واق من الستهم»<sup>٤</sup>او مقرونا بحرف تنفيس نحو: ﴿مَنْ يَزِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ...﴾<sup>٥</sup>

او بحرف نفي غير «لا» و «لم» ك «ما» و «لن» نحو: «ان قام زيد فما يقوم عمرو»

او ب «قد» نحو: ﴿إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ﴾<sup>٦</sup>

و هذه الفاء للربط المحض و لا تفيد الا عقد الصلة و مجرد الربط المعنوي بين جملة

الجواب و جملة الشرط.<sup>٦</sup>

١. اعراف، آية ١٨٦.

٢. تشتمل الامر و النهي و الدعا ... ر.ك: عباس حسن، النحو الوافي، ج ٤، ص ٢٢٩.

٣. آل عمران، آية ٣١.

٤. المائدة، آية ٥٤.

٥. يوسف، آية ٧٧.

٦. ر.ك: السيوطي، همع الهوامع، ج ٢، ص ٦٠؛ ر.ك: النحو الوافي، ج ٤، ص ٢٢٩.

## تحلیل

همان‌گونه که بیان شد، گاهی دخول فاء بر جواب شرط واجب است و آن در مواردی است که امکان قرار دادن جواب به عنوان شرط نباشد. بنابراین جمله اسمیه، جمله انشائیة (فعل امر، نهی و دعا) فعل جامد، فعل مقرون به حروف تنفیس و حرف نفی که نمی‌توانند شرط واقع شوند، در صورتی که جواب باشند، لازم است همراه با فاء رابط بیایند.

## تمرین

جملات زیر را ترکیب کرده، دلیل وقوع فاء ربط بر سر جمله جزء را تحلیل کنید:

۱. ﴿وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا﴾.<sup>۱</sup>
۲. ﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ يَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا﴾.<sup>۲</sup>
۳. ﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ﴾.<sup>۳</sup>
۴. ﴿فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ﴾.<sup>۴</sup>



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱. نساء، آیه ۱۷۲.

۲. «المهتد» در اصل «المهتدی» بوده که «یا»ی آن به خاطر تخفیف حذف شده است.

۳. کهف، آیه ۱۷.

۴. البقره، آیه ۲۴.

۵. آل عمران، آیه ۱۸۴.

## ارکان

### چکیدہ مباحث ارکان



(الف) جملہ فعلیہ سادہ: فعل (مسند) + فاعل یا نائب فاعل (مسندالیہ)

(ب) جملہ فعلیہ غیر سادہ: فعل ناقص (مسند) + اسم

(مسندالیہ) + خیر (قید مسند) فعل ناسخ

(الف) جملہ اسمیہ سادہ: مبتدا (مسندالیہ) + خیر

(ب) جملہ اسمیہ غیر سادہ: حرف ناسخ + اسم (مسندالیہ) + خیر (مسند).

جملات

## یادآوری

۱. به جملات فعلیه ساده، فاعل یا نائب فاعل مسندالیه می گویند.
۲. فاعل و نائب فاعل مرفوعند، عامل فاعل، فعل معلوم و عامل نائب فاعل، فعل جهول است.
۳. در صورتی ضمیر تثنیه و جمع به فعل ملحق می شود که فاعل یا نائب فاعل آن اسم ظاهر نباشد؛ مانند: «الزیدان ذهبوا» و «الزیدون ضربوا» و گفته نمی شود: «ذهبوا الزیدان» و «ضربوا الزیدون».
۴. هرگاه فاعل یا نائب فاعل اسم ظاهر و مؤنث حقیقی باشد، تأنیث فعل، واجب است و در صورتی که مؤنث مجازی باشد، تأنیث فعل جائز است؛ مانند: «ذهبت فاطمة» و «طلع (طلعت) الشمس».
۵. اگر فاعل یا نائب فاعل ضمیر بوده و به مؤنث برگردد، تأنیث فعل واجب است و فرقی بین مؤنث مجازی و حقیقی نیست؛ مانند: «فاطمة ذهبت» و «الشمس طلعت» و بنابراین «الشمس طلع» درست نیست.

من احكام الفاعل الرفع و قد یجر لفظه باضافة المصدر نحو: ﴿دَفَعُ اللهُ النَّاسَ﴾<sup>۱</sup>.

او بمن او الباء الزائدتين نحو ﴿مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ﴾<sup>۱</sup> و نحو ﴿وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا﴾<sup>۲</sup> و يقضى حينئذ بالرفع على محله.

### رتبة الفاعل

من احكامه وجوب تأخيره عن رافعه فان وجد ما ظاهره تقدم الفاعل وجب تقدير الفاعل ضميراً مستتراً كما في نحو «زيد قام».

### انواع العامل

العامل اما صريح كالفعل او مؤول بالصريح كالمصدر نحو ﴿دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ﴾<sup>۳</sup> و اسم الفاعل و الصفة المشبهة نحو «زيد قائم او كريم ابوه»<sup>۴</sup>.

### پژوهش

عبارت زیر درباره حکمی از احکام تانیث است، با درک آن، اطلاعات خود را درباره تانیث فعل بنویسید:

اذا كان الفاعل مؤنثاً حقیقیاً غیر متصل بقوله جاز ترك التاء و اثباتها نحو: «سافر او سافرت اليوم هند»<sup>۵</sup>.

### تمرین

جملات زیر را ترکیب و آموخته‌های خود را بر آنها تطبیق کنید.

۱. ﴿فَأَخْرَجْنَا بِهٖ ثُمَّ تَمَرَّتْ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا﴾<sup>۶</sup>.

۲. ﴿وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ﴾<sup>۷</sup>.

۳. ﴿سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍ﴾<sup>۸</sup>.

۱. المائدة، آیه ۱۹.

۲. النساء، آیه ۴۵.

۳. البقره، آیه ۲۵۱.

۴. ر.ک: حاشیه الصبان، ج ۱، جزء ۲، ص ۲۴ و ۲۵؛ رشید الشرتونی، مبادئ العربية، ج ۴، ص ۳۴ و ۳۵.

۵. ر.ک: مبادئ العربية، ج ۴، ص ۳۵ و ۳۶.

۶. فاطر، آیه ۲۷.

۷. انعام، آیه ۵۹.

۸. آل عمران، آیه ۱۸۱.



### الاشياء التي تنوب عن الفاعل

ان النائب عن الفاعل يكون مفعولاً و غيره و المفعول به عند المحققين مقدم في النيابة على غيره وجوباً نحو قوله تعالى: ﴿وَقَضَىٰ الْأَمْرَ﴾ و اصله «قَضَىٰ اللَّهُ الْأَمْرَ» فحذف الفاعل للعلم به و رفع المفعول به و غُيِّرَ الفعل بضم اوله و كسر ما قبل آخره فانقلبت الالف، ياءً.

فان لم يكن في الكلام مفعول به اقيم غيره امور منها:

ظرف زمان كقولك: «صيم رمضان»<sup>١</sup>

او ظرف مكان كقولك: «جلس امامك»<sup>٢</sup>

او مجرور بحرف جر كقوله تعالى: ﴿يَوْمَ يُفْعَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا﴾<sup>١</sup>

خاتمة: تجري جميع احكام الفاعل و الفعل المعلوم على نائب الفاعل و الفعل المجهول.<sup>٢</sup>

### پژوهش

با مراجعه به آموخته‌های خود، دربارهٔ احكام فاعل، به‌طور تفصیلی آنها را بر نائب فاعل تطبیق کنید.

### تمرین

عبارات زیر را ترکیب کنید و آموخته‌های خود را در آنها پیاده کنید:

١. ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ أَيْنَ مَا تُقِفُوا﴾<sup>١</sup>

١. النبأ، آیه ١٨٦.

٢. ر.ک: شذور الذهب، ص ١٨٩ - ١٩١؛ مبادئ العربية، ج ٤، ص ٢٤.

٢. ﴿فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ﴾<sup>١</sup>.
٣. ﴿وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ﴾<sup>٢</sup>.
٤. ﴿وَلَتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾<sup>٣</sup>.



مركز تحقيقات الكمبيوتر علوم إسلامي

---

١. آل عمران، آية ١١٢.
٢. شعراء، آية ٣٨.
٣. سبأ، آية ٥٤.
٤. جاثية، آية ٢٢.

## الجملة الاسمية

اقسام الخبر و احكامها

يادآوری

هیچ گونه عاملی بر جملات اسمیه ساده، وارد نمی شود. در این گونه جملات، مسند<sup>۱</sup> به را «مبتدا» و مسند را «خبر» گویند و هر دو مرفوعند؛ مانند:

«اللهُ أَحَدٌ»؛



﴿إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ﴾

خبر در جملات اسمیه بر سه قسم است: مفرد، جمله، شبه جمله.

در صورتی که خبر «جمله» باشد، لازم است بین جمله «خبر» و مبتدا، ارتباطی وجود

داشته باشد، که غالباً رابط در جمله خبر، ضمیر است؛ مانند: ﴿وَأَلَّهُ نُحِيٍّ وَبُيْتٌ﴾<sup>۱</sup>.

در صورتی که خبر شبه جمله (ظرف و جار و مجرور) باشد، متعلق به افعال عموم،

مانند «استقر» یا مشتقات آنها مانند «مستقر» است؛ مانند: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾<sup>۲</sup>.

الخبر ثلاثة اقسام مفرد و جملة و شبهها و هو الظرف و الجار و المجرور؛ فالمفرد ما للعوامل

تسلط على لفظه و هو قسمان جامد و مشتق و المشتق ما دل على متصف مصوغاً من مصدر

كضارب و مضروب و حسن و أحسن و الجامد بخلافه فالجامد لا يتحمل ضميراً نحو «هذا أسد»

۱. آل عمران، آیه ۱۵۶.

۲. حمد، آیه ۲.

والمشتق يتحمّله ان لم يرفع ظاهراً نحو «زيد قائم» بخلاف ما اذا رفعه نحو «الزيدان قائم ابوهما»  
والجملة نحو «زيد ابوه منطلق» و «زيد قام ابوه» و لا بدّ لها من ضمير عائد على المبتدأ  
يربطها و شرطه ان يكون مطابقاً للمبتدأ نحو «زيد قام غلامه» و الضمير هو الاصل في الربط  
و يعني عنه اشياء:

منها: الاشارة نحو ﴿وَلِبَاسُ الْقَوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ﴾<sup>۱</sup>

### تحليل

به تعريف مشتق دقت كنيد. در مشتق نسبتی بين يك ذات و يك حدث وجود دارد؛  
مثلاً در «كريم» به فردی كرامت نسبت داده شده است. به همین جهت «كريم» محتاج  
ضمير است، در حالی كه جامد حاوی هیچ نسبتی نیست. از این رو، نیازمند ضمير نیست؛  
مثلاً در كلمه «كرامت» فقط معنای حدث وجود دارد و این حدث به چیزی نسبت داده  
نشده تا ضمير از آن حكایت كند.



پژوهش  
آيا «أسد» در «زيد أسد» متحمل ضمير است؟ چرا؟  
مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

### تمرین

ضمن ترکیب جملات زیر آموخته‌های خود را در آنها پیاده کنید:

۱. ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ﴾<sup>۱</sup>

۲. ﴿أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ مِنَ النَّارِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾<sup>۲</sup>

۳. ﴿وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيءُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ

مِمَّا تَعْمَلُونَ﴾<sup>۳</sup>

۱. اعراف، آیه ۲۶.

۲. اعراف، آیه ۳۶.

۳. یونس، آیه ۸.

۴. یونس، آیه ۴۱.

## مَسَوِّغَاتُ الْإِبْتِدَاءِ بِالنَّكْرَةِ

### یادآوری

مبتدا بیشتر معرفه است و در صورتی که خبر دادن از نکره فائده داشته باشد، می توان مبتدا را نکره آورد؛ مانند: «رجل کریم مات»<sup>۱</sup>.  
لا یبتدء بنكرة الا ان عمّت نحو «ما رجلٌ في الدار» او خصّت نحو «رجل صالح جاءني».



«فمن امثلة الخصوص»<sup>۲</sup>. مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی  
ان تكون موصوفة، نحو: «وَلَا مَؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ»<sup>۱</sup>.  
و منها: ان تكون مضافة، كقوله ﷺ: «خمس صلوات كتبهنّ الله على العباد».  
و منها: ان يتعلّق بها معمول، كقوله ﷺ: «امرٌ بمعروفٍ صدقة».  
و من امثلة العموم:

أن يكون المبتدء نفسه صيغة عموم نحو «كُلُّ لَهُ قَلْبَيْنِ تُونَ»<sup>۲</sup> و «من يقيم اقم معه» او يقع.

في سياق النفي نحو «ما رجلٌ في الدار»<sup>۳</sup>.

۱. البقره، آية ۲۲۱.

۲. البقره، آية ۱۱۶.

۳. ر.ک: ابن هشام، شذورالذهب، ص ۲۰۹ و ۲۱۰، مصطفى الغلاني، جامع الدروس.

و من مسوغاته

ان يكون خبرها (المبتداء النكرة) ظرفاً او جاراً و مجروراً مقدماً عليها نحو ﴿وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup>.

ان تكون مفيدة للدعاء بخير او شر فالاول نحو «سلام عليكم» و الثاني نحو ﴿وَيَلِّمُ الْمُطَفِّينَ﴾<sup>۲</sup>.

### پژوهش

آیا می‌توانید یک مورد برای مبتدای نكرة عام و خاص، غیر از موارد بالا ذکر کنید؟

### تمرین

عبارات زیر را ترکیب نموده و در مورد تعریف و تنکیر مبتدا بحث کنید.

۱. ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾<sup>۳</sup>.

۲. ﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ﴾<sup>۴</sup>.

۳. ﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ﴾<sup>۵</sup>.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱. یوسف، آیه ۷۶.

۲. مطفین، آیه ۱.

۳. البقره، آیه ۱۰.

۴. الملک، آیه ۲۵.

۵. ابراهیم، آیه ۲۶.

## احکام المبتدء و الخبر

## مرتبة المبتدء و الخبر

الاصل تقدم المبتدأ على الخبر، نحو: «الكتاب صديق امين».

و قد يجب تقدمه في مواضع:

منها ان يكون المبتدء و الخبر معرفتين او نكرتين بحيث يصلح كلّ منهما ان يكون مبتدءً نحو «اخى شريكى» ففي هذا المثال و اشباهه يجب تأخير الخبر لانّ تقديمه يوقع في لبس اذ لا توجد قرينة تعينه و تميّزه من المبتدء فيفسد المعنى تبعاً لذلك و منها ان يكون المبتدء اسماً مستحقاً لصدارة جملته كاسماء الاستفهام و الشرط نحو «من القادم»؟

و يجب تأخر المبتدأ عن الخبر في مواضع:

منها: ان يكون للخبر الصدارة في جملته فلا يصح تأخيره و مما له الصدارة اسماء الاستفهام نحو «اين العصفور؟»<sup>۱</sup>.

## تحليل

۱. علت آن که در موارد اشتباه، حکم به تقدیم مبتدا نموده‌اند، آن است که، اصل به معنای غالب است و مخاطب با این معنای غالبی بیشتر مانوس است. بنابراین اگر قرینه‌ای بر تعیین مبتدا وجود نداشته باشد، به‌طور طبیعی مخاطب به سمت آن اصل و معنای غالبی توجه پیدا می‌کند. پس اگر مقصود متکلم غیر از این باشد، مخاطب به اشتباه می‌افتد.

۱. النحو الوالی، ج ۱، ص ۲۵۸ - ۲۸۸. (با تلخیص و تصرف)

۲. از مباحث بالا فهمیده می‌شود که «صدارت طلبی» یک دلیل عام است و اگر در مبتدا یا خبر وجود داشته باشد، باید مقدم شود.

### پژوهش

با بهره‌گیری از مباحثی که در ترکیب اسماء شرط یاد گرفتید، روش ترکیب ادوات استفهام را بیان کنید.

### تمرین

عبارات زیر را ترکیب نموده و در مورد تقدیم مبتدا یا خبر بحث کنید:

۱. ﴿فَمَنْ رَبُّكُمْ﴾<sup>۱</sup>

۲. ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾<sup>۲</sup>

۳. ﴿ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ﴾<sup>۳</sup>



مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

---

۱. طه، آیه ۴۹.

۲. فتح، آیه ۱۰.

۳. مریم، آیه ۳۴.



## الحروف المشبهة بالفعل (۱)

## یادآوری

۱. جمله اسمیه غیر ساده به جملات اسمیه‌ای گفته می‌شود که در ابتدای آنها عامل وجود دارد.
۲. به عواملی که بر سر مبتدا و خبر وارد شده و ترکیب مبتدا و خبر را عوض می‌کنند، ناسخ می‌گویند.
۳. از جمله نواسخ، حروف مشبهة بالفعل است که به اسم خود نصب و به خبر خود رفع می‌دهند.
۴. هرگاه بعد از حروف مشبهة بالفعل «ما» قرار گیرد، این حروف عمل خود را از دست می‌دهند.

تبصره: در مورد «لیتما» اعمال و اهمال آن جائز است.

## ان

«ان» مفتوحة الهمزة مشددة النون معناها التوكيد اي توكيد نسبة الخبر للمبتدئ و ازالة الشك و الانكار فهي بمنزلة تكرار الجملة و هي مع اسمها و خبرها تؤول بمصدر معمول لعامل محتاج له.

يجب فتح همزة «ان» في مسائل

۱. ان تقع فاعلة نحو ﴿أُولَئِكَ يَكْفِيهِمْ أَنَا أَنزَلْنَا﴾<sup>۱</sup>.

۱. عنكبوت، آیه ۵۱.

۲. ان تقع نائبة عن الفاعل نحو ﴿وَأَوْحِ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ﴾<sup>۱</sup>.
۳. ان تقع مفعولا لغير القول نحو ﴿وَلَا تَخَافُوتَ أَنْكُمْ اشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ﴾<sup>۲</sup>.
۴. ان تقع في موضع رفع بالابتداء نحو ﴿وَمِنْ آيَاتِهِمَ أَنْكَ تَرَى الْأَرْضَ خَنْشِعَةً﴾<sup>۳</sup>.
۵. ان تقع مجرورة بالحرف نحو ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ﴾<sup>۴</sup>.

### تحلیل

۱. «آن»، مانند آن ناصبه از ادوات مصدریه است با این تفاوت که «آن» بر تأکید دلالت می‌کند. از این نکته می‌توان فهمید که چرا «آن» به‌خلاف «ان» بعد از فعل یا عاملی که معنای یقین داشته باشد، وارد می‌شود.
۲. «آن» و دو معمولش در حکم مفرد هستند، پس در جایی واقع می‌شوند که جای مفرد باشد، نه جمله. (موارد مذکور در بالا شاهد بر این مطلب هستند).

### پژوهش

آیا می‌توانید روشی برای تأویل به مصدر بردن آن و معمول‌هایش بیان کنید؟

### مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

### تمرین

- «آن» و جایگاه اعرابی آن را در عبارات زیر تحلیل کنید.
۱. ﴿وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا﴾<sup>۱</sup>.
  ۲. ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْخَرُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾<sup>۲</sup>.
  ۳. «مَنْ» علم ان کلامه مِنْ عمله قل کلامه»<sup>۳</sup>.

۱. هود، آیه ۳۶.

۲. انعام، آیه ۸۱.

۳. فصلت، آیه ۳۹.

۴. حج، آیه ۶.

۵. النحو الوافی، ج ۱، ص ۵۷۱ شذور الذهب، ص ۲۳۱ و ۲۳۳.

۶. احزاب، آیه ۴۷.

۷. نور، آیه ۴۱.

۸. بخشی از کلام امیرمؤمنان، نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹.

## الحروف المشبهة بالفعل (۲)

مواضع كسر همزه إن:

يجب الكسر في مسائل:

۱. في ابتداء الكلام نحو ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾<sup>۱</sup>.
۲. في اول الصلة نحو ﴿وَأَتَيْنَهُ مِنَ الْكَوْزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ﴾<sup>۲</sup>.
۳. في اول الجملة الوصفية، نحو «مررت برجل انه فاضل».
۴. في اول الجملة المضاف اليها ما يختص بالجملة و هو «اذ» و «حيث» نحو «جلست حيث ان زيدا جالس».
۵. ان تقع محكية بالقول نحو ﴿قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ءَاتَنِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا﴾<sup>۳</sup>.

## تحليل

۱. ان و معمول هایش یک جمله را تشکیل می دهند، بنابراین در جایی واقع می شوند که محل یک جمله باشد (موارد ذکر شده در بالا شاهد بر این مطلب است).

۱. کوثر، آیه ۱.

۲. قصص، آیه ۷۶.

۳. شذور الذهب، ص ۳۲۹ - ۳۳۱. (با تلخیص و تصرف)

۴. مریم، آیه ۳۰.

## تمرین

عبارات زیر را ترکیب کنید و مواضع کسر و فتح همزه «ان» را تحلیل کنید:

۱. ﴿قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ آلِجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا﴾<sup>۱</sup>
۲. ﴿أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ﴾<sup>۲</sup>



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

---

۱. جن، آیه ۱.

۲. مطفئین، آیه ۲.

## تخفيف الحروف المشبهة بالفعل (إن و أن)

### «أن» المخففة

فَيَجُوزُ فِي «أَنْ» التَّخْفِيفُ وَ عِنْدَئِذْ تَصْلُحُ لِلدُّخُولِ عَلَى الْجُمْلَةِ الْاِسْمِيَّةِ وَ الْفِعْلِيَّةِ بَعْدَ أَنْ كَانَتْ قَبْلَ التَّخْفِيفِ مَخْتَصَةً بِالْجُمْلَةِ الْاِسْمِيَّةِ.

فَإِنْ خَفَّفْتَ وَ دَخَلْتَ عَلَى جُمْلَةٍ اِسْمِيَّةٍ جَازَ اِبْقَاءُ مَعْنَاهَا وَ عَمَلُهَا وَ سَائِرُ اِحْكَامِهَا الَّتِي كَانَتْ قَبْلَ التَّخْفِيفِ وَ جَازَ اِبْقَاءُ مَعْنَاهَا دُونَ عَمَلِهَا فَتَصِيرُ مَهْمَلَةً مِثْلَ: أَنْ جَرِيرًا شَاعِرًا، أَنْ جَرِيرًا لَشَاعِرًا. وَ إِذَا دَخَلْتَ عَلَى جُمْلَةٍ فِعْلِيَّةٍ وَجِبَ الْاِهْمَالُ وَ أَنْ يَكُونَ الْفِعْلُ بَعْدَهَا نَاسِخًا (مِثْلَ كَانَ وَ ...) نَحْوِ «أَنْ كَانُوا لَفِي ضَرَرٍ عَظِيمٍ»<sup>١</sup>

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

### تحلیل

به مثال‌های بالا توجه کنید، در مواردی که ان عمل نکرده است «لام مفتوحه» ای بعد از آن مشاهده می‌کنید، این لام برای آن است که مخاطب «ان مخففه» را با دیگر انواع ان (مثل ان شرطیه) اشتباه نگیرد. به همین جهت به آن، «لام فارقه» گویند.

### أَنْ الْمَخْفَفَةُ

فِي بَقِيَّةِ الْعَمَلِ عِنْدَ الْاِكْثَرِ وَ اِسْمِهَا ضَمِيرٌ مَحْذُوفٌ وَ خَبَرُهَا الْجُمْلَةُ نَحْوُ: ﴿وَأَخِرَ دَعْوَتُهُمْ أَنْ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>١</sup>؛ ﴿عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ...﴾<sup>٢</sup>.

١. النحو الوافي، ج ١، ص ٦١٠ و ٦١٢.

٢. بونس، آية ١٠.

٣. مزمل، آية ٢٠.

### لكن المخففة

إذا خففت «لكن» بطل عملها و اقترنت بالواو جوازاً تميزاً لها من «لكن» العاطفة<sup>۱</sup>، نحو: «ذَهَبَ الزَّائِرُونَ وَلَكِنْ أَبُوكَ بَاقٍ».

### تمرین

عبارت زیر را ترکیب کنید و ترکیب خود را تحلیل نمایید.

۱. ﴿إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾<sup>۲</sup>

۲. ﴿تَسْبِغُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّغْ بِحَمْدِهِ»

وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ﴾<sup>۳</sup>



مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

۱. لكن عاطفه در بحث توابع خواهد آمد.

۲. شعراء، آیه ۹۷.

۳. اسراء، آیه ۴۴.

## لا النافية للجنس

## یادآوری

۱. «لا»ی نفی جنس از نواسخ بوده و عمل آن، نصب به اسم و رفع به خبر است.
۲. اسم «لا»ی نفی جنس در صورتی که مانند «لارجل» یک جزء داشته باشد، مبنی بر علامت نصب و محلاً منصوب است.
۳. خبر «لا» در صورتی که در نزد مخاطب معلوم باشد، می‌توان آن را حذف کرد؛ مانند: «الجهل یذلّ و لا خیر» از تحقیق کبیر علوم اسلامی
۴. شرایط عمل «لا»ی نفی جنس:
  - الف) ترتیب بین اسم و خبر حفظ شده باشد.
  - ب) معمول آن نکره باشد.

## اعراب اسم «لا»

اذا اجتمعت شروط عمل «لا» النافية للجنس، نصب الاسم و رفع الخبر لکن انما یظهر نصب الاسم اذا كان مضافاً نحو «لا غلامٌ رجلٌ عندنا» او شبه مضاف و هو مابعدہ شی من تمام معناه ای متممه بأن یكون عاملاً فیما بعده عمل الفعل نحو «لا راغیا فی الشرِّ محمودٌ» فان كان مفرداً ای غیر مضافٍ و لا شبه مضافٍ بئنی<sup>۱</sup>.

۱. ر.ک: همع الهوامع، ج ۱، ص ۱۴۵ و ۱۴۶؛ حاشیه الصبان، ج ۱، جزء ۲، ص ۷.

تطبیق مباحث مربوط به ترکیب لانفی جنس بر امثلة

۱- لا حاسدین متعاونون ﴿ حاسدین اسم «لا» مبنی بر «یاء» (به نیابت از فتحه) محلاً

منصوب، متعاونون خبر «لا» و مرفوع به «واو» (به نیابت از ضمه)

۲- لا قول زور نافع ﴿ قول اسم لامنصوب به فتحه و مضاف، «زور» مضاف الیه و

مجرور و نافع خبر «لا» و مرفوع به ضمه.

۳- لا مرتفعاً قدره مغموراً ﴿ مرتفعاً اسم لامنصوب به فتحه و شبه مضاف، «قدر» فاعل

«مرتفعاً» و مرفوع به ضمه و «مغمور» خبر لا و مرفوع به ضمه.

تمرین

عبارات زیر را ترکیب کنید.

۱. ﴿ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ﴾<sup>۱</sup>

۲. قال علي عليه السلام: لا قوی اقوی ممن قوی علی نفسه فملکها.<sup>۲</sup>



مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

۱. یونس، آیه ۶۴

۲. غرر الحکلم، ص ۸۵۸



## الافعال الناقصة (۱)

## یادآوری

۱. جملات فعلیه غیر ساده جملاتی هستند که در آنها فعل بر سر مبتدا و خبر می آید و مبتدا را اسم خود و خبر را خبر خود قرار می دهند؛ مانند: «کان زید قائماً».
۲. این گونه افعال را افعال ناقصه گویند، زیرا معنای مفید جمله با (فعل + مرفوع) تمام نمی شود، بلکه محتاج جزء دیگری نیز هست.
۳. «کان»، «صار» و «لیس»، از افعال ناقصه اند.
۴. گاهی «کان» تامه استعمال می شود؛ یعنی معنای مفید جمله با «فعل + مرفوع» تمام می شود. در این صورت «کان» به معنای «وجود داشت» خواهد بود؛ مانند: «کان الله ولم یکن معه شیء».
۵. «لیس» همیشه ناقصه است.

## الافعال الناقصة

وهي من النواسخ ترفع اسمها و تنصب خبرها فلا ترفع فاعلاً و لا ينصب مفعولاً مثل «کان»، «صار»، «لیس» و اخواتها و منها «أصبح»، «أضحى»، «أمسى»، «ظلّ» و «بات» ولكل معناه الخاص سنعرضه فيما يلي:

- أصبح: تفيد مع معموليها إتصاف اسمها بخبرها صباحاً؛
- أضحى: تفيد مع معموليها إتصاف اسمها بخبرها وقت الضحى؛
- أمسى: تفيد مع معموليها إتصاف اسمها بخبرها مساءً؛

- ظلّ: تفيد مع معموليها إتصاف اسمها بخبرها طول النهار؛  
 - بات: تفيد مع معموليها اتصاف اسمها بخبرها طول الليل.  
 و قد استعمل «أصبح»، «أضحى»، «أمسى» و «ظلّ» بمعنى «صار» كثيراً نحو «ظلّ وجهه مسوداً و هو كظيم».

و قد تستعمل هذه الافعال تامّة اي مستغنية بمرفوعها نحو:  
 - ﴿فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ﴾<sup>۱</sup> اي حين تدخلون في المساء و حين تدخلون في الصباح.  
 - «صار الامرُ اليك» أي أنتقل.<sup>۲</sup>

### تحليل

با مقايسة افعال اصبح... و بات با فعل كان در می یابیم که این افعال، مانند «كان» اتصاف اسم به خبر را می رسانند و تفاوت آنها در این است که این افعال، اتصاف مذکور را در زمان خاصی مثل صبح، نزدیک ظهر، شبانگاه و... می رسانند، ولی «كان» اصلي «اتصاف» را بیان می کند.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

### تمرین

جملات زیر را ترکیب نموده و معنا کنید.

۱. ﴿الْمَ تَرَأَنَّهُ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَةً﴾<sup>۳</sup>؛
۲. ﴿فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾<sup>۴</sup>؛
۳. ﴿وَفُتِحَتْ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا﴾<sup>۵</sup>؛
۴. ﴿إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾<sup>۶</sup>؛

۱. الروم، آیه ۱۷.  
 ۲. صار نامه، گاهی به معنای «رجع» به کار می رود.  
 ۳. حج، آیه ۶۳.  
 ۴. شعراء، آیه ۴.  
 ۵. النبأ، آیه ۱۹.  
 ۶. الشوری، آیه ۵۳.

## الافعال الناقصة (۲)

## الافعال الناقصة؛ متصرفة و غير متصرفة

جميع هذه الافعال تتصرف فيأتي منها المضارع و الامر و المصدر و الوصف الأ «ليس» فاجمعوا على عدم تصرفها و لتصاريف هذه الافعال من العمل و الشروط ما للماضي منها كسائر الافعال و من امثلة ذلك: ﴿كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا﴾؛ الاحكام الخاصة «الكان» و «ليس»:

1. تزداد الباء في خبر «كان» جوازاً اذا تقدمها نفي نحو «ما كان الله بظلام للعبيد» و كذا في خبر «ليس» نحو «ليس الله بظلام للعبيد».
2. «لام» مضارع «كان» يجوز حذفها و ذلك بشرط كونه مجزوماً بالسكون غير متصل بضمير نصب و لا بسكون نحو ﴿وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا﴾؛<sup>۱</sup> بخلاف «لم تكونوا تعلمون»، «ان يكنه» و «لم يكن الله ليغفر لهم».<sup>۲</sup>

## تحليل

با دقت در افعال «أصبح»، «أضحى»، «أمسى»، «ظلّ» و «بات» در می یابیم که این افعال، دو دلالت متفاوت بر زمان دارند. دلالت اول مربوط به زمان های «صبح»، نزدیک ظهر، شبانگاه، طول روز و طول شب است و دلالت دوم، مربوط به صیغه این افعال است

۱. الاسراء، آیه ۵۰.

۲. مریم، آیه ۲۰.

۳. رکن: معجم اللغوات، ج ۱، ص ۱۱۴؛ مبادئ العربية، ج ۴، ص ۹۲ و ۹۳؛ و ابن هشام، اوضح المسالك، ج ۱، ص ۲۶۱.

که به صورت ماضی یا غیر آن وارد شده‌اند. بنابراین، در ترجمه هر دوی این دلالت‌ها باید ملاحظه شود؛ مثلاً معنای «سَبَّيْتُ زَيْدًا قَائِمًا» چنین است: در زید در طول شب ایستاده خواهد بود.

### تمرین

۱. آیا در جمله «لیس بی سفاهه» حرف باء زانده است؟ تحلیل کنید.
۲. جملات زیر را ترکیب کرده، مطالب این درس را در آن تطبیق کنید.

الف) ﴿وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا﴾<sup>۱</sup>

ب) ﴿مَنْ تَكُونُ لَهُ عَنقَبَةُ الدَّارِ﴾<sup>۲</sup>

ج) ﴿فَسَبَّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ﴾<sup>۳</sup>



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علوم اسلامی

۱. مریم، آیه ۴.

۲. انعام، آیه ۱۳۵.

۳. حجر، آیه ۹۸.

## افعال المقاربة

افعال المقاربة افعال ناقصة اي ناسخة ترفع المبتدأ اسماً لها و تنصب الخبر فلا ترفع فاعلاً و لا تنصب مفعولاً ما دامت ناسخة فهي من اخوات «كان».

اعلم ان هذا الباب يشتمل على ثلاثة انواع من الفعل:

١. ما دلّ على القرب نحو «كاد» للدلالة على قرب الخبر؛
٢. ما دلّ على الرجاء نحو «عسى» للدلالة على رجاء الخبر؛
٣. ما دلّ على الشروع نحو «طفق» للدلالة على شروع الخبر.

مركز بحوث ودراسات إسلامية

## احكام افعال المقاربة

١. انّ الخبر في افعال المقاربة لا بدّ ان يشتمل على فعل مضارع و مرفوعه ضمير في الغالب.

٢. خبرها على اقسام: ما يجب تجرّده من أنّ و هو خبر افعال الشروع و ما يقترن بها و هو خبر «عسى» قال ابن مالك «و كونه بدون ان قليل» و ما يترجّح تجرّده من أنّ و هو كاد.

٣. هذه الافعال جامدة لا تتصرف ملازمة للفظ المضى و استثنى منها كاد فسمع فيها

المضارع قال الله تعالى: ﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ﴾<sup>١</sup>.

١. النور، آية ٣٥.

٢. مع الهوامع، ج ١، ص ١٢٩ و ١٣٠؛ النحو الوافي، ج ١، ص ٥٥٧، حاشية الصبان، ج ١، ص ٢٥٨.

## تحلیل

همان‌طور که می‌دانید، «آن ناصبه» دلالت بر استقبال دارد، به همین دلیل در خبر «عسی» از «آن» استفاده می‌شود، زیرا خبر آن واقع نشده و امید و قسوع آن وجود دارد؛ صبان در این باره می‌گوید: «لأن المترجي مستقبل فناسبه أن».<sup>۱</sup>

اما در افعال شروع که از شروع فعل صحبت می‌کنیم، از «آن» استفاده نمی‌کنیم. هم‌چنین این رابطه در مورد «کاد» نیز وجود دارد؛ از این رو صبان می‌گوید: «للدلالة كاد على قرب الخبر فكأنه حال».

## پژوهش

معنای ﴿وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ﴾<sup>۲</sup> را تحلیل کنید.

## تمرین

عبارات زیر را ترکیب کرده، آموخته‌های خود را در آنها پیاده کنید:

۱. ﴿يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ﴾<sup>۳</sup>
۲. ﴿وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي﴾<sup>۴</sup>
۳. ﴿فَعَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ﴾<sup>۵</sup>
۴. ﴿وَوَطْفِقًا خُصِيفَانٍ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ﴾<sup>۶</sup>

۱. همان، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.

۲. البقره، آیه ۷۱.

۳. البقره، آیه ۲۰.

۴. اعراف، آیه ۱۵۰.

۵. مانند، آیه ۵۲.

۶. اعراف، آیه ۲۲.

## ادوات النفي (المشبهة بليس)

## یادآوری

۱. «ما» و «لا» همان‌طور که می‌توانند مهمل باشند، می‌توانند عامل نیز باشند که در این صورت، جزء نواسخ بوده، مسندالیه، اسم و مسند، خبر آنهاست؛ مانند: ﴿مَا هَذَا بَشَرًا﴾؛ «لاشيءً باقياً على الارض».
۲. «ما» و «لا» مانند «ليس» به اسم خود رفع و به خبر خود، نصب می‌دهند.
۳. «ما» و «لا» در صورتی عمل می‌کنند که ترتیب بین اسم و خبر آنها حفظ شود. از این رو در عبارت «ما قائمٌ زيدٌ» ما عمل نکرده است.
۴. «لا» فقط بر سر نکره عمل می‌کند، به خلاف «ما» که در معرفه نیز عمل می‌کند.

## ان المشبهة بليس

أعماله و أهمله سيان و لكن الذين يعملونه يشترطون الشروط الخاصة بأعمال «ما» النافية نحو «ان الذهب رخيصاً» او «ان الذهب رخيص» ففي المثال الاول تعرب «ان» حرف نفي ناسخ بمعنى «ما» و بعدها اسمها و خبرها و في المثال الثاني «ان» حرف نفي مهمل و بعدها مبتداء مرفوع ثم خبره المرفوع.

ثم اذا كانت عاملة و جب دخولها على جملة اسمية كالشأن في النواسخ كلها، و اما اذا

كانت مهملة فيجوز دخولها علي الاسميّة و الفعلية فمن امثلة المهملة الداخلة علي الاسميّة قوله تعالى: ﴿إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ﴾<sup>۱</sup> و من امثلة الداخلة علي الفعلية قوله تعالى: ﴿إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ﴾<sup>۲</sup>

### تحليل

۱. با مروری به نواسخ در جملات اسمیه درمی یابیم که این ادوات، هرگاه عمل خود را از دست دهند، دیگر اختصاصی به جملات اسمیه ندارند و بر سر جملات فعلیه نیز داخل می شوند.  
 ۲. به مثال «ان الكافرون الا في غرور» دقت کنید: «ان» معنای نفی خود را از دست داده است، یعنی دلالت بر نفی نسبت بین مسند و مسندلّیه نمی کند. حال اگر به این نکته توجه کنیم که «عمل عامل» رابطه محکمی با معنای آن دارد و هرگاه عامل معنای خود را از دست دهد، عمل خود را نیز از دست می دهد، درمی یابیم که چرا در این گونه مثال ها «ان» عمل نمی کند. این نکته در «ما» و «لا» مشبهة بـ «ليس» نیز صادق است. به همین جهت است که نحویان یکی از شرایط عمل حروف مشبهة بـ «ليس» را عدم انتقاض نفی آن ذکر کرده اند.

### پژوهش

به مباحث مربوط به لای نفی **حَسْبُ** و **لَايَ** مشبهة بـ «ليس» رجوع کنید، چه شباهتی در بین آنها می توانید بیابید؟

### تمرین

عبارات زیر را ترکیب کنید.

۱. ﴿إِنِ أَمْسَكْتَهُمَا مِنْ أَحَدٍ﴾<sup>۳</sup>

۲. ﴿إِن هُوَ مُسْتَوِيًّا عَلَى أَحَدٍ﴾<sup>۴</sup>

۱. الملک، آیه ۲۰.

۲. در ترکیب این مثال و مثال بعدی «الا» را نادیده بگیرید. دلیل این مطلب در درس استثنا خواهد آمد.

۳. انعام، آیه ۱۱۶.

۴. رک: النحو الوافی، ج ۱، ص ۵۴۷.

۵. فاطر، آیه ۴۱.



## قیود

### چکیده مباحث قیود



## تذکر

۱. در تمامی قیودی که ارتباط با حدث دارند؛ مانند: منصوبات و مجرور به حرف جر، عامل همان لفظی است که دلالت بر حدث می‌کند؛ مانند: فعل، مصدر و ... و عامل در مضاف‌آلیه همان مضاف است.

۲. مستثنا و مفعول معه نیز جزء منصوباتند که درباره آنها در این کتاب بحث می‌شود.



مرکز تحقیقات کامپیوتر و علوم اسلامی

## المفعول به (۱)

## یادآوری

۱. مفعول به کلمه‌ای است که فعل فاعل به آن تعلق گرفته است.
۲. عامل مفعول به فعل متعدی است و اعراب آن نصب است.
- تبصره: برای تشخیص فعل متعدی از لازم، از کتاب‌های لغت استفاده می‌کنیم.
۳. اصل، تقدیم فاعل بر مفعول است، اگرچه گاهی مفعول بر فاعل مقدم می‌شود؛ مانند: «ضرب عمرأ زیداً».



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

## العامل فی المفعول به

انه الفعل او شبهه نحو ﴿وَهَدَيْنَهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾<sup>۱</sup> و ﴿وَقَتَلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ﴾<sup>۲</sup> و ﴿إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَى﴾<sup>۳</sup>.

## مرتبة المفعول به

۱. الاصل في المفعول به التأخر عن الفعل و قد يقدم على الفعل جوازاً نحو ﴿فَرِيقًا هَدَى﴾<sup>۴</sup> و قد يجب تقديمه عليه و ذلك في صور منها ما اذا تضمن استفهاماً نحو «من رأيت»؟

۱. الانعام، آیه ۸۷.

۲. النساء، آیه ۱۵۵.

۳. آل عمران، آیه ۵۵.

۴. الاعراف، آیه ۳۰.

٢. آخر المفعولُ به عن الفاعل وجوباً ان لبس حذر بسبب خفاء الاعراب و عدم القرينه كما في نحو «ضرب موسى عيسى» و «اكرم ابني اخي» اذ لا يعلم الفاعل عن المفعول به في هذه الحالة الا بالرتبه، فان امن لبس لوجود قرينه جاز التقديم نحو «ضربت موسى سلمى»<sup>١</sup>.

### پژوهش

آيا مي توانيد بگوييد كه در مثال «من اكرممت؟» چرا «من» مبتدا نيست؟

### تمرين

عبارت زير را تركيب كنيد و با آموخته هاي خود آن را تحليل كنيد:

- ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ

الْوَارِثِينَ﴾<sup>٢</sup>.



مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

١. ركذ همع الهوامع، ج ١، ص ١٦٥ و ١٦٦؛ حاشيه الصبيان، ج ١، جزء ٢، ص ٥٥ و ٥٦ اوضح المسالك، ج ٢، ص ١١٦.  
٢. قصص، آيه ٥.

## المفعول به (۲)

## اصناف الفعل

من اصناف الفعل، المتعدي و غير المتعدي، فالمتعدي على ثلاثة اضرب: متعدي الى مفعول به و الى اثنين و الى ثلاثة فالأول نحو قولك «ضربت زيدا» و الثاني «اعطيت زيدا درهماً» و «علمت زيدا فاضلاً» و الثالث نحو «اعلمت زيدا عمراً فاضلاً» و غير المتعدي ضرب واحد و هو ما تخصص بالفاعل كـ «ذهب زيد الى المدرسة»<sup>۱</sup>.

## تحليل

به مثال های بالا دقت کنید، افعال دو مفعولی به دو قسم وارد شده اند:

اول: افعالی که دو مفعول آنها رابطه آخذ و مأخوذ دارند؛ مانند: «اعطيت زيدا درهماً»؛ يعنى فعل فاعل سبب شده که مفعول اول، مفعول دوم را کسب (آخذ) کند.  
دوم: افعالی که دو مفعول آنها مضمون یک جمله را می رسانند؛ مانند: «علمت زيدا فاضلاً». در این مثال علم فاعل به «فاضل بودن زيد»، يعنى به مفاد جمله «زيد فاضل» تعلق گرفته است. به این گونه افعال، افعال قلوب گویند.

## افعال القلوب

ان افعال القلوب على اربعة انواع: الاول ما يفيد يقيناً كوجد و الثاني ما يفيد رجحاناً أي ظناً كزعم و الثالث ما يرد للامرين و الغالب كونه لليقين و هو علم و رأى و الرابع ما يرد لهما و

۱. الزمخشري، المفصل في علم العربية، ص ۳۳۲. (با تصرف)

الغالب كونه للرجحان نحو «ظن» و «حسب» نحو ﴿وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ﴾<sup>۱</sup>، و ﴿تَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ﴾<sup>۲</sup>.

### تمرین

عبارات زیر را ترکیب و مطالبی را که آموختید در آنها پیاده کنید.

۱. ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا﴾<sup>۳</sup>.

۲. ﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ﴾<sup>۴</sup>.

۳. ﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا \* وَنَرَاهُ قَرِيبًا﴾<sup>۵</sup>.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱. الاعراف، آیه ۱۰۲.

۲. البقره، آیه ۲۷۳.

۳. المفصل فی علم المریه، ص ۱۳۲؛ حاشیه الصبان، ج ۱، ص ۲۱ و ۲۴.

۴. البقره، آیه ۱۰.

۵. طه، آیه ۵۰.

۶. معارج، آیات ۶ و ۷.

## افعال القلوب

## تعليق افعال القلوب:

التعليق هو ابطال العمل لفظاً لامحلاً اي منع الفعل القلبي من العمل الظاهر في لفظ المفعولين دون منعه من العمل في المحل فهو في الظاهر ليس عاملاً للنصب و لكنّه في التقدير عامل. و سببه امر واحد و هو وجود لفظ له الصدارة يلي الفعل القلبي فيفصل بينه و بين المفعولين و يحول بينه و بين العمل الظاهر و يسمى هذا اللفظ الفاصل بالمانع. ثم اشهر الموانع هي ادوات النفي و الاستفهام نحو: علمت ما على مسافر او أعلى مسافر.

## تحليل

در درس قبل یاد گرفتید که دو مفعول افعال قلوب مضمون یک جمله را می‌رساند؛ به عبارت دیگر: معنای افعال قلوب، یعنی علم یا ظن به مضمون یک جمله تعلق گرفته است. این نکته با مطالب مربوط به تعلق تأیید می‌شود، زیرا در تعلق یک جمله، بعد از فعل قلبی قرار گرفته و معنای فعل قلبی به مضمون آن تعلق گرفته است؛ مثلاً در عبارت «علمت ما علي مسافر»، علم به مسافر نبودن علی تعلق گرفته است. شما می‌توانید حالت دیگری را تصور کنید که فعل قلبی به مضمون یک جمله تعلق گرفته و آن جانشینی مصدر مؤول است. به این مثال توجه کنید: «علمت أن زيدا قائم». در این عبارت، علم به «قیام زید» تعلق گرفته است و مصدر مؤول، جانشین دو مفعول «علمت» شده است.

### پژوهش

همان‌طور که می‌دانید، مفعول به «قال» نیز جمله است؛ آیا می‌دانید چرا وجود ادات صدارت طلب در ابتدای آن لازم نیست؟

### تمرین

جملات زیر را ترکیب کرده با آموخته‌های خود آنها را تحلیل کنید:

۱. ﴿لَتَعْلَمَ أَى الْحَزِيْنِ أَحْصَى﴾<sup>۱</sup>.
۲. ﴿وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَنْفِرَ عَوْرَتُ مَثْبُورًا﴾<sup>۲</sup>.
۳. ﴿تُحَسِّبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾<sup>۳</sup>.
۴. ﴿حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَن يَسْبِقُونَا﴾<sup>۴</sup>.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

---

۱. کهف، آیه ۱۲.

۲. اسراء، آیه ۱۰۲.

۳. کهف، آیه ۱۰۴.

۴. عنکبوت، آیه ۴.



## الاشتغال

الاشتغال تقديم اسم على فعل يعمل في ضمير عائد الى ذلك الاسم فشغل عنه الفعل بالضمير نحو: الكتاب قرأته يُسمى الاسم المتقدم المشغول عنه.

إذا كان المشغول عنه منصوباً يكون مفعولاً به لفعل محذوف يفسره الفعل الظاهر نحو: هل الثمر أكلته؟ والتقدير هل أكلت الثمر أكلته؟



تمرين

عبارات زیر را ترکیب کنید. مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

﴿وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ﴾<sup>١</sup>

﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ﴾<sup>٢</sup>

١. الرحمن، آية ١٠.

٢. الرحمن، آية ٧.

## المنادى

المنادى اسم يطلب إقباله بأحد أحرف النداء نحو: «يا زيد».

### احرف النداء:

من هذه الاحرف «الهمزة»، «يا»، «أيا» و «هيا» فالهمزة للقريب «أيا» و «هيا» للبعيد و اعمها «يا» فإنها تدخل على كل نداء و تتعين في نداء اسم «الله» تعالى و يجوز حذف الحرف نحو ﴿يُوسُفُ أَعْرِضْ عَن هَذَا﴾<sup>١</sup>.

«يعتبر النحاة حرف النداء مع المنادى جملة فعلية فالاصل في مثل «يا صالح». هو «انادى او ادعو صالحاً» حذف الفعل مع فاعله الضمير المستتر و ناب عنهما حرف النداء و قد تبين بهذا ان حق المناديات كلها ان تكون منصوباً لأنها مفعولات»<sup>٢</sup>.

### اعراب المنادى:

ثم المنادى من حيث الاعراب على اقسام:

احدها ما يجب فيه ان يُبنى على ما يرفع به و هو ما اجتمع فيه امران: التعريف و الافراد و نعني به ان لا يكون مضافاً و لاشبههاً به نحو «يا الله» الثاني ما يجب نصبه و هو

١. يوسف، آية ٢٩.

٢. اوضح المسالك، ج ٤، ص ٤ - ٧. (با تلخيص)

٣. همان طور كه در «نحو» آموختيد، مي توان منادا را معمول حرف «يا» گرفت، زيرا «يا» نائب فعل «ادعو» شده است.

المضاف و الشبيه بالمضاف نحو «ربنا اغفر لنا»، «يا طالماً جبلاً»<sup>۱</sup>.  
 ينادي الاسم المقرون بـ «أل» بأئها او أئتها نحو: يا أئها المسافر، ﴿يَتَأْتِيهَا النَّفْسُ  
 الْمُطْمَئِنَّةُ﴾.  
 و يستثنى من ذلك لفظ «الله» فيقال فيه «يا الله».

### تمرین

۱. ادات نداء را بر سر کلمات زیر در آورده و تغییرات لازم را اعمال کنید.  
 خیر الغافرین، الاب الجلیل، ذو المن و البیان، ناسج ثوباً، حلیم لا یعجل.
۲. عبارات زیر را ترکیب کنید.

الف) ﴿يَنْصَحِي السَّجْنَءَ أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ﴾<sup>۲</sup>.  
 ب) ﴿عباد الله احذروا يوماً تفحص فيه الاعمال...﴾



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱. اوضح المسالك، ج ۴، ص ۴ - ۷ و ۱۲ - ۱۶؛ النحو الوافی، ج ۴، ص ۶؛ شذور الذهب، ص ۲۸۶.  
 ۲. یوسف، آیه ۳۹.

## المندوب

و هو الْمُتَفَجِّعُ عَلَيْهِ لِمَوْتِ أَوْ غِيْبَةِ أَوْ... و اداته «يا» او «وا» يقال: «يا امير الشعراء كهفي عليك» و «وا محمد».

ف «وا» مختصٌ بالمندوب و «يا» مشتركٌ بين النداء و المندوب . حكم المندوب حكم المنادي في الاعراب و البناء.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

تمرین

عبارت زیر را ترکیب کنید.

الامام علي عليه السلام: «واعجبا! أ تكونُ الخلافةُ بالصحابةِ و لا تكونُ بالصحابةِ و القرابةِ؟»<sup>۱</sup>

## المفعول المطلق

## العامل في المفعول المطلق

ينصب المصدرُ بمصدرٍ مثله نحو ﴿فَارَبَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَّوْفُورًا﴾<sup>١</sup> و بالوصف اي اسم فاعلٍ نحو ﴿وَالصَّنْفَتِ صَبْفًا﴾<sup>٢</sup> او اسم مفعولٍ نحو «انت مطلوب طلباً» و بالفعل نحو ﴿وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا﴾<sup>٣</sup>.



## النيابة عن المصدر

يشترط النحاة ان يكون المصدر من لفظ عامله و حروفه ففي مثل «سررت فرحاً» لاتعد كلمة «فرحاً» مصدرراً للفعل المذكور لعدم الاشتراك اللفظي في الصيغة و إنما هي نائبة عن المصدر الاصيل و الاصل «سررت سروراً» و يعربون نحو «فرحاً» نائباً عن المصدر الاصيل «او مفعولاً مطلقاً».

## تحليل

به اين مثالها دقت كنيد:

ضربته شديداً، لاتفق كل الانفاق، ضربت ذلك الضرب، ضربت ثلاثين ضربة.<sup>٥</sup>

١. اسراء، آية ٦٣.

٢. صافات، آية ١.

٣. احزاب، آية ٢٣.

٤. همع الموهامع، ج ١، ص ١٨٦ و ١٨٧. (با تلخيص)

٥. ر.ك: النحو الوافي، ج ٢، ص ٢٠١.

از مباحث مربوط به مفعول مطلق در می‌یابیم که مفعول مطلق، حقیقتاً قیدی است که ناظر به خود حدث است و نفس حدث را تأکید کرده یا توضیح می‌دهد. بنابراین موافقت لفظی با عامل در معنای مفعول مطلق، نقش اساسی ندارد. در مثال اول، «شدیداً» خصوصیت «ضرب» و در مثال دوم، «کلّ الانفاق» میزان انفاق را بیان می‌کند و در مثال سوم، «ذلك» با اشاره به یک ضرب خاص، عامل خود را توضیح می‌دهد و در مثال آخر، «ثلاثین» تعداد ضرب را بیان می‌کند و همه، نائب مفعول مطلق‌اند. از این‌جا متوجه می‌شویم که چرا در مثال «یذکرون الله قیاماً» قیاماً نمی‌تواند مفعول مطلق برای یذکرون باشد.

### تمرین

عبارات زیر را ترکیب و مطالبی را که آموختید بر آنها تطبیق کند.

۱. ﴿سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ﴾<sup>۱</sup>

۲. ﴿خُنُّ مُهْلِكُهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُهَا عَذَابًا شَدِيدًا﴾<sup>۲</sup>

۳. ﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ

مَشْكُورًا﴾<sup>۳</sup>

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱. توبه، آیه ۱۰۱.

۲. اسراء، آیه ۵۸.

۳. اسراء، آیه ۱۹.

## المفعول فيه

## یادآوری

۱. مفعول فيه یا ظرف، کلمه‌ای است که زمان یا مکان وقوع حدث را بیان می‌کند. بنابراین مفعول فيه، معنای «فی» را می‌رساند؛ مانند: «جاءت السيارة صباحاً»، یعنی «فی صباح» یا «وقفت یمن الطریق»، یعنی «فی یمن الطریق».
۲. مفعول فيه، منصوب است و عامل آن، فعل و مانند آن است که مفعول فيه زمان یا مکان وقوعش را بیان کرده است. پس در مثال‌های بالا عامل، «جاءت» و «وقفت» است.
۳. همه اسماء زمان می‌توانند «مفعول فيه» واقع شوند، ولی برخی از اسماء مکان، مانند جهات شش‌گانه، می‌توانند مفعول فيه واقع شوند.
۴. ظروف کثیرالاستعمالی که تا به حال یاد گرفته‌اید عبارتند از: «عند، بین، لدي، حیث، اذ، این (استفهام و شرط)، متی (استفهام و شرط)».

## ما ينصب على الظرفية من اسماء المكان

الذي يصلح للظرفية من الامكنة انواع، احدها ما لا يعرف حقيقته بنفسه بل بما يضاف اليه و يسمى بالمبهم كمكان، ناحية، وراء، امام و... نحو ﴿وَكَانَ وِرَاءَهُمْ مَلِكٌ﴾<sup>۱</sup> بخلاف «الدار»، «المسجد» و... فاذا اريد معنى الظرفية لا يتعدى اليها الفعل الا بواسطة في نحو: «جلست في الدار».

۱. كهف، آیه ۷۹.

الثاني: ما دلّ على مقدار نحو ميل، فرسخ و... في مثل قولك «سرتُ فرسخاً» قال ابوحيان انه شبيه بالمبهم.

### اقسام الظرف

(أ) ان الظرف بنوعيه (الزّمان و المكان) اذا ترك النصب على الظرفية الى حالة اخرى غير النصب على الظرفية لا يسمى ظرفاً و لا يعرب ظرفاً نحو «يومكم مبارك» و هذا يسمى بالظرف المتصرّف.

(ب) من الظرف ما لا يستعمل الا ظرفاً «كبدل» مثل «خذ هذا بدل ذلك» و منه الذي قد يترك الظرفية الى الجر بالحرف فقط نحو عند، قبل، بعد و... مثل «خرجت من عندك» و يسميان بالظرف غير المتصرّف.<sup>١</sup>

### تعريف

مطالب درس را در عبارات زیر تطبيق نموده و آنها را تركيب كنيد.

١. ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ﴾<sup>٢</sup>

٢. ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ﴾<sup>٣</sup>

٣. ﴿أَبْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ﴾<sup>٤</sup>

١. رك، مع الوامع، ج ١، ص ١٩٩ و ٢٠٠: النحو الوالى، ج ٢، ص ٢٤٤.

٢. طه، آية ١٣٠.

٣. انعام، آية ٥٩.

٤. تحريم، آية ١١.



## المفعول له

## یادآوری

۱. مفعول له مصدری است که بدون کمک حرف جر، علت و انگیزه وقوع حدث را بیان می کند؛ مانند: «وقف الجند اجلاً للاًمیر».
۲. عامل مفعول له، فعل یا مانند آن است که مفعول له، علت وقوع آن را بیان کرده است.



## شرایط نصب المفعول له

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

## یشترط فی المفعول له:

۱. کونه مصدرأ فلا یجوز جتک السمن و العسل.
۲. کونه متحدأ مع العامل فی الفاعل فلا یجوز «جتک محبتک ایای».
۳. کونه متحدأ مع العامل فی الوقت فلا یجوز «ودعتک أمس السفّر غدأ».

## احکام المفعول له

أ) اذا كان مستوفياً للشروط جاز نصبه مباشرة نحو «احترم القانون دفعاً للضرر» و جاز جرّه بحرف من حروف الجر التي تفيد التعليل و اوضحها: «اللام»، ثم «فی» و «الباء» و «من» نحو «احترم القانون لدفع الضرر» لكنه في جميع حالات جرّه لا يعرب اصطلاحاً مفعولاً له و إنما يعرب جاراً و مجروراً متعلقاً بعامله.

ب) فان فقد شرط من تلك الشروط يجب جرّه بحرف من حروف التعليل السابقة  
«اعجبتني الحديقة لاشجارها»<sup>١</sup>

### تحليل

همان طور که در کتاب علم نحو گذشت، مفعول‌له همان انگیزه شخص برای انجام یک فعل است. انگیزه، عبارت است از نیرویی درونی که انسان را برای انجام کاری تحریک می‌کند، به همین جهت است که مرحوم رضی، مفعول‌له را چنین تعریف می‌کند: «هو الحامل علی الفعل»<sup>٢</sup>.

با دقت در این تعریف، می‌توان شرایط سه‌گانه نصب مفعول له را استخراج کرد، زیرا «انگیزه» به غیر معنای مصدری تصور نمی‌شود؛ برای مثال: به انگیزه خود برای یادگیری علم نحو توجه کنید، آیا غیر از معنای مصدری است؟ هم‌چنین انگیزه انسان برای یک فعل همراه خود اوست. از این رو، فاعل مصدر (مفعول‌له) و فاعل فعل، متحد است. در مورد شرط سوم نیز مسئله روشن است، زیرا تا زمانی که انگیزه وجود دارد، فعل انجام می‌شود و وقتی که انگیزه از بین برود، فاعل دست از فعل خود می‌کشد.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

### تمرین

عبارات زیر را تحلیل و ترکیب کنید.

١. ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ﴾<sup>٣</sup>.

٢. ﴿لَا مَسْکُمْ حَشِيَّةَ الْإِنْفَاقِ﴾<sup>٤</sup>.

٣. ﴿خَرَجْتُمْ جِهْدًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي﴾<sup>٥</sup>.

٤. الجلوس في المسجد انتظار الصلاة عبادة....

١. النحو الوافي، ج ٢، ص ٢٢٥ و ٢٢٦؛ حاشیه الصبان، ج ١، جزء ٢، ص ١٢٢ و ١٢٣.

٢. شرح الکافی، ج ١، ص ١٩٢.

٣. اسراء، آیه ٧٨.

٤. اسراء، آیه ١٠٠.

٥. ممتحنه، آیه ١.

## المفعول معه

المفعول معه هو اسم منصوب بعد «واو» بمعنى «مع» و يشترط فيه ان تكون الواو نصاً في المعية بحيث لا يصح العطف بها نحو «سرت و الجبل» و «جاء زيد و عمراً».

و يعلم «واو العطف» من «المعية» بقواعد منها:

اذا كان الاسم السابق مرفوعاً او مجروراً و الاسم بعد الواو منصوباً منطبقاً عليه تعريف المفعول معه فان نصبه يقطع بان المراد هو المعية نصاً اذ لو كان المراد العطف لوجب جر المعطوف او رفعه تبعاً للمعطوف عليه و لو لم تكن الواو نصاً على المعية لنصب ما قبلها و صحة تسلط العامل على ما بعدها كما في «ضربتُ زيداً و عمراً» كانت للعطف اتفاقاً.

## تحليل

با دقت در مطالب بالا درمی یابیم که اصل در «واو»، عطف است و کاربرد «واو» برای معیت، احتیاج به دلیل دارد. بنابراین هر جا که قرینه‌ای وجود نداشته باشد، حکم به عطف بودن «واو» می‌کنیم. به مثال «سرت و الجبل» توجه کنید: «واو» نمی‌تواند عاطفه باشد، زیرا عطف دلالت بر اشتراک معطوف و معطوف‌علیه در حکم می‌کند، پس اگر در این مثال «واو» برای عطف باشد، معنای عبارت چنین می‌شود که «الجبل» و «ت» در حکم، یعنی «سیر» مشترکند؛ یعنی جبل نیز حرکت کرده است، درحالی‌که این معنا غلط است و همین قرینه است که نشان می‌دهد «واو» در این مثال «واو مفعول معه» است نه عطف. اما در مثال‌هایی چون «جاء زيد و عمرو معاً» دلیلی بر دلالت «واو» بر معیت وجود ندارد، زیرا معیت از کلمه «معاً» فهمیده شده است نه از «واو». بنابراین «واو» برای عطف است.

### تمرین

آیا در عبارات زیر «واو» دلالت بر «معیت» می‌کند؟ چرا؟ آنها را ترکیب کنید:

۱. اکلَ الوالدُ و الابناء.

۲. اشترك سعيد و خليل.

۳. سار علي و الطريق.

۴. اكرمت زيدا و قومه.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## الحال (۱)

## یادآوری

۱. قیدی که هیئت فاعل یا مفعول یا... را هنگام وقوع فعل بیان می‌کند، حال است.
۲. اعراب حال، نصب و عامل آن، فعلی است که حال، هیئت فاعل یا... را در هنگام وقوع آن توضیح می‌دهد.
۳. غالباً ذوالحال معرفه و حال نکره است.
۴. حال می‌تواند مفرد، شبه جمله یا جمله باشد.
۵. در صورتی که حال شبه جمله باشد، متعلق به افعال عموم (مقدر) است.

## احکام الحال

## للحال احکام

- احدها: ان تكون منتقلة لاثابته و ذلك غالب لا لازم ك«جاء زيد ضاحكاً» و تقع وصفاً ثابتاً في مسائل، منها: ﴿وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا﴾<sup>۱</sup>.
- الثاني: ان تكون مشتقة لجامدة و ذلك ايضاً غالب لا لازم.
- و تقع جامدة في مسائل

۱. ان تدل على تشبيه نحو «كرّ زيد اسداً» اي شجاعاً؛
۲. ان تكون موصوفة نحو «فتمثل لها بشراً سوياً»؛

---

۱. مریم، آیه ۳۳.

۳. ان تكون دالة على عدد نحو ﴿فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾<sup>۱</sup>؛

۴. ان تكون فرعاً لصاحبها نحو ﴿وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا﴾<sup>۲</sup>؛

تبصرة: قد جاءت مصادر احوالا كجاء زيد ركضاً اي را كضاً.

الثالث: ان تكون نكرة لامعرفة و ذلك لازم فان وردت بلفظ المعرفة اولت بالنكرة قالوا

«جاء وحده» اي «منفرداً»<sup>۳</sup>.

### تحليل

۱. با دقت در ویژگی اول و دوم حال، یعنی منتقله بودن و مشتق بودن و هم‌چنین با توجه به غالبی بودن این ویژگی‌ها درمی‌یابیم که ویژگی اصلی حال، توضیح دهندگی آن است؛ یعنی هر قیدی که صلاحیت توضیح دادن ذوالحال را داشته باشد، حال است؛ خواه مشتق باشد یا جامد و خواه منتقله باشد یا ثابت.

۲. هم‌چنین با دقت در ویژگی‌های گفته شده درمی‌یابیم که قید «حين الحدث» (هنگام انجام فعل) در تعریف حال، قید غالبی است، زیرا در «حال ثابت» و هم‌چنین برخی از اقسام جامد، مانند قسم چهارم این قید، تحقق نمی‌یابد. البته باید توجه داشت که در همه اقسام حال، ارتباط عمیقی بین حال و حدث وجود دارد، ولی این‌که حال «توضیح هنگام حدث» باشد، غالبی است؛ به همین جهت در ترجمه «تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا» نمی‌گوییم: «کوه‌ها را درحالی که خانه‌هایی هستند، می‌تراشید»، بلکه چنین می‌گوییم: «کوه‌ها را به صورت خانه‌هایی می‌تراشید».

### پژوهش

آیا می‌دانید که در آیه شریفه ﴿فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾<sup>۴</sup> چرا اربعین ظرف نیست؟ تحلیل کنید؟

۱. اعراف، آیه ۱۴۲.

۲. اعراف، آیه ۷۴.

۳. اوضح المسالك، ج ۲، ص ۲۵۰ - ۲۵۶.

۴. اعراف، آیه ۱۴۲.

### تعرین

عبارات زیر را تحلیل و ترکیب کنید:

۱. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾.<sup>۱</sup>
۲. ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا﴾.<sup>۱</sup>
۳. ﴿يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا﴾.<sup>۲</sup>



مرکز تحقیقات کلامی و تفسیری علوم اسلامی

---

۱. یوسف، آیه ۲.

۲. انعام، آیه ۱۱۴.

۳. آل عمران، آیه ۱۹۱.

## الحال (٢)

## تعريف ذى الحال و تنكيره

لما كانت الحال خبراً في المعنى و صاحبها مخبراً عنه اشبه المبتداء فلم يجر مجيء الحال من النكرة الا بمسوغ من مسوغات الابتداء و من المسوغات:

١. النفي و النهي و الاستفهام نحو ﴿وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَهِيَ كِتَابٌ مَعْلُومٌ﴾؛  
«لا يُضَلُّ أَحَدٌ غَافِلًا»، «هَلْ حُمُّ عَيْشٍ بَاقِيًا»؛
٢. الوصف: نحو ﴿جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ﴾؛<sup>١</sup>
٣. الاضافة: نحو ﴿وَوَحَّشْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا﴾،<sup>٢</sup> و غيرها.

## رتبة الحال:

الاصل في الحال ان تتأخر عن صاحبها و قد تتقدم عليه نحو «جاء راكباً سعيداً» كما ان الاصل ان تتأخر عن عاملها و قد تتقدم عليه كقوله تعالى ﴿خُشِعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ﴾.<sup>٥</sup>  
و تتقدم عليه وجوباً في صور منها ان يكون لها صدر الكلام نحو «كيف رجع سليم؟»

١. حجر، آية ٤.

٢. البقرة، آية ١٠١.

٣. انعام، آية ١١١.

٤. يعنى مقابل و مواجه به أنها.

٥. قمر، آية ٧.



فان اسماء الاستفهام لها صدر جملتها (كيف اسم استفهام مبني على الفتح و هو في محل نصب على الحال من «سليم» اي على اية حال جاء؟).<sup>۱</sup>

### پژوهش

چه شباهت‌هایی بین بحث حال با «خبر» می‌بینید؟ آنها را تحلیل کنید.

### تمرین

عبارات زیر را تحلیل و ترکیب کنید:

۱. ﴿وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا﴾.<sup>۲</sup>

۲. لا یبغ امرء علی امرئ مستهلاً.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علوم اسلامی

۱. ر.ک: همع الهوامع، ج ۱، ص ۲۴۰؛ جامع الدروس، ج ۳، ص ۸۵ - ۸۸.  
 ۲. نساء، آیه ۷۹.

٤١

الحال (٣)

الجملة الحالية

يشترط في الجملة الواقعة حالاً

(أ) أن تكون خبرية فلا تصح الإنشائية.

(ب) ان تكون مجردة من علامة تدل على الاستقبال كالسّين و سوف.

(ج) ان تكون مشتملة على رابط يربطها لصاحبها و لولا الرابط لكانت الجملتان

منفصلتين لاصلة بينهما.

الرابط في الجملة الحالية

الرابط قد يكون واواً مجردة تسمى «واو الحال» و قد يكون الضمير وحده و قد يكون الواو و الضمير معاً.

پژوهش

آیا می توانید عبارت «وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي» را ترکیب و تحلیل و ترجمه کنید؟

### تمرین

عبارات زیر را تحلیل و ترکیب کنید:

۱. ﴿وَجَاءَ وَآبَاهُمُ عِشَاءً يَبْكُونَ﴾<sup>۱</sup>.
۲. من مات و هو لا يعرف امامه مات ميتة جاهلية.<sup>۲</sup>
۳. عجبت لمن يقنط و معه الاستغفار.<sup>۳</sup>



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

---

۱. یوسف، آیه ۱۶.  
۲. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۶.  
۳. نهج البلاغه، حکمت ۸۷.

## التمییز (۱)

## یادآوری

۱. تمییز، کلمه‌ای است که ابهام موجود در ذات کلمه یا نسبت را برطرف می‌کند؛ مانند: «هذا ذراع ارضاً» و «زید ارجح منك عقلاً».
۲. اعراب تمییز، نصب است و عامل آن در تمییز مفرد، همان شیء مبهم (مقادیر، اعداد) و عامل تمییز نسبت، فعل یا شبه فعلی است که متضمن نسبت مبهم است. بنابراین در مثال اول از مثال‌های بالا، عامل «ذراع» و در مثال دوم عامل، «ارجح» است.

## اقسام التمییز المبیّن للذات

## التمییز المبیّن للذات علی اقسام:

احدها: ان يقع بعد الاعداد و هي الاحد عشر فما فوقها الى المائة: قال الله تعالى: ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا﴾<sup>۱</sup> ﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً﴾<sup>۲</sup> ﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً﴾<sup>۳</sup>

القسم الثاني: ان يقع بعد المقادير و هو علی ثلاثة اقسام:

احدها: ما يدلّ علی الوزن كقولك «رطل زيتاً» و الثاني ما يدلّ علی مساحة كقولك «شبر ارضاً» و الثالث ما يدلّ علی الكيل كقولهم «قفيز برأ».

۱. يوسف، آیه ۴.

۲. الاعراف، آیه ۱۳۲.

۳. ص، آیه ۲۳.

القسم الثالث: ان يقع بعد شبه هذه الاشياء كقول الله تعالى ﴿مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا﴾<sup>۱</sup> و كقولهم: «على النمرة مثلها زبداً».

### تحلیل

همان طور که دیدید، در قسم اول تمییز ذات فقط بخشی از اعداد، یعنی بین ۱۱ تا ۹۹ ذکر شد. دلیل این مطلب آن است که بقیه اعداد از جهت پذیرش تمییز و نوع آن، به سه دسته تقسیم می‌شوند. این اقسام را ابن هشام چنین بیان کرده است:

احدها: ما لا يحتاج الى تمییز اصلاً و هو الواحد و الاثنان؛

الثاني: ما يحتاج الى تمییز مجموع مجرور و هو الثلاثة و العشرة و ما بينهما، كقولك: عندي ثلاثة رجال و عشر نسوة؛

الثالث: ما يحتاج الى تمییز مفرد مجرور و هو المائة و الألف كقوله تعالى: ﴿قَلْبِي

فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ...﴾<sup>۲</sup>.

### پژوهش

آیا در مثال‌هایی چون «الف سنة»، کلمه «سنة» تمییز است؟ چرا؟

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

### تمرین

عبارات زیر را تحلیل و ترکیب کنید:

۱. ﴿فَأَجْلِدُوهُمْ نَجْنِينَ جَلْدَةً﴾<sup>۳</sup>.

۲. ﴿وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ﴾<sup>۴</sup>.

۳. ﴿فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾<sup>۵</sup>.

۱. زلزله، آیه ۷.

۲. شذور الذهب، ص ۲۷۶ - ۲۷۸ و ص ۴۶۱ - ۴۶۳.

۳. عنكبوت، آیه ۱۴.

۴. نور، آیه ۴.

۵. نمل، آیه ۴۸.

۶. اعراف، آیه ۱۴۲.

## التمییز (۲)

اقسام التمییز المفسر ابهام النسبة

ان التمییز المفسر ابهام النسبة يكون:

۱. منقولاً عن الفاعل نحو «فاض الاناء ماء» اي فاض ماء الاناء؛

او عن مفعول نحو حصدنا الارض قمحاً اي حصدنا قمح الارض؛

او عن مبتداء نحو زيد ارجح منك عقلاً اي عقل زيد ارجح من عقلك.

۲. غير منقول عن شيء نحو ﴿كفى بالله وكيلاً﴾ فلا يكون اصله «كفى بوكيل الله»

فائدة: يكون التمییز غير منقول اذا لم يمكن رده الى تركيب يقع فيه فاعلاً او مفعولاً به

او مبتداءً و المنقول خلاف ذلك.

## تحليل

به مطالب بالا دقت كنيد. در تمییز نسبت، طرفین نسبت، طرفین واقعی نیستند؛ مثلاً در عبارت «فاض الاناء ماء» نسبت بین «فاض» و «ماء» است نه «فاض» و «الاناء» و در حقیقت، همین مسئله باعث ابهام در نسبت شده است. این نکته، روش مهمی در جهت تشخیص نسبت مبهم و تمییز نسبت است. آیا می‌توانید به کمک این نکته، به تحلیل عبارت «كفى بالموتِ واعظاً» پردازید؟

### تعرین

عبارات زیر را ترکیب و تحلیل کنید:

۱. ﴿وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا﴾.<sup>۱</sup>
۲. ﴿أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا﴾.<sup>۲</sup>
۳. ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا﴾.<sup>۳</sup>
۴. ﴿وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا﴾.<sup>۴</sup>



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

- 
۱. قمر، آیه ۱۲.
  ۲. کهف، آیه ۳۴.
  ۳. فصلت، آیه ۳۳.
  ۴. اسراء، آیه ۲۱.
  ۵. لام مفتوحه در «للاخره» لام تأکید است.

## الاستثناء (۱)

## تعريف الاستثناء

«ان اسلوب الاستثناء هو اسلوب اهل الحساب في عملية الطرح و لذا قال النحاة في تعريف الاستثناء الاصطلاحي: «هو اخراج ما بعد الا او احدى اخواتها من حكم ما قبله»

فالمخرج يسمى «مستثنى» و المخرج منه «مستثنى منه».

فالاستثناء في «جاء القوم الا خالداً» صرف لفظ المستثناة عن عمومها باخراج المستثناة من الحكم السابق فاذا قلت: «جاء القوم» ظن أن خالداً داخل معهم في حكم المجيء فاذا استثنيتهم منهم فقد صرفت لفظ القوم عن عمومها باستثناء احد افراده و هو «خالد» من حكم المجيء الثابت للقوم.

هذا هو الاستثناء الحقيقي و يسمى الاستثناء المتصل.<sup>۱</sup>

## تحليل

با دقت در متن بالا می توان دریافت که استثنای متصل دارای دو قید اصلی است.

اول: مستثناة جزء مستثنامنه است.

دوم: مستثناة از حکم مربوط به مستثنامنه خارج شده است.

در استثنای متصل، ماقبل «الأ» از جهت معنا یک جمله کامل است و از این رو، به آن

۱. النحو الوافي، ج ۲، ص ۲۹۲؛ جامع الدروس، ج ۳، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.



تام گفته می شود؛ خواه مثبت باشد، مانند مثال های مذکور و یا منفی باشد، مانند: «ما جاءني القوم الا خالداً».

### حکم اعراب المستثنا في الاستثناء المتصل

يجب نصب المستثنا متى كانت الجملة قبل الأ تامة و مثبتة نحو «جاء القوم الا خالداً» و يجوز نصب المستثنى و بدليته متى كانت الجملة قبل الأ تامة و منفية نحو «ما جاء القوم الا خالداً او خالداً»<sup>۱</sup>.

### پژوهش

آیا می توانید بگویید که جمله «هل يثمر العالم الا العامل» موجب است یا غیرموجب؟ چرا؟

### تمرین

عبارات زیر را تحلیل و ترکیب کنید:

۱. ﴿تَوَلَّوْا اِلَّا قَلِيْلًا مِّنْهُمْ﴾<sup>۱</sup>
۲. ﴿مَا فَعَلُوْهُ اِلَّا قَلِيْلًا﴾<sup>۲</sup>
۳. ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهًا لَّهٗ الْحَكْمُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ﴾<sup>۳</sup>
۴. ﴿فَلَبِثَ فِيْهِمْ اَلْفَ سَنَةٍ اِلَّا خَمْسِيْنَ عَامًا﴾<sup>۴</sup>

۱. مباهى العربيه، ج ۲، ص ۲۶۰ و ۲۶۱. (با تلخیص و تصرف)

۲. بقره، آیه ۲۴۶.

۳. نساء، آیه ۶۶.

۴. قصص، آیه ۸۸.

۵. عنكبوت، آیه ۱۴.

## الاستثناء المنقطع

هو ما لم يكن المستثنى بعضاً من المستثنى منه نحو «رجع المسافرون الأ دوابهم» و اعلم انه لا يكون الاستثناء المنقطع الا اذا كان للمستثنى علاقة بالمستثنى منه فيتوهم بذكر المستثنى منه دخول المستثنى معه في الحكم فتقول «جاء السادة الأ خدمهم» اذا كان العادة انهم يجيئون معهم فان لم يكن من العادة ذلك فلا معنى لهذا الاستثناء و تقول «رجع المسافرون الأ دوابهم» لان الاخبار برجوعهم يتوهم منه ان دوابهم معهم.

مركز تقيت كميتر علوم رسدي

## اعراب المستثنا في المنقطع

«ان كان المستثنى بالأ منقطعاً فليس فيه الأ نصب بالأ»<sup>١</sup>

## تمرين

عبارات زير را تحليل و تركيب كنيد.

١. ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ﴾<sup>١</sup>

٢. ﴿فَلَيْسَ عَدُوِّي إِلَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>٢</sup>

١. ر.ك: جامع الدروس، ج ٣، ص ١٢٥، ١٢٢ و ١٢٤.

٢. بقره، آية ٣٤.

٣. شعراء، آية ٧٧.

## الاستثناء المفرغ

هو ما حذف فيه المستثنى منه و الكلام غير موجب فلا بد من الامرین معاً نحو «ما تكلم الا واحد» و «ما شاهدت الا واحداً» و «ما مررت الا بزيد» و سمي مفرغاً لأن ما قبل «الا» تفرغ لطلب ما بعدها و لذلك يتوقف الاعراب في هذا الاستثناء على حسب ما يقتضيه العامل الذي قبل الا كما لو كانت غير موجودة فان احتاج ما قبلها الى مرفوع رفعت ما بعدها او الى منصوب نصبته او الى مجرور جررت.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علمی

## تحلیل

از مطالب بالا می‌توان در تشخیص استثنای مفرغ کمک گرفت، یعنی: اگر در عبارتی با حذف «الا» یک جمله کامل تشکیل شده و به عبارت دیگر ما بعد «الا» فاعل، مفعول به، حال، ... برای ماقبل بود، استثنای مفرغ خواهد بود؛ مانند: «ما جاء الا زيد» ← «ما جاء زيد».

## تمرین

عبارات زیر را تحلیل، ترکیب و ترجمه کنید:

۱. ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ﴾<sup>۱</sup>

۱. ر.ک: مبادئ العربية، ج ۴، ص ۲۸۰ و ۲۸۱؛ النحو الوافي، ج ۲، ص ۲۹۴. (با تصرف)

۲. آل عمران، آیه ۱۴۴.

۲. ﴿لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ﴾<sup>۱</sup>
۳. ﴿هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ﴾<sup>۲</sup>
۴. ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ﴾<sup>۳</sup>
۵. ﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...﴾<sup>۴</sup>
۶. ﴿إِنْ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِقَائِلَتِنَا﴾<sup>۵</sup>



مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

---

۱. بقره، آیه ۸۳  
۲. انعام، آیه ۲۷  
۳. الرحمن، آیه ۶۰  
۴. عنکبوت، آیه ۴۶  
۵. روم، آیه ۵۳

## الجار و المجرور (۱)

## یادآوری

۱. حروف جر فقط بر سر اسم وارد می‌شوند و آن را جر می‌دهند.

۲. معانی حرف جر:

الف) باء: سببیت، تعدیه؛

ب) من: ابتدای مسافت، ابتدای زمان، تاکید؛

ج) الی: انتهای مسافت، انتهای مدت زمانی؛

د) فی: ظرفیت؛

ه) علی: استعلاء.

## معانی حروف الجر

۱. اللام

الف) للملك نحو ﴿الله ما في السموات﴾؛

ب) للاختصاص: نحو «ان له ابا»؛

ج) للتعلیل: نحو «صلّ للتقرب»؛

د) للتقوية: و هي الداخلة على مفعول عامل ضَعْف بالتأخير: نحو «الربهم يرهبون» او

بكونه فرعا في العمل نحو «فعال لما يريد».

۲. عن

الاصل في معني «عن» المجاوزة الحقيقية نحو «رحلت عن الوطن» او المجازية نحو «اخذت العلم عن زيد».

۳. الكاف

الاصل في معني «الكاف» التشبيه نحو «زيد كالاسد».  
و تأتي ايضاً للتوكيد نحو «ليس كمثل شي» اي «ليس شي مثله».

۴. حتى

حتى للانتهاء كـ «الى» كقوله تعالى: ﴿سَلِّمُوا هِيَ حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ﴾.

تمرين

۱. در عبارات زیر معانی حرف جر را تحلیل کنید:

الف) ﴿فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا﴾<sup>۱</sup>

ب) ﴿وَإِنَّا لَهُ لَحَنَفِظُونَ﴾<sup>۲</sup>

۲. عبارت زیر را ترکیب و تحلیل کنید:

قال رسول الله ﷺ: «من قبل ولده كتب الله له حسنة».

۱. نجم، آیه ۲۹.

۲. حجر، آیه ۹.

## الجار و المجرور (٢)

## اقسام حروف الجر

تنقسم هذه الحروف الى قسمين: قسم لا يجر الا الاسماء الظاهرة نحو «حتى» و «الكاف» فلا يقال «حتاه» و قسم يجر الاسماء الظاهرة و المضمرة نحو: من، الى، في، عن، على، الباء.



و كذا تنقسم الى حروف اصلية وزائدة:

(أ) الحرف الاصلي و هو الذي يؤدي معنى جديداً (غير التأكيد) في الجملة و يوصل بين العامل و الاسم المجرور فهو بمنزلة الوسيط يجعل عامله اللزوم متعدياً حكماً و يعبر النحاة عن كل هذا تعبيراً اصطلاحياً هو «ان الجار الاصلي مع مجروره، متعلقان بالعامل» فالمراد من تعلقهما بالعامل هو ارتباطهما به لتكمله معناه الفرعي فالمجرور بالحرف الاصلي بمنزلة مفعول به لذلك العامل الا ان المفعول به منصوب و لا يصح تسميته مفعولاً به حقيقياً و انما يقتصر في اعرابه على انه «اسم مجرور بالحرف»

(ب) الحرف الزائد و هو الذي لا يفيد معنى جديداً و إنما يؤكد معنى الجملة كما يفيد تكرار الجملة و لهذا لا يحتاج الى شي يتعلق به و لا يتأثر المعنى الاصلي بحذفه نحو ﴿وَكَفَىٰ

بِاللّٰهِ شَهِيدًا﴾

## پژوهش

با مراجعه به آموخته‌های خود، چند حرف زائد را می‌توانید بنویسید؟

## تمرین

جملات زیر را ترکیب نموده و حرف جر اصلی و زائد را بنویسید و خصوصیات آنها را تحلیل کنید:

۱. ﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾<sup>۱</sup>

۲. ﴿الرَّكْتَبُ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾<sup>۲</sup>



مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

---

۱. فصلت، آیه ۴۶.

۲. ابراهیم، آیه ۱.



## الجار و المجرور (۳)

## اعراب المجرور بحرف الجر الزائد

لا بد من امرين في الاسم المجرور بالحرف الزائد.

۱. ان يكون مجروراً في اللفظ؛

۲. ان يكون (مع ذلك) في محل رفع او نصب علي حسب مقتضيات العوامل.

ففي مثل «وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا»، تعرب البناء حرفاً زائداً، «الله» مجرور بها في محل رفع لانه فاعل اذ الاصل «كفى الله» فاذا جاء تابع لهذا الاسم المجرور جاز فيه امران: إما الجر مراعاة للفظ المتبوع و إما حركة اخرى يراعي فيها محل المتبوع لالفظه نحو «كفى بالله القادر او القادر شهيداً» و مثل هذا يجري في سائر التوابع.

## حذف المتعلق

«اذا دل المتعلق علي وجود مطلق و جب حذفه للاستغناء عنه و هذا فيما اذا كان الجار و المجرور صلة او خبراً او صفة او حالاً نحو «مررت بالذي في المدينة»، «القمر في كبد السماء»، «شاهدت باخرة في متن البحر»، «جاء الامير على مركبه» فالمتعلق محذوف وجوباً تقديره «كان» او «كائن» و «ما اشبه ذلك»<sup>۱</sup>.

## تحليل

همان طور كه می دانید، متعلق حروف جر، فعل یا شبه فعلی است كه با اسم ما بعد

۱. لازم به ذکر است كه در موارد بالا، در واقع «متعلق» خبر یا حال یا صله یا صفت است.

۲. ر.ك: النحو الوافي، ج ۲، ص ۴۱۸ و ۴۱۹؛ مبادئ العربية، ج ۴، ص ۲۹۷.

حرف جر ارتباط دارد. این ارتباط، هم یک ارتباط لفظی است و هم ارتباط معنوی. در مثال «ذهبت الی المدرسة»، «ذهب» فعل لازم بوده و نمی تواند «المدرسه» را مفعول خود قرار دهد، به همین جهت از حرف جر استفاده شده تا بین فعل «ذهب» و «المدرسه» ارتباط ایجاد کند. این یک ارتباط لفظی است.

اما علاوه بر این ارتباط، حرف جر «الی» بیان می کند که «المدرسه» انتهای مسیر «ذهاب» است که به این ارتباط، ارتباط معنوی می گوئیم.

شما می توانید از ارتباط معنوی در تشخیص متعلق حروف جر کمک بگیرید، زیرا متعلق حرف جر، فعل یا شبه فعلی است که حرف جر، ارتباط معنوی بین آن و اسم مابعد خود ایجاد کرده است. برای مثال، در عبارت «جاء الامیر علی المركب»، «علی» معنای «استعلاء» دارد، ولی آیا می توان گفت «علی» رابطه استعلای بین «جاء» و «المركب» را بیان می کند؟ با توجه به این که «آمدن» (جاء) بر روی «مركب» واقع نشده، رابطه مذکور بین «جاء» و «المركب» نیست و به همین دلیل، «علی المركب» نمی تواند متعلق به «جاء» باشد، اما می تواند متعلق به «استقر» باشد، زیرا جایگاه استقرار «امیر» را بیان می کند. از این رو، گفته می شود که در مثال بالا «علی المركب» متعلق به «افعال عموم» است.

### پژوهش

آیا می دانید که متعلق جار و مجرور در کدام یک از موارد «حال، صفت، صله و خبر» حتماً باید فعل باشد؟

### تمرین

عبارات زیر را تحلیل و ترکیب کنید:

۱. ﴿لَيْسَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾<sup>۱</sup>.
۲. ﴿وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَهِيَ كِتَابٌ مَعْلُومٌ﴾<sup>۲</sup>.
۳. ﴿مَا أَخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنَ إِلَهٍ﴾<sup>۳</sup>.

۱. کنز العمال، خبر ۲۹۰۶۷.

۲. حجر، آیه ۴.

۳. مؤمنین، آیه ۹۱.

## الاضافة (۱)

## یادآوری

۱. ترکیب‌هایی چون «حصیر المسجد» که نوعی تعلق کلمه اول به کلمه دوم را می‌رساند، ترکیب اضافی گویند.
۲. در ترکیب اضافی، کلمه اول مضاف و کلمه دوم مضاف‌الیه است.
۳. مضاف‌الیه همیشه مجرور بوده، ولی مضاف به حسب مقتضای عامل، اعراب می‌گیرد؛ مانند: جاء غلامٌ زید، رأیتُ غلامَ زید، مررتُ بغلامِ زید.
۴. اضافه از جهت نوع تعلق، سه قسم است:  
اول: اضافه‌هایی چون «خاتم حدید» که در آن، مضاف‌الیه جنس مضاف را بیان می‌کند.  
دوم: اضافه‌هایی چون «رحلة الصیف» که در آن مضاف‌الیه، ظرف مضاف است.  
سوم: اضافه‌هایی چون «ثوب زید» و «ید زید» که در آن مضاف، ملک مضاف‌الیه یا اختصاص به آن دارد.
۵. بر اثر اضافه، کلمه «تنوین» و «نون عوض تنوین» را از دست می‌دهد.

## الاضافة

هي في اللغة «الامالة» و منه ضافت الشمس للغروب اي مالت و في الاصطلاح نسبة تقييدية بين اسمين توجب لثانيهما الجرّ و تنقسم الى قسمين: معنوية و لفظية.  
(أ) الاضافة المعنوية: هي نسبة اسم الى آخر على معنى حرف الجر اللام او في او من

نحو غلام زيد، صلاة الجمعة و خاتم فضة و هي التي تفيد تعريفاً اذا كان المضاف اليه معرفة او تخصيصاً اذا كان نكرة.

ب) الاضافة اللفظية: ان يضاف المشتق الى مفعوله في قولك «هو ضارب زيد» بمعنى ضاربٌ زيدا او الى فاعله كقولك زيدٌ حسن الوجه بمعنى حسن وجهه و المعني كما هو قبل الاضافة و لا تفيد الا تخفيفاً في اللفظ.<sup>١</sup>

### پژوهش

آيا مي توانيد بگوييد عبارت زير مربوط به کدام قسم از اقسام اضاافه است؟ چرا؟  
ان كان الكلمة معرفة لم يصح اضافتها الى المعرفة لأنه لا يستفيد منها شيئاً.<sup>٢</sup>

### تمرين

در عبارات زير مضاف و مضاف اليه را تشخيص داده، نوع اضاافه و فوايد آن را تحليل كند:

١. ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾<sup>٣</sup>
٢. ﴿وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ آلِ قَيْنَمَةَ﴾<sup>٤</sup>
٣. «ان الدنيا لمفسدة الدين مسلبة اليقين و أنها لرأس الفتن...»<sup>٥</sup>

١. رك: همع الهوامع، ج ٢، ص ٢٥ - ٢٧؛ مبادئ العربية، ج ٤، ص ٣٠٠؛ المفصل في علم العربية، ص ١٠٥.  
٢. رك: النحو الوافي، ج ٣، ص ٢٣.  
٣. تكوير، آية ١٩.  
٤. اسراء، آية ٥٨.  
٥. عبدالواحد آمدی تمیمی، غررالحكم، ص ٢٢٩.

## الاضافة (٢)

تقسيم الاسم من ناحية وقوعه مضافاً و عدم وقوعه:  
 من الاسماء ما تمتنع اضافته كالضمائر و اسماء الاشارة و اسماء الموصولة و اسماء الشرط و  
 اسماء الاستفهام إلا اياً فهي تضاف و منها ما هو صالح للاضافة و الإفراد (اي عدم الاضافة)  
 كغلام و كتاب و حصان و نحوها.  
 و منها ما هو واجب الاضافة فلا ينفك عنها.

و ما يلزم الاضافة على نوعين: نوع يلزم الاضافة الى المفرد نحو: «عند، لدي،  
 بين، ذو، فوق، تحت، يمين، شمال، امام، خلف، قبل، بعد، مع، كل، بعض، غير، اي»  
 و نوع يلزم الاضافة الى الجملة نحو: «اذ»، «حيث»، تضافان الى الجمل الفعلية و  
 الاسمية على تأويلها بالمصدر نحو ﴿وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا﴾<sup>١</sup> و نحو «اجلس  
 حيث العلم موجود».

## تقدير المضاف اليه

«كل، بعض، مع و اي» يجوز ان يحذف ما تضاف اليه، في اللفظ و تعرب منونة نحو ﴿فَضَّلْنَا  
 بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ﴾<sup>٢</sup> اي على بعضهم<sup>٣</sup>.

١. الاعراف، آية ٨٦.

٢. بقره، آية ٢٥٣.

٣. رك: جامع الدروس، ج ٣، ص ٢١٤ - ٢١٩؛ مبادئ العربية، ج ٤، ص ٣٠٣.

## تمرین

عبارات زیر را ترکیب و تحلیل کنید: (مبحثی که آموخته‌اید به‌طور کامل تطبیق کنید)

۱. ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾<sup>۱</sup>

۲. ﴿وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ﴾<sup>۲</sup>

۳. ﴿وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعَذَابِ﴾<sup>۳</sup>

۴. ﴿إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ﴾<sup>۴</sup>



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

---

۱. انبیاء، آیه ۳۳.

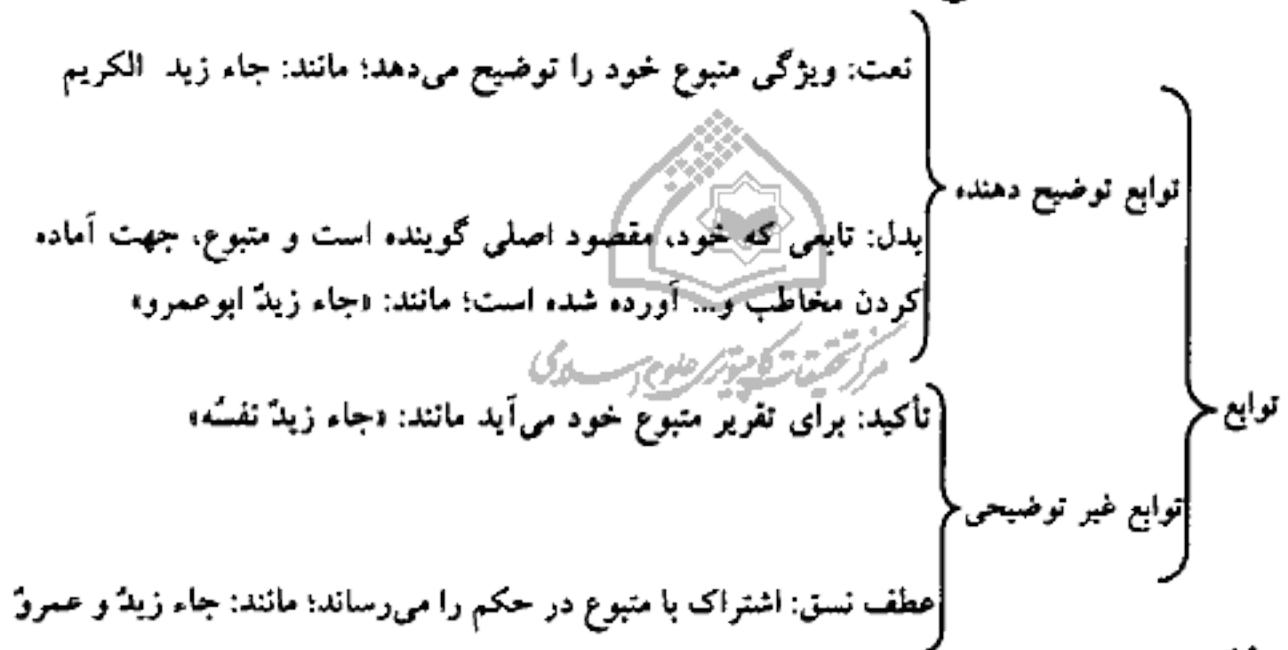
۲. یوسف، آیه ۷۶.

۳. بقره، آیه ۱۶۵.

۴. قصص، آیه ۷.

## توابع

### «چکیده مباحث توابع»



### تذکر

۱. توابع به کلماتی گفته می‌شود که در اعراب خود، از ماقبل تبعیت می‌کنند؛ مانند کلمه «العادل» در مثال‌های زیر:

قام علي العادل - رأيت علياً العادل - مردت بعلي العادل

۲. عامل در توابع همان عامل در متبوع آنهاست.

۳. توابع عبارتند از: نعت، عطف نسق، تأکید، بدل و عطف بیان که مورد اخیر، در

این جلد بررسی می‌شود.

## یادآوری

۱. نعت باید مشتق یا جامد مؤول به مشتق باشد.
۲. نعت نیز مانند خبر و حال، می تواند مفرد، جمله یا شبه جمله باشد؛ مانند: «جاء رجل علی المركب»؛ «جاء رجل ابوه قائم».
۳. جمله و شبه جمله اگر توضیح نکرده باشند، صفت و اگر توضیح معرفی باشند، حال هستند.
۴. شبه جمله وقتی صفت واقع شود (مانند حال یا خبر) متعلق به افعال عموم و مانند آنها خواهد بود.

## اقسام النعت

ینقسم النعت باعتبار معناه الی نعت حقیقی و الی نعت سببی:

- أ) فالحقیقی هو ما یدل علی معنی فی نفس منعوته و علامته ان یشتمل علی ضمیر مستتر یرعود علی ذلك المنعوت نحو «جاء علی العادل» و حکمه هو المطابقه للمنعوت وجوباً فی التذکیر و التأنیث و فی التعریف و التکثیر و فی الافراد و فروع و فی الاعراب؛
- ب) النعت السببی: هو الذي يدل علی معنی فی شیء بعده له صلة و ارتباط بالمنعوت نحو «جاء زید العادل ابوه» و علامته ان یدکر بعده اسم ظاهر مرفوع به مشتمل علی ضمیر یرعود علی

۱. گاهی به جای واژه «نعت» از واژه «صفت» استفاده می شود.



المنعوت و یربط بینہ و بین هذا الاسم الظاهر و حکمہ انه ای النعت یطابق المنعوت فی امرین معاً:  
 ۱. الاعراب؛

۲. التعریف و التَّنْکیر.

و اما من جهة افراد النعت و تثنیته و جمعه فحکمہ حکم الفعل فی محلّه نحو:

زید العادل ابوه، زید العادل ابواه، زید العادل اجداده، زید القائمة امه، زید القائمة اختاه،

زید القائمة اخواته، السماء الطالعة (او الطالع) شمسها.<sup>۱</sup>

### تحلیل

همان طور که می‌دانید، در مثال «زید العادل ابوه»، کلمه «العادل» هر چند ویژگی «اب» است، ولی نعت «زید» است. این بدان دلیل است که «اب» از متعلقات «زید» است و مردم گاه در تعریف و توضیح یک شخص، متعلقات او را توضیح می‌دهند. از همین جا می‌توان دریافت که چرا «العادل» در تعریف و اعراب از «زید» تبعیت می‌کند، ولی از جهت تعداد و جنس (مذکر یا مؤنث) از متبوع خود تبعیت نمی‌کند؟ درباره این مطلب با یکدیگر بحث کنید.



### تمرین

۱. جملات زیر را ترکیب و تحلیل کنید:

(ا) ﴿هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾.<sup>۱</sup>

(ب) ﴿أَخْرَجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا﴾.<sup>۲</sup>

۲. زیر مورد درست خط بکشید:

(ا) هذه كتبٌ تضمّت فوائداً (كثيرة، كثيرة، الكثيرة).

(ب) أكرم امرأتين (المؤدبين، مؤدبين، مؤدباً) وكُلُهُما.

(ج) هذان تلميذان (حسن، حسان، حَسَنِ) خطُهُما.

۱. النحو الوافي، ج ۳، صص ۴۴۱ - ۴۴۳.

۲. حشر، آیه ۲۴.

۳. نساء، آیه ۷۵.

## یادآوری

۱. تأکید در جایی استفاده می‌شود که مخاطب در کلام گوینده، معانی دیگری را احتمال می‌دهد؛ مثلاً احتمال می‌دهد که مقصود گوینده از عبارت «حفظت القرآن»، «بعض قرآن» باشد نه تمام آن. بنابراین، تأکید برای از بین بردن احتمال‌های دیگر در ذهن مخاطب آورده می‌شود. تأکید مانند بقیه توابع در اعراب از متبوع خود تبعیت می‌کند.
۲. تأکید بر دو قسم است: اول: تأکید لفظی که همان تکرار لفظ سابق است؛ مانند: «جاء زيد زيد». دوم: تأکید معنوی که تأکید به وسیله القاطی چون «نفس»، «عین»، «کل»، «جمیع» است؛ مانند: «جاء زيد نفسه».

## تبصره

الفاظ بالا همگی به ضمیر متبوع اضافه می‌شوند؛ مانند مثال فوق.

## الفاظ التأکید المعنوی

## للتأکید المعنوی سبعة الفاظ

الأول والثاني: النفس والعين و يوكدهما لرفع المجاز عن الذات و يجب اتصالهما بضمير مطابق للمؤكد و ان يكون لفظهما طبقه في الافراد و الجمع و اما في التثنيه فالاصح جمعهما علي «أفعل». الثالث الي السابع: كلا و كلتا للمثنى و كل و جميع و عامة لغيره.

و يجب اتصالهن بضمير المؤكد فليس منه «خلق لكم ما في الارض جميعاً» بل «جميعاً» حال.  
و يؤكد بهن لرفع احتمال تقدير «بعض» مضاف الى متبوعهن  
و يجوز اذا اريد تقوية التوكيد ان تتبع كله باجمع و كلها بجمعاء و كلهم باجمعين  
و كلهن بجمع، نحو قوله تعالى: ﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ﴾<sup>۱</sup>

### تمرین

عبارات زیر را ترکیب کرده و مطالب درس را در آن تطبیق کنید:

۱. ﴿وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ﴾<sup>۲</sup>.
۲. ﴿وَلَا يَخْزَىٰ وَيَرْضَىٰ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ﴾<sup>۳</sup>.
۳. ﴿وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ﴾<sup>۴</sup>.
۴. الدنيا كل ما جهل الا مواضع العلم...<sup>۵</sup>



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

---

۱. الحجر، آیه ۳۰.  
۲. اوضح المسالك، ج ۳، ص ۲۹۸.  
۳. حجر، آیه ۴۳.  
۴. احزاب، آیه ۵۱.  
۵. روم، آیه ۷.  
۶. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۲.

## یادآوری

۱. بدل تابعی است که خود، مقصود اصلی گوینده است و متبوع، جهت آمادگی مخاطب آورده شده است؛ مانند: «ما خاف امیرالمومنین علی رضی الله عنه من احد الا الله» بدل مانند بقیه توابع، در اعراب از متبوع خود تبعیت می کند.
۲. سه قسم از اقسام بدل عبارتند از:
  - الف) بدل کل از کل؛ مانند مثال بالا؛
  - ب) بدل جزء از کل؛ مانند: «قبل والدك يده»؛
  - ج) بدل اشتمال؛ مانند: «اعجبتني الوردة رائحتها».

## اقسام البدل

۱. بدل کل من کل و یسمی بدل المطابقة نحو ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ \* صِرَاطَ الَّذِينَ...﴾<sup>۱</sup>.
۲. بدل بعض من کل (او بدل جزء من کل) و ضابطه ان یکون البدل جزء حقیقیاً من المبدل منه نحو ﴿عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ﴾<sup>۲</sup>.
۳. بدل الاشتمال و هو تابع یعیّن امرأ لیس جزء اصیلاً للمتبوع بل من الامور المتصلة به

۱. حمد، آیه ۶ و ۷.

۲. مانده، آیه ۷۱.

نحو «اعجبني زيد علمه» و «سُرِقَ زيدٌ ثوبه او فرسه» و نحو قوله تعالى: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ﴾<sup>۱</sup>

### تحليل

در عبارت «وجدت في المدرس رجلين، رجلاً كريماً و رجلاً بخيلاً»، «رجلاً كريماً» و «رجلاً بخيلاً» تفصيل و توضيح «رجلين» است و تعريف بدل بر آنها صادق است. به اين بدل، بدل تفصيل گویند. در نظر برخی از عالمان نحو، بدل تفصيل همان «بدل كلّ از كلّ» است، توجه كنيد: «الان البدل ليس كل واحد من شقي التفصيل على حدته بل مجموعهما و هو مطابق للمبدل منه».<sup>۲</sup>

### حكم البدل من حيث التعريف و التنكير:

من جهة التعريف و التنكير لا يلزم ان يوافق متبوعه فيهما فقد يكونان معرفتين او نكرتين او متخالفين<sup>۳</sup> نحو: ﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾<sup>۴</sup>



### تمرین

عبارات زیر را ترکیب و تحلیل کنید:

۱. ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيْرًا﴾<sup>۵</sup>
۲. الامام علي عليه السلام: يهلك في رجلان: محبٌ مفرطٌ و باهتٌ مفرطٌ.<sup>۶</sup>
۳. ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾<sup>۷</sup>

۱. بقره، آیه ۲۱۷.

۲. حاشیه الصبان، ج ۲، جزء ۱، ص ۱۲۸.

۳. النحو الوافي، ج ۳، ص ۶۷۵ (با تصرف).

۴. شوری، آیه ۵۲.

۵. فرقان، آیه ۳۵.

۶. نهج البلاغه، ۴۶۹.

۷. احزاب، آیه ۲۱.

## عطف البيان

هو تابع جامد اشهر من متبوعه يوضح متبوعه ان كان معرفة، نحو: «هذا صاحبك سعيد» و يختصه ان كان نكرة، نحو: ﴿أَوْ كَفَّرَةٌ طَعَامٌ مَسْلُوكِينَ﴾<sup>۱</sup>.

و منه ما يقع بعد «اي» لتفسيرية التي تفسر بها المفردات، نحو: «رأيت ليشاً» اي «اسداً» و حكمه وجوب مطابقة متبوعه في اربعة من عشرة اي في الاعراب و الافراد و التثنية و الجمع و التذكير و التأنيث و التعريف و التنكير.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## تحلیل

به مثال «قال امیرالمؤمنین» علی علیه السلام: ... توجه کنید کلمه «علی» بدل است یا عطف بیان؟ این سؤال در واقع به سؤال دیگری برمیگردد و آن این است که مقصود گوینده از آوردن کلمه «علی» چه بوده است؟ آیا این کلمه به دلیل روشن تر بودن، مقصود واقعی از امیرالمؤمنین را بیان می کند یا مقصود اصلی گوینده، خود همین کلمه است و کلمه امیرالمؤمنین جهت آمادگی آورده شده است؟ هر دو احتمال ممکن است و تعریف بدل و عطف بیان هر دو بر کلمه «علی» صادق است. بنابراین در این گونه مثال ها که تعریف بدل و عطف بیان بر آنها صادق است و غرض گوینده نیز معلوم نیست، می توان تابع را بدل یا عطف بیان گرفت.

۱. مانند، آیه ۹۵.

۲. شرح شذور الذهب، ص ۴۳۷؛ جامع الدروس، ج ۳، ص ۲۴۲.

تمرین

عبارات زیر را ترکیب کنید:

۱. ﴿يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ﴾<sup>۱</sup>
۲. قال علي بن ابي طالب عليه السلام: اشد الذنوب ما استهان به صاحبه.<sup>۲</sup>
۳. ﴿إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ﴾.<sup>۳</sup>



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱. نور، آیه ۳۵.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۴۰.

۳. نساء، آیه ۱۵۷.

## عطف النسق (۱)

## یادآوری

۱. عطف یا معطوف تابعی است که با متبوع خود در حکم مشترک است و این اشتراک، به وسیلهٔ حرف عطف بیان می‌شود؛ مانند: «جاء زید و عمرو».
۲. همان‌طور که حروف عاطفه می‌توانند یک اسم را به اسم دیگر عطف کنند، مانند «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم»، می‌توانند جمله را به جمله عطف کنند؛ مانند «قل لی عملی و لکم عملکم».
۳. برخی از حروف عطف عبارتند از:
  - الف) «واو» که بر مطلق اشتراک دلالت دارد؛
  - ب) «فاء» که دلالت بر ترتیب و تعقیب و گاه دلالت بر سببیت نیز می‌کند (معنای سببیت غالباً در عطف جمل و مشتقات است)؛
  - ج) «ثم» که دلالت بر ترتیب و فاصله بین معطوف و معطوف‌علیه می‌کند.

## عطف النسق

۱. بالواو لمطلق الجمع و معنی کون الواو لمطلق الجمع أنها لانفتضي ترتیباً و لاعكسة و لامعية بل هي صالحة بوضعها لذلك كله فمثال استعمالها في مقام الترتیب قوله تعالى ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ﴾<sup>۱</sup> و مثال استعمالها في عكس الترتیب «و عيسى و

---

۱. نساء، آیه ۱۶۳.



- ایوب<sup>۱</sup> و مثال استعمالها في المصاحبة ﴿فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفَلَاقِ﴾<sup>۲</sup>؛
۲. بالفاء للترتيب و التعقيب نحو ﴿ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ﴾<sup>۳</sup> و كثيراً ما، تقتضي التسبب ان كان المعطوف جملة او مشتقاً نحو ﴿فَوَكَرَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ﴾<sup>۴</sup>؛
۳. بتم للترتيب و المهلة نحو ﴿ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ثُمَّ \* إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ﴾<sup>۵</sup>؛
۴. بأم المسبوقة بهمزة يُطلب بها و بأم التعيين نحو ﴿ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ﴾<sup>۶</sup>؛
۵. باو لاحد الشئين او الاشياء نحو ﴿لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ﴾<sup>۷</sup>؛

### تمرین

عبارات زیر را ترکیب کنید و از جهت معنای حروف عاطف تحلیل نماید:

۱. ﴿اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾<sup>۱</sup>.
۲. ﴿وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾<sup>۲</sup>.
۳. ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً﴾<sup>۳</sup>.
۴. ﴿أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدٌ مَا تُوعَدُونَ﴾<sup>۴</sup>.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱. نساء، آیه ۱۶۳.
۲. شعراء، آیه ۱۱۹.
۳. عبس، آیه ۲۱.
۴. قصص، آیه ۱۵.
۵. عبس، آیه ۲۱ و ۲۲.
۶. به دلیل وجود همزه استفهام، در این نوع «أم»، مخاطب منتظر جواب و پاسخ است.
۷. النازعات، آیه ۲۷.
۸. مؤمنون، آیه ۱۱۳.
۹. رکن: شذور الذهب، صص ۴۴۸ - ۴۵۰؛ لوضح المسالك، ج ۳، صص ۳۲۳ و ۳۲۴؛ مغنی للیب، ج ۱، ص ۲۱۵.
۱۰. بقره، آیه ۲۱.
۱۱. سبأ، آیه ۲۴.
۱۲. حج، آیه ۶۳.
۱۳. انبیاء، آیه ۱۰۹.

## عطف النسق (۲)

حروف العطف: «لا»، «لكن»

۱. لا:

أما «لا» فيعطف بها بشرط:

(أ) افراد معطوفها (فلا يكون المعطوف جملة)؛

(ب) أن تسبق بإيجاب اوامر نحو «هَذَا زَيْدٌ لِعَمْرٍو»، «اضْرِبْ زَيْدًا لِعَمْرًا» و معناها «نفي

الحكم الثابت لما قبلها عما بعدها».

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۲. لكن:

أما «لكن» فعاطفة بشروط:

(أ) افراد معطوفها؛

(ب) ان تسبق بنفي او نهي؛

(ج) ان لاتفترن بالواو نحو: «لا يقوم زيد لكن عمرو»، و معناها تقرير ما قبلها و اثبات

ضده لما بعدها.<sup>۲</sup>

## تحليل

در بحث حروف مشبهة بالفعل، با حرف «لكن مخففه» آشنا شديد. تفاوت این «لكن» با

«لكن عاطفه» در این است که:

۱. اوضح المسالك، ج ۳، ص ۳۴۸؛ شذورالذهب، ص ۴۵۱.

۲. اوضح المسالك، ج ۳، ص ۳۴۵؛ شذورالذهب، ص ۴۵۰ و ۴۵۱.

۱. «لکن مخففه» بر سر جمله می‌آید، ولی لکن عاطفه بر سر مفرد.
۲. لازم نیست که جمله قبل «لکن مخففه» معنای نفی یا نهی داشته باشد، ولی جمله قبل «لکن عاطفه» باید معنای نفی یا نهی داشته باشد.

### تمرین

جملات زیر را ترکیب نموده و معانی حروف عطف را در آنها تحلیل کنید:

۱. ﴿وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً﴾<sup>۱</sup>

۲. الملق وضاعة لا وداعة و خسة لا كياسة.

۳. لا تجالس الاشرار لکن الاخيار.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## عطف النسق (٣)

## العطف على الضمير المتصل المرفوع

إذا كان المعطوف عليه ضميراً مرفوعاً متصلاً سواء اكان مستتراً ام بارزاً يستحسن عند العطف عليه فصله بالتوكيد اللفظي او المعنوي او بغيرهما فالفصل بالتوكيد اللفظي يتحقق بضمير منفصل مناسب نحو ﴿أَسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾<sup>١</sup> ﴿لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ﴾<sup>٢</sup>.

الفصل بالتوكيد المعنوي يتحقق بوجود لفظ من الفاظه بين المتعاطفين نحو «جاؤوا كلهم و مواشيهم». و يُغني عن التوكيد بنوعيه وجود فاصل آخر «اي فاصل» بين المتعاطفين كالضمير «ها» في قوله تعالى في المومنين الصالحين: ﴿جَنَّتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ ءَابَائِهِمْ﴾<sup>٣</sup>.

## العطف على الضمير المجرور

و لا يكثر العطف على الضمير المخفوض (المجرور) الا باعادة الخافض (الجار) حرف جر كان او مضافاً نحو ﴿فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ﴾<sup>٤</sup> ﴿تَعْبُدُونَ إِلَهَكَ وَإِلَهَ ءَابَائِكَ﴾<sup>٥</sup> و ليس بلازم.

١. بقره، آية ٣٥.

٢. انبياء، آية ٥٤.

٣. رعد، آية ٢٣.

٤. فصلت، آية ١١.

٥. بقره، آية ١٣٣.

٦. ر.ك: النحو الوافي، ج ٣، ص ٦٣١ و ٦٣٢ اوضح المسالك، ج ٣، ص ٣٥٢ و ٣٥٣.

تمرین

عبارات زیر را ترکیب و مباحث عطف را بر آنها تطبیق کنید:

۱. ﴿مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا﴾<sup>۱</sup>.
۲. ﴿لَقَدْ كُنْتُمْ أَشْرَءَ آبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾<sup>۲</sup>.
۳. ﴿وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ﴾<sup>۳</sup>.
۴. ﴿اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ﴾<sup>۴</sup>.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱. انعام، آیه ۱۴۸.

۲. انبیاء، آیه ۵۴.

۳. مؤمنون، آیه ۲۲.

۴. انعام، آیه ۶۴.

## مفردات و جمل



## حروف العامل و غیرالعامل

## یادآوری

۱. حروف عامل حروفی هستند که در مابعد خود عملی مانند جزم انجام می‌دهند؛ مانند «کم» در مثال «کم یضرب» و حروف غیرعامل حروفی هستند که در اعراب مابعد خود تأثیری ندارند؛ مانند: «هل» در «هل یضرب»؟
۲. برخی از حروف عامل عبارتند از:
  - الف) حروف ناصب مضارع: ان، لن، کی، اذن؛
  - ب) حروف جازم مضارع: لم، لمتا، لام امر، لانهی، ان شرطیه؛
  - ج) حروف جازه: باء، من، ...؛
  - د) حروف نداء؛ مانند «یا».
۳. برخی از حروف غیرعامل عبارتند از:
  - الف) حروف استفهام: ا، هل؛
  - ب) حروف شرط غیرعامل: لو؛
  - ج) حروف جواب: نعم و لا.

## انواع الحروف

۱. ما يدخل على الاسماء و الافعال و هذا لا يعمل شيئاً كـ «هل» مثاله: ﴿فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ﴾<sup>۱</sup>، ﴿وَهَلْ أَنْتَ نَبُؤُا الْخَصِيمِ﴾<sup>۲</sup> ففي المثال الاول دخولها على الاسم و في الثاني دخولها على الفعل.
۲. ما يختص بالاسماء فيعمل فيها كـ «لما» مثل قوله تعالى ﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾<sup>۳</sup>.
۳. ما يختص بالافعال فيعمل فيها كـ «لم» مثل قوله تعالى ﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾.

## تحليل

۱. حروفی چون «انما» و امثال آن، «ان» مخففة» و امثال آن، «ما» و «لا» و «ان» نافية مهملة جزء قسم اول هستند، زیرا هم بر «اسم» و هم بر فعل داخل می شوند، مانند ﴿إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ﴾<sup>۴</sup>، ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ...﴾<sup>۵</sup>.
۲. حروفی چون «ان» و اخوات آن، ادوات نافية عامله (ما، لا، ان) را می توان جزء قسم دوم دانست، زیرا فقط بر سر اسم وارد می شوند و عمل می کنند؛ مانند: ﴿إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾<sup>۶</sup>، ﴿مَا هَذَا بَشَرًا﴾<sup>۷</sup>.
۳. حروف ناصبه (ان، لن، كي، اذن) و حروف جازمه (لم، لما، لام امر، لانهی، ان شرطیه) جزء قسم سومند، زیرا فقط بر سر فعل وارد شده و عمل می کنند؛ مانند ﴿وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ﴾<sup>۸</sup>، ﴿لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ﴾<sup>۹</sup>.

۱. انبياء، آیه ۸۰

۲. ص، آیه ۲۱

۳. ذاریات، آیه ۲۲

۴. كهف، آیه ۱۱۰

۵. توبه، آیه ۱۸

۶. بقره، آیه ۲۲۰

۷. يوسف، آیه ۳۱

۸. بقره، آیه ۱۸۴

۹. جمعه، آیه ۳



### تبصره

با قسم سوم استثنا نیز در «نحو ۱» آشنا شدید. «لو» شرطیه فقط بر سر فعل وارد می‌شود، ولی عمل نمی‌کند؛ مانند: ﴿وَلَوْ زِدُوا لَعَادُوا﴾<sup>۱</sup> و در آینده با موارد دیگر چون «قد» که فقط بر سر فعل می‌آید، ولی عمل نمی‌کند، آشنا خواهید شد.

### پژوهش

آیا می‌دانید حروفی چون «حتی» در مثل «سرت حتی ادخل البصره» جزء کدام قسم است.

### تمرین

در عبارات زیر حروف عامل و غیرعامل را تعیین نموده با توجه به اقسام بالا تحلیل کنید:

۱. ﴿وَمِنْهُمْ مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا...﴾<sup>۱</sup>

۲. ﴿أَصْلَوْتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرَكَ مَا يَعْْبُدُ ءَابَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ

إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَكِيمُ الرَّشِيدُ﴾<sup>۲</sup>



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

۱. انعام، آیه ۲۸.

۲. توبه، آیه ۵۸.

۳. هود، آیه ۸۷.

## الحروف غير العامل (١)

١. ألا:

«ألا» على وجوه منها:

(الف) التثنية فتدل على تحقق ما بعدها و تدخل على الجملة الاسمية كقوله تعالى: ﴿أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ﴾<sup>١</sup> و الجملة الفعلية نحو: «الا ينجح من اجتهد»؛  
 (ب) العرض و التحضيض و معناهما طلب الشيء ولكن العرض طلب بليغ و التحضيض طلب بحث و تختص «الا» هذه بالفعلية نحو ﴿فَجَاءَ بِعِجْلِ سَمِيرِ بْنِ \* فَفَرَّكَهُ إِيَّاهُمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ﴾<sup>٢</sup>، ﴿أَلَا تَقْتُلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ﴾<sup>٣</sup>؛  
 ٢. قد:

قد الحرفية مختصة بالفعل المتصرف الخبري المثبت المجرد من جازم و ناصب و حرف تنفيس (السين و سوف) و لها معان منها:  
 (الف) تقريب الماضي من الحال، تقول قام زيد فيحتمل الماضي القريب و الماضي البعيد فان قلت «قد قام» اختص بالقريب؛  
 (ب) التقليل نحو «قد يصدق الكذوب»؛  
 (ج) التحقيق نحو «قد افلح من زكّاه»<sup>٥</sup>.

١. بقره، آية ١٣.

٢. ذاريات، آية ٢٦ و ٢٧.

٣. توبه، آية ١٣.

٤. معنى الأديب، ص ٣٣ - ٣٥.

٥. معنى اللبيب، ج ١، ص ٢٢٧ و ٢٢٨، ٢٣٠ و ٢٣١.

تمرین

در عبارات زیر معانی حروف را تحلیل نموده و سپس جمله را ترکیب کنید:

۱. ﴿أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾<sup>۱</sup>.
۲. ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ﴾<sup>۲</sup>.
۳. ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾<sup>۳</sup>.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

۱. نور، آیه ۲۲.

۲. یونس، آیه ۶۲.

۳. مؤمنون، آیه ۱.

الحروف غير العامل (۲)

لولا

لولا على وجوه منها:

۱. ان تدخل على جملتين (اسمية و فعلية) لربط امتناع الثانية بوجود الاولى نحو ﴿لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup> و ليس المرفوع بعد لولا فاعلاً بفعل محذوف بل رفعه بالابتداء و حذف الخبر (موجوداً) وجوباً للعلم به؛
۲. ان تكون للتحضيض و العرض فتختص بالمضارع نحو ﴿لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ﴾<sup>۲</sup> و بما في تاويل المضارع و هو الماضي لفظاً معناه الاستقبال نحو ﴿لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ﴾<sup>۳</sup>؛
۳. ان تكون للتوبيخ و التنديم فتختص بالماضي نحو ﴿لَوْلَا جَاءَ وَعَلَيْهِ بِأَرْعَافٍ شُهَدَاءُ﴾<sup>۴</sup>؛

تحليل

۱. با مقایسه مباحث مربوط به «الّا» در درس قبل و «لولا» در می یابیم که این حروف، هرگاه بر طلب (عرض، تحضيض) دلالت کنند، بر سر فعلی وارد می شوند. دلیل این

۱. سبأ، آیه ۳۱.

۲. النمل، آیه ۴۶.

۳. منافقون، آیه ۱۰.

۴. نور، آیه ۱۳.

۵. معنی اللیب، ج ۱، ص ۳۵۹ و ۳۶۱؛ حاشیه الصبان، ج ۱، جزء ۱، ص ۲۱۵؛ عبدالغنی الدقر، معجم النحو، ص ۳۱۷.

مسئله روشن است، زیرا «طلب» همیشه به یک «عمل» (فعل) تعلق می‌گیرد. این مسئله در مورد توبیخ نیز صادق است.

۲. عرض و تحضیض از اقسام طلبند و از این رو همیشه به عملی در آینده تعلق می‌گیرند. به همین جهت در بالا گفته شد که «لولا» فقط بر سر مضارع یا ماضی نازل منزله مضارع وارد می‌شود. اما توبیخ مربوط به عملی در گذشته است و از این رو لولا بر سر فعلی وارد می‌شود که دلالت بر گذشته است.

### پژوهش

آیا می‌دانید آیه شریفه ﴿وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبْتُمْ فِي الدُّنْيَا﴾<sup>۱</sup> چگونه ترکیب می‌شود؟ آن را تحلیل کنید.

### تمرین

عبارات زیر را ترکیب و تحلیل کنید:

۱. ﴿وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ﴾<sup>۲</sup>

۲. ﴿وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ﴾<sup>۳</sup>

۳. ﴿لَوْلَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْمَلَكَ﴾<sup>۴</sup>

۳. لولا علی لهلك عمر.

۱. حشر، آیه ۳.

۲. عنکبوت، آیه ۵۳.

۳. بقره، آیه ۲۵۱.

۴. فرقان، آیه ۲۱.

## الحروف غیر العامل (۳)

أما: هي حرف فيه معني التوكيد دائماً فاذا قصدت توكيد «زيد» ذاهب» قلت «أما زيد» فذاهب» اي لا محالة ذاهب و ترد للتفصيل غالباً نحو ﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرَ \* وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَر﴾<sup>۱</sup>.

و من احكامها لزوم الفاء الزائدة بعدها و يفصل بين الفاء و اما:

۱. بالابتداء نحو «أما محمد فمسافر»<sup>۱</sup>

۲. بالخبر نحو «أما في الدار فأبراهيم»<sup>۲</sup>

۳. بجمله الشرط نحو ﴿فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ \* فَرَوْحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّتٌ نَعِيمٍ﴾<sup>۳</sup>

۴. باسم منصوب بما بعد الفاء نحو ﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرَ﴾<sup>۴</sup>.

## تحليل

با دقت در بحث بالا درمی یابیم که برای ترکیب این گونه جملات، کافی است «أما» و «فاء» را حذف کنیم و سپس جمله را ترکیب نماییم.

۱. در کتاب های نحو، «أما» را حرف شرط و توكيد می دانند. برای توضیح این مطلب به کتاب های نحوی مراجعه کنید.

۲. ضحی، آیات ۹ و ۱۰.

۳. واقعه، آیات ۸۸ و ۸۹.

۴. ضحی، آیه ۹.

### تبصره

درجایی که بین «اما» و «فاء» جمله شرط واقع شود، برای ترکیب «فاء» را حذف نمی‌کنیم، زیرا جمله جواب شرط محتاج وجود «فاء» است.

### تمرین

عبارات زیر را تحلیل و ترکیب نمایید:

۱. ﴿فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ﴾<sup>۱</sup>.
۲. ﴿فَأَمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ﴾<sup>۲</sup>.
۳. ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾<sup>۳</sup>.



مرکز تحقیقات و توسعه علوم اسلامی

۱. قصص، آیه ۶۷.

۲. الحاقه، آیه ۵.

۳. ضحی، آیه ۱۱.

## الحروف غير العامل (٤)

لا الزائدة

تأتي «لا»

١. زائدة من جهة اللفظ فقط كقولهم «جئت بلا زاد» ف«لا» هنا زائدة من جهة اللفظ لوصول عمل حرف الجر الذي قبلها الى ما بعدها، لا من جهة المعنى، لانها تفيد النفي؛
٢. زائدة لتوكيد النفي نحو «ما نجح زيد ولا عمرو»<sup>١</sup>.

تحليل

١. همان طور که با دقت فهمیده می شود، قسم دوم «لازائده» نفي جدیدی به جمله اضافه نمی کند و لذا اگر حذف شود، باز هم معنای «عدم موفقیت (نجاح) عمرو» فهمیده می شود.
  ٢. ضابطة قسم دوم آن است که «لا» بعد از «حرف عطف» واقع شده و جمله ماقبل آن نیز منفي است.
- با مراجعه به آموخته های خود می توانید اقسام «لا» را به صورت زیر جمع بندی کنید:

١. امیل بدیع یعقوب، موسوعه الصّرف و النحو الاعراب، ص ٥٧٠.



نوع دلا	عمل	مثال	ترکیب
مشبهة بلیس	به اسم رفع و به خبر نصب می دهد	لا رجل قائماً	لا + اسم + خبر
نفی جنس	به اسم خود نصب و به خبر رفع می دهد	لا رجل فی الدار	لا + اسم + خبر
لا مهمله	عمل نمی کند	لا زید قائم و لا عمرو لا رجل قائم و لا امرأة	لا + مبتدا + خبر
لا عاطفه	عمل نمی کند	جاء زید لا عمرو	فعل + فاعل + عطف + معطوف به فاعل
لا زائده	عمل نمی کند	ما قام زید و لا عمرو	نفی + فعل + فاعل + واو عطف + لا زائده + معطوف به فاعل

### تمرین

عبارات زیر را تحلیل و ترکیب نمایید:

۱. ﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ﴾<sup>۱</sup>
۲. ﴿مَا خَلَقُكُمْ وَلَا بِعَنُكُمُ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةً﴾<sup>۲</sup>
۳. ﴿لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ﴾<sup>۳</sup>
۴. غضبت من لا شيء

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱. فاطر، آیه ۲۲.

۲. لقمان، آیه ۲۸.

۳. سبأ، آیه ۳۱.

## المفردات (١)

## كم الاستفهامية

اداة استفهام يسأل بها عن معدود و لا بد لها من تمييز بعدها يزيل ابهام جنسها نحو كم كتاباً قرأت؟  
- من احكامها:



١. انها اسم استفهام لها الصدارة في جملتها؛
٢. انها مبنية على السكون دائماً في محل رفع او غيره على حسب موقعها من الاعراب نحو كم رجلاً في الدار؟ كم كتاباً قرأت؟
٣. الغالب ان يكون تمييزها مفرداً منصوباً.

## اعراب كم

مما يوضح محلها الاعرابي و يسهل اعرابها، ان نفترض عدم وجودها و نجعل التمييز يحل في مكانها و نعرف موقعه الاعرابي و نجري عليها حكمه ففي مثل:  
«كم يوماً صمت» نفترض ان اصل الكلام: «يوماً صمت» او «صمت يوماً» «فيوماً» ظرف زمان فاذا نعرب «كم» ظرف زمان مبنية على السكون في محل نصب.

### تمرین

جملات زیر را ترکیب کنید:

۱. ﴿قَالَ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ﴾<sup>۱</sup>.

۲. کم قلماً اشتریت؟

۳. کم کتاباً قرأته؟

۴. کم ضربة ضربت؟



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## المفردات (٢)

كم الخبرية لانشاء التكثير نحو «كم صالح قد فسد»  
من احكامها:

١. وجوب ان يكون مفاد «كم» الخبرية عن شيء مضي كالمثال و لا يصح ان نقول «كم صالح سيفسد» لان التكثير و التقليل لا يكونان الا فيما عرف مقداره و هذه المعرفة لا تتحقق الا في شيء قد مضي و انتهى؛
٢. وجوب صدارتها في جملتها فلا يقال «قد فسد كم صالح».
٣. وجوب بنائها على السكون في محل رفع او غيره على حسب حاجة الجملة نحو «كم رجل في الدار». «كم كتاب قرأت»
٤. وجوب الاتيان بتمييز يكون مجروراً (مفرداً او جمعاً) نحو كم رجل او كم رجال....

## تمرين

در عبارات زیر نوع «کم» را تشخیص داده، عبارت را ترجمه نماید و آن را ترکیب کنید:

١. ﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ﴾<sup>١</sup>

٢. كم اناس في نعيم عمروا

٣. كم مجلة حررت

٤. كم زيارة زرت المريض

## إذا الشرطية

من الظروف المبنية «إذا» (فهي اسم لاحرف) و هي ظرف للمستقبل متضمنة معنى الشرط غالباً و تختص بالدخول على الجملة الفعلية نحو ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ... فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ...﴾<sup>١</sup>



## احكام اذا الشرطية

الف) لكون اذا خاصاً بالمتيقن والمظنون خالفت ادوات الشرط فلم تجزم نحو ﴿وَإِذَا تَتَلَّى عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَلْمُنكَرَ﴾<sup>٢</sup>

ب) تلزم اذا الاضافة الي جملة صدرها فعل سواء كان «مضارعاً» كالاية او ماضياً نحو اذا جاءك المنافقون.... و قال ابن هشام ايلأؤها الماضي اكثر من المضارع؛

ج) اذا يليها اسم يقدر فعل قبله يفسره الفعل المذكور نحو ﴿إِذَا السَّمَاءُ أَنْشَقَّتْ﴾<sup>٣</sup> اي «اذا انشقت السماء انشقت»؛

د) العامل فيها هو الجواب لا الشرط بخلاف باقي الظروف الشرطية.<sup>٤</sup>

١. النصر، آيات او٣.

٢. حج، آية٧٢.

٣. انشقاق، آية١.

٤. رك: همع الهوامع، ج ١، ص ٢٠٦ و ٢٠٧؛ النحو الوافي، ج ٤، ص ٤١٢.

## تمرین

جملات زیر را ترجمه و ترکیب کنید:

١. ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾<sup>١</sup>
٢. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ...﴾<sup>٢</sup>
٣. ﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِّ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾<sup>٣</sup>



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

---

١. بقره، آیه ١١.

٢. مائده، آیه ٦.

٣. عنکبوت، آیه ٦٥.

## اعراب الجمل (١)

الجمل التي لها محل من الاعراب  
 الجمل التي لها محل من الاعراب هي التي تحل محل مفرد لان المفرد هو الذي يوصف  
 بالرفع او النصب او الجر او الجزم.

من هذه الجمل

١. الجملة الواقعة خبراً: نحو «الظلم مرتعه وخيم»، «ان البنائين يكرمون الضيف».
٢. الجملة الواقعة مفعولاً به، وتأتي  
 (أ) بعد فعل القول نحو «قل ان الحق يعلو»؛  
 (ب) مفعولاً ثانياً في باب ظن واخوانها نحو «ظننت زميلي يدرس»؛  
 (ج) بعد عامل معلق عن العمل نحو «علمت ايكم الفائز»؟
٣. الجملة الواقعة صفةً (نعتاً) نحو «شاهدت طالباً يدرس»؛
٤. الجملة الواقعة حالاً نحو «شاهدت التلميذ يدرس»؛
٥. الجملة الواقعة مضافاً اليه نحو «جلست حيث قمت»؛
٦. الجملة التابعة لجملة لها محل من الاعراب نحو «قلت له اكتب و اخطب».

تمرين

ضمن تركيب عبارات زير و ترجمه آنها، جملات داراي محل را تحليل كنيد:

١. ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾<sup>١</sup>.
٢. ﴿وَلَتَعْلَمَنَّ أَنَّنَا أَشَدُّ عَدَاَبًا﴾<sup>٢</sup>.

١. فلق، آية ١.

٢. طه، آية ٧١.

اعراب الجمل (۲)

الجمل التي ليس لها محل من الاعراب:

الجمل التي ليس لها محل من الاعراب هي الجمل التي لا تحل محل كلمة مفردة و من ثم لا تقع في موضع رفع او نصب او جرّ او جزم منها:

۱. الجمل الابتدائية و هي الواقعة في افتتاح الكلام نحو «اقبل الربيع»؛

۲. الجمل الاستثنائية و هي الواقعة في انشاء النطق المقطوعة عما قبلها نحو ﴿وَلَا

يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾<sup>۱</sup>؛

۳. الجملة الاعتراضية و هي التي تعترض بين شيئين متلازمين (كالفعل و فاعله، المبتدئ و خبره و...) نحو «جاء و اقول الحق المعلم». «استاذنا رحمه الله كان شيطاً»؛

۴. الجملة الواقعة صلة الموصول نحو «جاء الذي فاز بالجائزة»؛

۵. الجملة التابعة لجملة لامحل لها من الاعراب نحو «انقطع المطر و تبددت الغيوم»<sup>۲</sup>.

نكاتي درباره موارد فوق

۱. مقصود از «المقطوعة عما قبلها» در تعريف جملات استينافيه، قطع در اعراب است، يعنى اين گونه جملات معمول ما قبل خود نيستند.

۱. يونس، آية ۶۵.

۲. موسوعه الصرف و النحو و الاعراب، ص ۳۲۳.



۲. جملات معترضه نقشی در رساندن مقصود اصلی متکلم نداشته و فقط برای تأکید، مدح، ذم و... می آیند.

### تمرین

ضمن ترکیب و ترجمه عبارات زیر جملات را از جهت اعراب تحلیل کنید:

۱. قال رسول الله ﷺ: يا فاطمة من صلي عليك غفر الله له و الحقه بي حيث كنت في الجنة.<sup>۱</sup>

۲. قال السجادة عليه السلام: ملكت يا الهي امرهم قبل ان يملكوا عبادتك.<sup>۲</sup>



مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

---

۱. کشف الغمة ۲، ص ۱۰۰.

۲. صحیفه کامله سجادیة، دعاء ۳۷، ص ۲۴۶.

## فهرست انتشارات بین‌المللی المصطفیٰ (ع)

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۱	پدایة النبوی	سید یونس استروشی	عربی	
۲	بردگناه دوست	آیه الله مهناح یزدی، مترجم: محمد اویش والدمن	آلمانی	اول، ۱۳۸۳
۳	بررسی جامعه شناختی پیامدهای فرهنگی بازگشت مهاجران به افغانستان	محمد حبیبی عالمی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۴	آثار و برکات نماز	رجب علی حیدری مظفرنگری	اردو	اول، ۱۳۸۶
۵	آداب اسلامی، ج ۱-۱	محمد عتدلیب	فارسی	سوم، ۱۳۸۵
۶	آداب اسلامی، ج ۲	محمد عتدلیب	عربی	دوم، ۱۳۸۲
۷	آداب اسلامی، ج ۳-۱	محمد عتدلیب	اردو، انگلیسی	اول، ۱۳۸۲
۸	آداب التلاوة	محمد فلاس	عربی، انگلیسی	۱۳۷۸
۹	آزادی اراده انسان در کلام اسلامی	ظاهر روحانی، حلیمه حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۱
۱۰	آشنایی با ادیان بزرگ	حسین توفیقی	فارسی	دوم، ۱۳۸۶
۱۱	آشنایی با تاریخ و تفسیر مفسران	حسین علوی مهر	فارسی	دوم، ۱۳۸۷
۱۲	آشنایی با تاریخ و منابع حدیثی	دکتر علی نصیری	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۳	آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت	دکتر علی نصیری	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۴	آشنایی با صحیفه سجاده	محمد علی مجید لاهیجی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۵	آشنایی با علوم قرآن	محمد باقر سمیدی روشن	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۶	آشنایی با متون حدیث و نهج البلاغه	مهدی بهریزی	فارسی	چهارم، ۱۳۸۷
۱۷	آفتاب لقاءت (زندگی نامه مقام معظم رهبری)	محمد یعقوب بشوی	اردو	اول، ۱۳۸۲
۱۸	آموزش احکام (همراه با استفتائات مقام معظم رهبری)	محمد حسین فلاح زاده	فارسی	چهارم، ۱۳۸۷
۱۹	آموزش صرف	سید قاسم حسینی، فلاس علی صفایی و محمود ملکی	فارسی	دوم، ۱۳۷۹
۲۰	آموزش علوم قرآن	محمد باقر سمیدی روشن	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۱	آموزش فارسی به فارسی (کتاب چهارم و پنجم)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	سوم، ۱۳۸۲
۲۲	آموزش فارسی به فارسی (کتاب دوم و سوم)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	سوم، ۱۳۸۲
۲۳	آموزش فارسی به فارسی (کتاب ششم)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۲۴	آموزش فارسی به فارسی (کتاب کار ۴، ۵، ۶، ۷)	امیرفرزاد، احمدزهرایی، جعفر مقیمی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۵	آموزش کلام اسلامی ۱ (اراهمانشناسی، معادشناسی)	محمد سمیدی مهر	فارسی	اول، ۱۳۷۸
۲۶	آموزش منطق	فرویان	فارسی	دوم، ۱۳۸۰
۲۷	آموزش نماز	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیک	اول، ۱۳۷۷
۲۸	آموزش نماز	محمد زین العابدین ابویی	بنگلا	اول، ۱۳۸۲
۲۹	آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، ج ۱-۱	محمد فتحعلی خانی	فارسی	اول، ۱۳۷۹
۳۰	آموزه‌های گام به گام تستعلیق	حسن آهنگران	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۳۱	آنچه یک زن مسلمان باید بداند	میراثرف العالم	بنگلا	اول، ۱۳۸۷
۳۲	آیات الاحکام تطبیقی	محمد فاکر میدی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۳۳	این ترمیمه منهجه فی الحدیث	ابو محمد التمیمی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۳۴	احکام اسلامی	الیاس قاسم اف	تاجیک	اول، ۱۳۸۸
۳۵	احکام روزه	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیک	اول، ۱۳۷۷
۳۶	احکام زکات	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیک	اول، ۱۳۷۷
۳۷	احکام نکاح و طلاق	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیک	اول، ۱۳۷۷
۳۸	احکام و مقررات شکار و صید	علی اکبر صادقی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۳۹	احوال الشیخه شیما انانستان	عبدالله شفاهی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۴۰	اخلاق تبلیغ در سیره رسول الله (ص)	سید مرتضی حسینی	فارسی	دوم، ۱۳۸۵
۴۱	ادوار الاجتهاد عند الشیخه الامامیه	عبدان فرحان ثنا	عربی	اول، ۱۳۸۶
۴۲	اسباب النزول القرآنی: تاریخ و حقائق	حسن محسن حیدر	عربی	اول، ۱۳۸۵
۴۳	استشراف و اسلام شناسی غربیان	محمد حسن زمانی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۴	اسرار نماز	رجبعلی حیدری مظفرنگری	اردو	اول، ۱۳۸۵
۴۵	اسراف و تبذیر، تباهی سرمایه‌ها	دکتر ناصر رفیعی محمدی	فارسی	اول، ۱۳۸۸

۲۶	اسلام و دموکراسی لبرال	محمد حنیف ظاهری	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۲۷	اسماعیلیه از ابتدا تا حال	محمد سعید بهمن پور	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۲۸	اصول الفقه	محمد علی شمالی	انگلیسی	اول، ۱۳۸۵
۲۹	اصول تدوین ضوابط و مقررات	دکتر بهروز روشها و پرنامریزی سازمانی کر، قوانین و مقررات	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۵۰	اصول دین در قرآن کریم	مؤسسه معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۷۷
۵۱	اعتقاد ما	آیه الله مکارم شیرازی، مترجم: الفضل الدین رحیم اف	آذری	اول، ۱۳۸۳
۵۲	اعتقاد ما	آیه الله مکارم شیرازی، مترجم: محمد نظام الدین	تایلندی	اول، ۱۳۸۲
۵۳	اعتقاد ما	آیه الله مکارم شیرازی، مترجم: سید قمر غازی	هندی	اول، ۱۳۸۳
۵۴	عجاز قرآن	سیدرضا مؤدب	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۵۵	عجاز قرآن از دیدگاه مشرکان	رئیس اعظم شاهد	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۵۶	الاحوال الشخصية (الطلاق)	الدكتور السيد محمد كاظم المصطفوي	عربی	اول، ۱۳۸۲
۵۷	الاحوال الشخصية (التکاح)	السيد محمد التيجي	عربی	اول، ۱۳۸۵
۵۸	الاخلاق السياسية في المنهج الاسلامي	السيد شهاب الدين الحسيني	عربی	اول، ۱۳۸۳
۵۹	الاخلاق والحضارة	علي حسن الياسري	عربی	اول، ۱۳۸۳
۶۰	الامام علي عليه السلام و تنمية ثقافة اهل الكوفة	محمد العبادي	عربی	اول، ۱۳۸۱
۶۱	التبليغ: منهجه واساليه	جعفر الجباري	عربی	سوم، ۱۳۸۸
۶۲	التفسير المبسر	سيد محمد شاهدي	عربی	اول، ۱۳۸۶
۶۳	التفسير و المفسرون	سيد محمد شاهدي	عربی	اول، ۱۳۸۶
۶۴	التثنية في المجتمع الإسلامي أدلة و آثار	محمد جواد فاضل موسوي	عربی	اول، ۱۳۸۷
۶۵	التفويج المعاصر بين العلم و الشريعة	سيد كاظم المذاري	عربی	اول، ۱۳۸۶
۶۶	الخير و الاختيار	العلامة محمد تقي الجعفری، مترجم: حسين الواسطي	عربی	اول، ۱۳۸۶
۶۷	الحياة الجنسية بين الاستقامة و الشذوذ	سيد كاظم المزدادي	عربی	اول، ۱۳۸۷
۶۸	الخلود في جهنم	محمد عبدالخالق كاظم	عربی	اول، ۱۳۸۳
۶۹	الدهاء عند اهل البيت عليه السلام	محمد مهدي الاصلی	عربی	چهارم، ۱۳۸۷
۷۰	الدولة الإسلامية من التوحيد الى المدينة	زاو حیدری	عربی	اول، ۱۳۸۱
۷۱	السلف و السلفيون	جهم الدين طيسی، مترجم: توفيق اسداف	آذری	اول، ۱۳۸۷
۷۲	العدالة الاجتماعية في الاسلام	سيد فاضل موسوي جابري	عربی	اول، ۱۳۸۲
۷۳	الفقه المقارن	سيد كاظم مصطفىوي	عربی	دوم، ۱۳۸۱
۷۴	الفنن القصص القرآني	سيد محمد باقر حكيم	عربی	دوم، ۱۳۸۳
۷۵	الفواعد الفقهية (القاعدة لاضرر، حجة البيت...)	الدكتور السيد محمد كاظم المصطفوي	عربی	دوم، ۱۳۸۲
۷۶	الفواعد الفقهية	سيد كاظم مصطفىوي، سيد عبدالهادي شريفی	عربی	دوم، ۱۳۸۳
۷۷	الگوهای لغویات	ایرهمیم امینی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۷۸	العماد الجسائي	شاکر عطية الساعدي	عربی	اول، ۱۳۸۳
۷۹	الموجز في تاريخ الادب العربي	عبدالهادي شريفی	عربی	دوم، ۱۳۸۳
۸۰	الموجز في مسائل الفقه الاستدلالي، ج ۱- ۲	سيد علي الملوي	عربی	اول، ۱۳۸۷
۸۱	الهداية في النحو	اصحیح و تعلیق: حسين شير افکن	عربی	مبداء، ۱۳۸۸
۸۲	الهيئات تطيبي: اسلام و مسجيت	توفيق اسداف و الفضل الدین رحيم اف	آذری	اول، ۱۳۸۵
۸۳	امام حسن و امام حسين عليه السلام از نظر اهل سنت	سيد محمد علي موسوي	اردو	اول، ۱۳۸۶
۸۴	امام علي عليه السلام و بيروانش	الاس قاسم اف	تایلندی	اول، ۱۳۸۸
۸۵	امامت و ولايت در قرآن	آیه الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، مترجم: زهراشکرف	آذری	اول، ۱۳۸۸
۸۶	امتیازات علوی	ابو عبدالرحمن اسد بن شعیب نسائی، مترجم: سيد شاهد حسین رضوی هندی	اردو	اول، ۱۳۸۷
۸۷	اندیشه های قرآنی شهید مطهری رحمه الله، ج ۱	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۸۸	اندیشه های قرآنی شهید مطهری رحمه الله، ج ۲	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۸۹	انسان و سرنوشت	شهید مرتضی مطهری، مترجم: محمد اشرف شجاع	انگلیسی	اول، ۱۳۸۳
۹۰	اهل بیت عليه السلام از دیدگاه اهل سنت	سيد ابوالحسن باقری	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۹۱	اهل بیت عليه السلام سفينة النجاة	غلام محمد فخر الدین نجفی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۹۲	اهل بیت عليه السلام كشتی نجات	محمد باقر مقدسی	اردو	اول، ۱۳۸۶

۹۳	پهناح الحکمة فی شرح بديا الحکمة	علی دین گلیا بگانی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۹۴	این است دین اسلام	سید یونس استروشنی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۹۵	بازگشت به عصر دین	احمد رضا میر حاجتی، مترجم: قدری چلیک	استانبولی	اول، ۱۳۸۲
۹۶	پروسی و تحلیل وجود جن و کارکردهای آن	سید مراد رضا رضوی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۹۷	یطن قرآن از دیدگاه شیعه و اهل سنت	سید حیدر طباطبایی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۹۸	پلمی به سوی ساحل (زبان تصویر)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۹۹	پله پله تا آسمان علم	محمد عابدی	فارسی	دوم، ۱۳۸۶
۱۰۰	تاریخ آموزش در اسلام	حسن حسین زاده شانه چی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۰۱	تاریخ اسلام	مهدی پیشوایی، عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۱۰۲	تاریخ اسلام، ج ۱	سید منور حکیم	عربی	چهارم، ۱۳۸۵
۱۰۳	تاریخ ادب للعربی	عبدالهادی شریفی	عربی	دوم، ۱۳۷۸
۱۰۴	تاریخ تسبیح در افغانستان	عبدالمجید ناصری داوودی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۱۰۵	تاریخ حدیث	دکتر سید رضا مؤدب	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۱۰۶	تاریخ سرگذشت حدیث	سید طبع الرحمان	پنجگلا	اول، ۱۳۸۶
۱۰۷	تاریخ شیعه و اعتقادانشان	محمد نظام الدین	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۱۰۸	تاریخ فکری	وزیر عباس حیدری عظیم نوری	اردو	اول، ۱۳۸۲
۱۰۹	تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی	محمد رضا کاشفی	فارسی	دوم، ۱۳۸۷
۱۱۰	تاریخ فلسفه اسلامی	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۱۱	تاریخ قرآن	محمد حسین محمدی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۱۲	تحریر الاسفار للمولی صدرالدین شیرازی، ج ۱-۳	الدکتر علی الشیرازی	عربی	اول، ۱۳۸۲
۱۱۳	تحلیل قصص	محمد شریفانی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۱۱۴	تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران (ریشه ها و پیامدها)	محمد مهدی باباپور	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۱۱۵	تصمیم گیری شورایی	مهاوژت پژوهش	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۱۶	تعلیمات علمی	مؤسسه فکر اسلامی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۱۱۷	تعلیمات نهج البلاغه	سمن و اهتمام: مؤسسه فکر اسلامی انگلستان	اردو	اول، ۱۳۸۵
۱۱۸	تفسیر آیات ولایت	آیه الله مکارم شیرازی، مترجم: محمد سمیع الحق	پنجگلا	اول، ۱۳۸۲
۱۱۹	تفسیر تطبیقی (بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن و...)	دکتر فتح الله نجارزادگان	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۱۲۰	تفسیر تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه اهل بیت و اهل سنت	ایقان اسماعیل زاده	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۱۲۱	تفسیر تطبیقی آیه مودت	لدا حسین عابدی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۱۲۲	تفسیر سوره حجرات	محسن قرآنی، مترجم: سید تاج الدین حسام	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۱۲۳	تفسیر سوره فرقان	آیه الله مکارم شیرازی، مترجم: جمعی از مترجمان	تاجیکی	اول، ۱۳۸۵
۱۲۴	تفسیر سوره نور	آیه الله مکارم شیرازی، مترجم: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۱۲۵	تفسیر سوره یس، الرحمن، ملک	آیه الله مکارم شیرازی، مترجم: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۱۲۶	تفسیر مقدماتی قرآن کریم	دکتر محمد علی رضایی مصفاهی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۱۲۷	تمثیلات	قرآنی، مترجم: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۱۲۸	تمرین کتاب ششم	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۱۲۹	جای پای آفتاب	سید علی تقی میرحسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۱۳۰	جغرافیای سیاسی جهان اسلام	مروانه عزتی	فارسی	اول، ۱۳۷۸
۱۳۱	جنگل نور (حضرت فاطمه زهرا علیها السلام)	آیه الله علی سعادت پرور، مترجم: محمد امین	استانبولی	اول، ۱۳۸۳
۱۳۲	جوابات سخنان سیاه صحابه	آیه الله علی کورانی عاملی، مترجم: سید ابو محمد تقوی	اردو	اول، ۱۳۸۵
۱۳۳	جوان و جوانی در سیره اهل بیت علیهم السلام	محمد عارف صداقت	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۱۳۴	چرا از اسلام روگردانی	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیک	۱۳۷۷
۱۳۵	چگونه پایان نامه های کارشناسی ارشد جامعه المصطفی (ع)	مرتضی رضا خانی	فارسی	دوم، ۱۳۸۷
۱۳۶	چگونه قرآن را حفظ کنیم	شهریار پرهیزگار	اردو	اول، ۱۳۸۶
۱۳۷	چهل حدیث	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیک	اول، ۱۳۷۷
۱۳۸	چهل حدیث بهداشت	حبیب الله متان	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۱۳۹	حفظ موضوعی قرآن کریم (اعتقادات، احکام و اخلاق)	سید علی میرداماد نجف آبادی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۱۴۰	سقوق اهل بیت علیهم السلام در تفسیر اهل سنت	محمد یعقوب بشوی	فارسی	اول، ۱۳۸۲

۱۲۱	حقوق غیر ایرانیان در جمهوری اسلامی	فخر الله هدایت‌نیا	فارس	اول، ۱۳۸۱
۱۲۲	حقیقت محمدیه و الراد انسان از لزل تا ابد در مکتب ابن عربی	امداد ثوران	فارس	اول، ۱۳۸۶
۱۲۳	حکومت دینی در اندیشه امام خمینی (ره) و ایراد اهل مودودی	ضامن علی حبیبی	فارس	اول، ۱۳۸۵
۱۲۴	حوار الحقیقه فی ضوء رؤية التوحید الدینی المتفانی	تحسین الیدری	عربی	اول، ۱۳۸۲
۱۲۵	حیة السیاسة الامام (ره)	عصری البانی	عربی	اول، ۱۳۸۷
۱۲۶	خدا و صفات خدا در مکتب امامیه و ماتریدیه	حیات الله تاطقی	فارس	اول، ۱۳۸۵
۱۲۷	خدمات متقابل اسلام و ایران	شهید مطهری، مترجم: مینا یوکار، ادریس تیجانی سماری	انگلیسی	اول، ۱۳۸۲
۱۲۸	داستان‌های چهار اتوار	محمود ناصر، مترجم: محمد علی مرتضی	پنجگلا	اول، ۱۳۸۲
۱۲۹	داستان‌های قرآن به قلم روان	محمد مهدی اشتهاردی، مترجم: محمد حسین الف	روسی	اول، ۱۳۸۶
۱۵۰	در انتظار غورشید (مقالات همایش در انتظار غورشید)	جمعی از مؤلفان	فارس	اول، ۱۳۸۵
۱۵۱	در جست وجوی حزن (نگرشی بر چهار زمانه پس از رسول خدا (ص))	حیدر مقفوی ورس	فارس	اول، ۱۳۸۲
۱۵۲	در جست وجوی فرقه تاجیه	ناظم زینال او	روسی	اول، ۱۳۸۲
۱۵۳	درآمدی بر برنامه‌ریزی آموزش عالی دین	تجمل میرزایی، مترجم: نورهادی توفیق، علی زاهدی پور	فارس	اول، ۱۳۸۶
۱۵۴	درآمدی بر تئوری‌های حاکمیت	سید محمد مصطفوی	فارس	اول، ۱۳۸۶
۱۵۵	درآمدی بر ساختار اداری حکومت اسلامی	عبدالملی محمدی	فارس	اول، ۱۳۸۵
۱۵۶	درآمدی بر فلسفه اسلامی	عبدالرسول...	انگلیسی	اول، ۱۳۸۶
۱۵۷	درآمدی بر نظام تربیتی اسلام	محمد علی حاجی ده‌آبادی	فارس	اول، ۱۳۷۷
۱۵۸	درآمدی به تاریخ علم اصول	مهدی علی پور	فارس	دوم، ۱۳۸۷
۱۵۹	درآمدی به شبه‌شناسی	علی ربانی گلپایگانی	فارس	دوم، ۱۳۸۵
۱۶۰	درامات موجزة فی الخیرات و الشرط	آیت الله جعفر سبحانی	عربی	دوم، ۱۳۸۷
۱۶۱	درستاه تاریخ عصر غیبت	پور سید آقای، جباری، آشوری و حکیم	فارس	پانزدهم، ۱۳۸۷
۱۶۲	درستاه درایة الحدیث	دکتر سید رضا مؤدب	فارس	دوم، ۱۳۸۷
۱۶۳	درس‌نامه روش آموزش و مهارت‌های کلاس‌داری قرآن	رحمت هادی	فارس	اول، ۱۳۸۸
۱۶۴	درستاه عقاید	دکتر علی شیروانی	فارس	چهارم، ۱۳۸۶
۱۶۵	درستاه مفردات قرآن مجید	شهید غلام‌علی حمایی	فارس	اول، ۱۳۸۶
۱۶۶	درستاه وضع حدیث	دکتر ناصر رفیعی محمدی	فارس	اول، ۱۳۸۲
۱۶۷	درس تمهیدیه فی اصول العقائد	صادق الساعدی	عربی	چهارم، ۱۳۸۱
۱۶۸	درس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی، ج ۱	الشیخ باقر الایروانی	عربی	ختم، ۱۳۸۸
۱۶۹	درس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی، ج ۲-۲	الشیخ باقر الایروانی	عربی	پنجم، ۱۳۸۶
۱۷۰	درس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی، تلفیقی جلد ۱ و ۲	الشیخ باقر الایروانی	عربی	اول، ۱۳۸۱
۱۷۱	درس تمهیدیه فی السیرة القاندا ۲	سید منذر حکیم	عربی	دوم، ۱۳۸۶
۱۷۲	درس فی الاحکام الاسلامیة، ج ۱-۱	عبدالکریم بهبهانی (آل نجف)	عربی	دوم، ۱۳۸۲
۱۷۳	درس فی الاحکام الاسلامیة، ج ۱-۲	شیخ عبدالکریم آل نیف	عربی	اول، ۱۳۸۲
۱۷۴	درس فی البلاغة	الشیخ مبین دقیق العاملی	عربی	دوم، ۱۳۸۶
۱۷۵	درس فی البلاغة العربیة	سید عبدالهادی شریفی	عربی	اول، ۱۳۸۶
۱۷۶	درس فی التاريخ الفقه وادواره	آیت الله جعفر سبحانی	عربی	اول، ۱۳۸۲
۱۷۷	درس فی التاريخ عصر النبی	تعمیر: انور الرضایی	عربی	اول، ۱۳۸۶
۱۷۸	درس فی الشیعة والشیخ	علی الربانی گلپایگانی، مترجم: انور الرضایی	عربی	دوم، ۱۳۸۸
۱۷۹	درس فی الفقه الاستدلالی (فی الفقه العیاده)، ج ۱-۲	الشیخ باقر الایروانی	عربی	دوم، ۱۳۸۷
۱۸۰	درس فی الفقه المماملات (البیح)	السید محمد تاقم المصطفوی	عربی	اول، ۱۳۸۲
۱۸۱	درس فی المتابع والانتجاهات و التفسیرة للقرآن	محمد علی الرضایی الاصلهانی، مترجم: قاسم البیضانی	عربی	اول، ۱۳۸۲
۱۸۲	درس فی تاریخ الادیان	حسین توفیقی، مترجم: انور الرضایی	عربی	سوم، ۱۳۸۸
۱۸۳	درس فی علم الاصول	سید محمد باقر حکیم	عربی	دوم، ۱۳۸۶
۱۸۴	درس فی علم الدرایة	دکتر سید رضا مؤدب، مترجم: قاسم البیضانی	عربی	اول، ۱۳۸۶
۱۸۵	درس فی علوم القرآن	حسین جوان اراسته	عربی	اول، ۱۳۸۲
۱۸۶	درس فی عبادی الفقه و معرفة ابوابه	حسن الرضایی	عربی	دوم، ۱۳۸۸
۱۸۷	درس فی نصوص الحدیث و نهج البلاغة	مهدی المهورزی، مترجم: انور الرضایی	عربی	سوم، ۱۳۸۶
۱۸۸	درس موجزة فی حلی الرجال و الدرابة	آیت الله جعفر سبحانی	عربی	سوم، ۱۳۸۵

۱۳۸۵	اول	تاجیکی	محمد ری شهری، مترجم: حکیم جان کمالی	دومین دو کتاب سنت	۱۸۹
۱۳۸۵	اول	فارسی	فدا حسین هایدی	رابطه قرآن و عزت از دیدگاه شیعه و اهل سنت	۱۹۰
۱۳۸۲	اول	فارسی	سید محمد علی موسوی	راز آفرینش اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۱۹۱
۱۳۸۳	اول	انگلیسی	محمد م. غلفان	رساله‌های کوتاه در باب ضیانت الهی	۱۹۲
۱۳۸۶	اول	عربی	قیصر الشیسی	روایات سهو النبی <small>صلی الله علیه و آله</small> ...	۱۹۳
۱۳۸۷	اول	فارسی	مهرابعلی صفدری	روحانیت و حکومت در افغانستان	۱۹۴
۱۳۸۱	اول	فارسی	حسین سپهری	روش تدریس	۱۹۵
۱۳۸۱	اول	فارسی	سید محمد عارف حبیبی	برپاوردن تمدن اسلامی و مدرنیته	۱۹۶
۱۳۷۸	اول	فارسی	عبد الوهاب قرانی	برهانی بر علم سیاست و جنبش‌های اسلامی معاصر	۱۹۷
۱۳۸۲	اول	فارسی	طاہره روحانی	زنان دین گستر در تاریخ اسلام	۱۹۸
۱۳۸۲	اول	فارسی	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	زنگها (زبان تصویر ۲)	۱۹۹
۱۳۸۶	اول	تاجیکی	آبذاتہ مکارم شیرازی، مترجم: جمعی از مترجمان	زهرات برترین بانوی جهان	۲۰۰
۱۳۸۲	اول	تاجیکی	اکرم خان زیاد الله	سفارشات پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> به دختران و زنان	۲۰۱
۱۳۸۲	اول	فارسی	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	سفیر (زبان تصویر ۵)	۲۰۲
۱۳۸۶	اول	فارسی	دکتر احمد مرادخانی تهرانی	سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن	۲۰۳
۱۳۸۶	اول	اردو	علامه طباطبائی، مترجم: کرار حسین الطهری مبارک پور مهدی	سنت النبی <small>صلی الله علیه و آله</small>	۲۰۴
۱۳۸۷	اول	تاجیکی	محسن قرآنی، مترجم: محمد الله حلیم	سوره لقمان	۲۰۵
۱۳۸۷	اول	تاجیکی	محسن قرآنی، مترجم: محمد الله حکیم	سوره یاسین	۲۰۶
۱۳۸۶	اول	اردو	زاهد علی مندی	سید رضی، زندگی و کارنامه	۲۰۷
۱۳۸۶	اول	فارسی	دکتر ناصر رئیس محمدی	سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن	۲۰۸
۱۳۷۸	عربی	عبد الرحمن، عبدالخالق	سیره اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	سیره اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۲۰۹
۱۳۸۵	اول	آذری	مهدی پیشوایی، مترجم: مائیس حق وردی اف	سیره پیشوایان	۲۱۰
۱۳۸۵	اول	فارسی	سازا رضایی	سیره تبلیغی پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله</small>	۲۱۱
۱۳۸۱	اول	فارسی	محمد جمعه شیخزاده	سیره عملی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در خانواده	۲۱۲
۱۳۸۸	اول	فارسی	شیخ محمد رضا نعمانی، ترجمه: نجیب الله نوری	سیره و راه شهید بنت‌الهدی <small>علیها السلام</small>	۲۱۳
۱۳۸۵	اول	اردو	آبذاتہ محمد صادق نجفی، مترجم: محمد منیرخان	سیری در صحیحین	۲۱۴
۱۳۸۶	سوم	فارسی	دکتر علی شیروانی	سیاسی جهاد و مجاهدان در قرآن (تفسیر سوره انفال)	۲۱۵
۱۳۸۲	اول	فارسی	جمعی از مؤلفان	شخصیت و حقوق زن در اسلام، ج ۱-۲	۲۱۶
۱۳۷۷	فارسی	پرویز اشرفی، سید زفرخان تعلق و تعلق ملاسروف چان اشرفی	شرح منظومه برقیسانی از نصیبه فرزدق	۲۱۷	
۱۳۸۵	فارسی	محمد مهدی اشهادی، مترجم: جمعی از مؤلفان	شرح مولد النبی	۲۱۸	
۱۳۸۲	دوم	فارسی	سید احمد محمودی	شناخت ادیان ۱	۲۱۹
۱۳۸۵	دوم	فارسی	سید احمد محمودی	شناخت ادیان ۲	۲۲۰
۱۳۸۵	دوم	فارسی	سید احمد محمودی	شناخت مذاهب اسلامی، ج ۱-۲	۲۲۱
۱۳۸۵	اول	بنگالا	سیدر علی بنگالی	شبه‌شناسی در تاریخ اسلام	۲۲۲
۱۳۸۶	اول	اردو	انار هاشم نعمیدی، مترجم: اخلاق حسین	صبح انتظار	۲۲۳
۱۳۸۵	اول	فارسی	گروه امور سازمانی دفتر بهبود روشها و برنامه‌ریزی سازمانی	صف و ستاد در سازمان	۲۲۴
۱۳۸۳	اول	انگلیسی	شهید مطهری، مترجم: شجاع علی میرزا و ...	مدل الهی	۲۲۵
۱۳۸۴	اول	عربی	دکتر سید رضا مؤذب، مترجم: انور الرضائی	علم الدراية المقارن	۲۲۶
۱۳۸۲	اول	فارسی	دکتر سید رضا مؤذب	علم الدراية تطبیقی	۲۲۷
۱۳۸۱	اول	عربی	حیدر حب الله	علم الکلام المعاصر	۲۲۸
۱۳۷۸	اول	فارسی	نوروز شاه امیرخان	علم حدیث و دوايه	۲۲۹
۱۳۸۱	اول	فارسی	سید عباس مرتضوی	علم و عقل از دیدگاه مکتب تفکیک	۲۳۰
۱۳۸۰	اول	فارسی	محمد جواد اسکندرلو	علوم قرآنی	۲۳۱
۱۳۸۲	اول	اردو	حسین جوان آراسته	علوم قرآنی	۲۳۲
۱۳۸۸	اول	فرانسوی	محمد جباران، مترجم: ذوالقصد نصرالله	خدییر از دیدگاه اهل سنت	۲۳۳
۱۳۸۶	اول	اردو	علی امیر رضوانی، مترجم: اقبال حیدر حیدری	خدییر شناسی و پاسخ به شبهات	۲۳۴
۱۳۸۵	چهارم	فارسی	علی ربانی گلپایگانی	فرق و ملابغ کلامی	۲۳۵
۱۳۸۸	اول	فارسی	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فرهنگ تصویری افعال	۲۳۶

۲۳۷	فرهنگ تصویری واژه‌ها	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارس، عربی، انگلیسی، قرآنی	اول، ۱۳۸۷
۲۳۸	فضل القرآن	محمد خلایق	عربی، انگلیسی	۱۳۷۶
۲۳۹	فلسفه التریب فی الاسلام	السید نذیر الحسینی	عربی	اول، ۱۳۸۳
۲۴۰	فلسفه اخلاق	محمد لتحملی عثانی	فارسی	اول، ۱۳۷۷
۲۴۱	فلسفه اخلاق	حسن مدلسی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۲۴۲	فی الاخلاق النظرية	السید عبدالهادی الشریفی	عربی	اول، ۱۳۸۳
۲۴۳	فی رحاب العقیدة، ج ۱-۳	سید محمد سعید حکیم، مترجم: شاه مظفر حسین	اردو	اول، ۱۳۸۶
۲۴۴	قیسات من سیدة الہدایة، ج ۱-۲	سید منور حکیم	عربی	سوم، ۱۳۸۲
۲۴۵	قصہ کریلا	نظری ملرود، مترجم: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۲۴۶	قصہ‌های قرآنی	صالح فتادی	فارسی	دوم، ۱۳۸۵
۲۴۷	قصہ‌های قرآنی - قرآن قصص	صالح فتادی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۲۴۸	قصص المرأة فی نظر فقہ الشیعی	سید محمد یعقوب موسوی، مترجم: نبیل یعقوبی	عربی	اول، ۱۳۸۷
۲۴۹	تطابرت زن از دیدگاه فقہ شیعه	سید محمد یعقوب موسوی سنگلاخی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۲۵۰	تواحد الاملاء	عبدالهادی شریفی	عربی	سوم، ۱۳۸۵
۲۵۱	تواحد الفقہیہ ۱	الدکتورالسیدمحمدالحسینی القزوینی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۲۵۲	کارنامه مجمع علما و طلاب جافوری	مجمع علما و طلاب جافوری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۵۳	کیف تحفظ القرآن	شهریار پرمیزگار	عربی، انگلیسی	اول، ۱۳۸۲
۲۵۴	کلام تطبیقی (توحید، صفات و عدل الهی)	علی ربانی گلپایگانی	فارسی	دوم، ۱۳۸۷
۲۵۵	کلام تطبیقی (نبوت، امامت و معاد)	علی ربانی گلپایگانی	فارسی	دوم، ۱۳۸۷
۲۵۶	گزیده تحف العقول	ابن شعیبه حرانی، مترجم: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۲۵۷	گزیده شهاب الاخبار	قاضی قضاوی، مترجم: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۲۵۸	گزیده غرورالحکم و دررالکلم	عبدالواحد بن محمد نمیس آمدی، مترجم: محمد ناز باقری	اردو	اول، ۱۳۸۷
۲۵۹	گزیده غرورالحکم و دررالکلم	قاضی قضاوی، مترجم: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۲۶۰	گفتنمان فلسفی اسلام و غرب	دکتر سید حسن حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۲۶۱	مآذران چهارده معصوم علیهم السلام	سید مظفری روسی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۲۶۲	مبانی جامعه‌شناسی	سید کافری	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۲۶۳	مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی، ج ۱-۲	مصدورضا حافظ‌نیا	فارسی	اول، ۱۳۷۸
۲۶۴	مبانی نقد متن الحدیث	قاسم الیضانی	عربی	اول، ۱۳۸۵
۲۶۵	مبانی و روش‌های تفسیری	دکتر محمد کاظم شاکر	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۲۶۶	مجموعه مقالات حکومت دینی	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۶۷	مجموعه مقالات سپهر افغانستان و تازون اساسی آینده، ج ۱-۲	مجمع محققین و طلاب افغانستان	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۲۶۸	مجموعه مقالات وحی‌شناسی	مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۶۹	مجموعه مقالات همایش دین و دینداری در عصر جدید	مجمع علما و طلاب جافوری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۷۰	مجموعه مقالات همایش عالمان دینی افغانستان	مجمع علماء و طلاب جافوری	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۲۷۱	مجموعه مقالات همایش وحی‌شناسی	برگزوار کتبه مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۷۲	مجموعه آثار چهارمین همایش بین‌المللی دکتورین مهدویت ج ۱ - ۲	همایش بین‌المللی دکتورین مهدویت	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۷۳	مجموعه مقالات دین و دین‌داری در عصر جدید	مجمع علماء و طلاب جافوری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۷۴	مباحثات فی علوم القرآن	محمد علی تحسیری	عربی	اول، ۱۳۸۲
۲۷۵	مدرسه ترم توحید	سید سعید سعیدی‌فر	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۲۷۶	مسائل جدید کلامی و فلسفه دین	عبدالحسین خسروپناه	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۷۷	مصادر السنة الشریفة	سید محمد جواد جلالی	عربی	سوم، ۱۳۸۵
۲۷۸	مصحف امیرالمؤمنین علیهم السلام	سید عبدالرحیم موسوی، مترجم: عبداللہ احمد زنگو	انگلیسی	اول، ۱۳۸۲
۲۷۹	معجم الأعمال المتداولة و مواطن استعمالها	السید محمد العیدری	عربی	اول، ۱۳۸۱
۲۸۰	سرلة ابواب الفقه (تلخیص تحریر الرساله للامام الشیعی علیهم السلام)	حسن الفقہی	عربی	چهارم، ۱۳۸۵
۲۸۱	سمرقند شناسی	حسن مدلسی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۲۸۲	مصنوعان آیت اسلامی (تفسیر تطبیقی آیه تطہیر)	ایقان اسماعیل‌زاده	آذری	اول، ۱۳۸۲
۲۸۳	مفاهیم اخلاقی	صالح فتادی	فارسی	دوم، ۱۳۸۵

۲۸۲	مناهیم اعتقادی	صالح قنادی	فارسی	اول، ۱۳۸۱
۲۸۵	مناهیم اعتقادی	صالح قنادی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۲۸۶	سکه در بستر تاریخ	سعید اله صفری فروشانی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۲۸۷	من لیس الخلود	فاضل الموسوی	عربی	اول، ۱۳۸۷
۲۸۸	منتخب میزان الحکمة، ج ۱- ۲	محمد ری شهری، مترجم: عبدالحمیم کمال، امان اله بابایی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۲۸۹	منجی (امام مهدی، علیه السلام) از دیدگاه قرآن و حدیث	ایلقار اسماعیل زاده	آذری	اول، ۱۳۸۳
۲۹۰	مطلق ترجمه قرآن	دکتر محمد علی رضایی اصلهانی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۲۹۱	مطلق تفسیر قرآن الدرستانه روتراها و گرایش های تفسیری قرآن	دکتر محمد علی رضایی اصلهانی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۲۹۲	مطلق تفسیر قرآن ۲	دکتر محمد علی رضایی اصلهانی	فارسی	سوم، ۱۳۸۷
۲۹۳	مطلق مقدمانی	ابوالفضل روحی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۲۹۴	موجز الادب العربی و تاریخه	دکتر محمد علی آذر شب	عربی	اول، ۱۳۷۷
۲۹۵	مودة القریبی و اهل العبا	میر سید علی همدانی، مترجم: ایلیاس قاسم	تاجیکی	اول، ۱۳۸۵
۲۹۶	مهدویت و جهانی سازی	علی اصغر رضوانی، مترجم: شکرالله	آذری	اول، ۱۳۸۷
۲۹۷	میرات تفسیری اهل بیت، علیهم السلام	سید حسین هاشمی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۲۹۸	نافذہ علی الفلاسفہ	صادق الساعدی	عربی	چهارم، ۱۳۸۸
۲۹۹	نحو القرآن	حسن الرضایی	عربی	سوم، ۱۳۸۸
۳۰۰	نظام حقوقی اسلام	جلیل فتواتی	فارسی	اول، ۱۳۷۷
۳۰۱	نظام عادلانه اسلام	غلام اکبر حیدری	اردو	اول، ۱۳۸۷
۳۰۲	نظریة العرف بین الشریعة والقانون	السید نذیر الحسنی	عربی	اول، ۱۳۸۵
۳۰۳	نقد آراء فحی فی کتاب التفسیر و المفسرون	قاسم البیضانی	عربی	اول، ۱۳۸۶
۳۰۴	نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت	محمد یعقوب بشوی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۳۰۵	نقش جنگ های صلیبی در انتقال تمدن اسلامی به غرب	سید عبدالرؤف و هاشمی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۳۰۶	نقش حسابداری در توسعه اقتصادی	احمد صادقی گلکمانی - محسن پروزاده	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۳۰۷	نقوش فقهی در فیتة امام، علیه السلام	سید ششاد حسین رضوی	اردو	اول، ۱۳۸۵
۳۰۸	نگاهی به زندگانی پیامبر، صلی الله علیه و آله	کعبه فرحتگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیکی	اول، ۱۳۷۷
۳۰۹	نگرهای عمده در پیوند دین و فلسفه	سید محمد مهدی افضل	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۳۱۰	نگین انوریش	ایلیاس قاسم اف	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۳۱۱	واژه شناسی قرآن مجید	شهید غلامعلی حمایی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۳۱۲	وہایت الحکمة فی شرح نہایت الحکمة	حسین عثمانی الاصلهانی	عربی	اول، ۱۳۸۲
۳۱۳	ولایت در پرتو آیات	علی جان محمدی (قره باغی)	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۳۱۴	وہایت؛ مبانی فکری و کارنامه عملی	آیدالہ جعفر سبحانی، مترجم: یونس محمدتانی	پوسا	اول، ۱۳۸۲
۳۱۵	ویژہ نامہ			
۳۱۶	عز منوریک و تفسیر	غلام رسول حمیدی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۱۷	یاس های وحش (زبان تصویر ۲)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۳۱۸	یک گام بسوی ظهور	مدرسه امام خمینی، علیهم السلام	انگلیسی	اول، ۱۳۸۸
۳۱۹	یک گام بسوی ظهور	مدرسه امام خمینی، علیهم السلام	اردو	اول، ۱۳۸۷
۳۲۰	یوسف قرآن (تفسیر سوره یوسف)	حسین قرآنی، مترجم: امان اله بابایی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۲